

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - تخصصی

پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

هیئت تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد صابر جعفری

عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشگاه مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد

استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی ربانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم

دکتر سید رضی موسوی گیلانی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسید آقایی

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی هادی زاده

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فرامرز سهرابی

استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشگاه مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نصرت الله آیتی

استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشگاه مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد جعفری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حج قم

مترجم چکیده های عربی:
ضیاء الدین خزرچی (پیراسته)

صفحه آرا:

علی قنبری

حروف نگار:

ناصر احمد پور

طراح جلد:

ا. اکبرزاده

مدیر مسئول:

سید مسعود پورسید آقایی

سر دبیر:

نصرت الله آیتی

مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:

مجتبی خانی

ویراستار:

محمد اکبری

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۰۸۵ - ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۴۶

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۴۷۱ - کد پستی: ۳۷۱۳۷-۴۵۶۵۱

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ - قیمت: ۲۹۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

سایت دسترسی به نشریه: mashreqmouood.ir

یکی از موارد مهم و ضروری در مقوله مهدویت، افزایش کارهای عالمانه، دقیق و متقن به دست اهل فن و متخصصان واقعی این موضوع و پرهیز از کارهای عامیانه، جاهلانه، غیرمعتبر و براساس تخیلات و توهمات است.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

- مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات حبّ ذات / محمد نجفی، فاطمه هاشمی، حسین رجایی راد ۵
- بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام / مصطفی ورمزیار ۲۳
- تحلیل آیات و روایات تفسیری مهدوی / مهدی حسینیان قمی ۶۷
- صلوات و دعا برای فرج / سید ابوالفضل موسوی آقداش ۸۷
- برداشت‌های تربیتی دعای سلامتی امام زمان علیه السلام / سید محمدرضا موسوی نسب، مهدی مطهری ۱۱۷
- تجلی امام عصر علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی / محسن سیفی، اسما سلطانی فرد ۱۴۱
- جایگاه فرهنگ مهدوی بین جوانان شیعه و سنی / منصور نیک‌پناه ۱۶۱
- چکیده مقالات به عربی ۱۷۳

فصل نامه «پژوهش‌های مهدوی» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع مهدویت با روی کردهای: قرآن و حدیث، کلام و عرفان، تاریخ، علوم تربیتی، روان‌شناسی، حقوق و سیاست، جامعه‌شناسی، ادیان و مذاهب، فرق انحرافی، آینده‌پژوهی و هنر موعود استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم‌زمان به دیگر نشریات ارائه نشده و یا قبلاً در دیگر نشریات به چاپ نرسیده باشد.
۲. مقاله با مباحث مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس‌کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یک‌صد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده‌های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام کتاب).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج‌نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش پی نوشت و با ذکر نام منبع، شماره جلد و صفحه ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و مشخصات کتاب شناسی در فهرست منابع انتهای مقاله قرار می گیرد.

۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام کتاب، نام و نام خانوادگی نویسنده، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ، سال نشر.

برای درج مشخصات نشریات: «نام مقاله»، نام و نام خانوادگی نویسنده، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده، تاریخ انتشار.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.

۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.

۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.

۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.

۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۶

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش‌های مهدوی
سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات حب ذات

محمد نجفی*

فاطمه هاشمی**

حسین رجایی‌راد***

چکیده

انتظار منجی موعود، امری وجودی و لذا تشکیک‌پذیر است. این نوشتار با هدف بررسی مراتب انتظار به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از مدارک کتابخانه‌ای نگاشته شده است. مراتب انتظار از ابعاد گوناگون قابل بررسی است؛ اما این نوشتار با توجه به بنیادی بودن موضوع محبت، با تمرکز بر این محور، مراتب انتظار را بازشناسی می‌کند. در طول مطالعات روشن شد که انتظار در حقیقت از حب ذات سرچشمه می‌گیرد و در پایین‌ترین سطح خود شامل نیازهای مادی و علمی و معنوی فردی است. در سطحی بالاتر، انتظار به سبب علاقه به دیگران و رفع نیازهای مادی و معنوی خانواده، بستگان، هم‌نوعان و دیگر اجزای جهان هستی ظهور می‌کند. اما آن‌گاه که محبت از سطح شخصی و طبیعی فراتر رفت و معیار محبت، حب الهی شد، آدمی از تمام خواسته‌های مادی و معنوی و عقلانی و اخروی پا فراتر نهاده، فانی در اراده الهی و مظهر و مجلای اسماء الهی می‌شود و در این میان، خودی جز خود الهی و ربانی نمی‌بیند و برای تجلی اراده الهی، سابق و سارع می‌شود. این همان انتظاری است که اجر شهادت در رکاب حضرت رسول ﷺ را دارد.

واژگان کلیدی

انتظار، حب ذات، مراتب انتظار.

* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت (taha313110313@gmail.com).

*** مهندس مکانیک.

مقدمه

نگاهی به روایات مربوط به انتظار و پاداش‌های عظیم مربوط به این عمل از یک سو و مشاهده حالات برخی - به ظاهر - منتظران در دوران غیبت از سوی دیگر، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا این همه پاداش برای چنین انتظاری است که حتی در درون شخص نیز نتوانسته تحولی ایجاد کند، چه رسد به تحول آفرینی در اجتماع؟! با قدری باریک بینی درمی‌یابیم که انتظار مراتبی دارد و آن چه در روایات وارد شده باید بر اساس درجات انتظار و کمال یافتگی آن باشد.

با نگاهی اجمالی به تاریخ بشر روشن می‌شود که انتظار، امری فطری و وجودی است، نه امری ایجادیه؛ یعنی نیازی نیست که انتظار در درون افراد ایجاد شود، بلکه انتظار همراه انسان و در درون او موجود است و تنها باید شناخته و پرورده شده، در راه درست هدایت شود. شاید ریشه انتظار درونی، به نیاز انسان برای همراهی با واسطه‌های الهی مربوط می‌شود؛ زیرا همه ابنای بشر پیش از ورود به این جهان شلوغ و سرشار از سرگرمی‌ها و اشتغالات مادی و معنوی گوناگون، در برابر پروردگار خود پیمان بسته‌اند که جز او را نپرستند و همواره همراه و تابع مظاهر اسماء الهی باشند. از این رو انگیزه خداجویی انسان در درون خود، انتظار را نیز به همراه دارد و از آن جا که انتظار امری وجودی است، تشکیک‌پذیر و دارای مراتب است و چون امری وجودی است، مهم‌ترین گام برای حرکت در مسیر بلند انتظار، خودشناسی و تعریف خویشتن است؛ زیرا هرکس بر اساس تعریفی که از خود دارد اهداف و آرمان‌های خویش را تعیین می‌کند.

حقیقت این است که غیبت، عاملی برای تنبه و بیداری انسان‌هاست؛ چراکه حتی آن هنگام که حجت خدا در میان مردم آشکارا حضور داشت، در حقیقت ناشناخته و نامشهود بود؛ زیرا امام معصوم و حجت خدا را با چشم دل باید دید و حقیقت او را شناخت و پیروی کرد. در چنین شرایطی خداوند برای بیداری انسان‌ها و فرستادن نشان در پی حقیقت، غیبت امام عصر علیه السلام را مقدر فرمود تا انسان به خود آید و متوجه شود که امام را نمی‌بیند و نمی‌شناسد. روشن است که غیبت امام، امری معرفتی و شخصیتی است؛ چراکه اولاً امام، مظهر تمام اسماء الهی است، لذا هم حاضر و هم ظاهر است؛ ثانیاً در احادیث متعددی اشاره شده که امام مهدی علیه السلام در میان مردم حضور دارد:

يَقِفُ النَّاسُ اِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ. (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۴)

بنابراین غیبت امام به معنای زندگی ایشان در جهانی ماورا نیست و غیبت و محرومیت ناشی از آن، نتیجه غفلت بیننده است نه عدم حضور و ظهور دیدنی آن حضرت که برآمده از پایین بودن سطح معرفتی مردم است. از این رو درمی یابیم غیبت با وجود تمام دشواری هایش، اگر به شکوفایی انتظار فطری بینجامد، دارای بلندترین اهداف تربیتی است و موجب رشد و ارتقای انسان می شود؛ اما این رشد باید درونی باشد تا انسان بتواند پرده های غفلت و غیبت را کنار زده، ظهور امام را درک کند. از آن جا که حب ذات از قوی ترین نیروهای وجودی انسان است و انسان همواره طالب نفع خویش بوده و هر عملی که از او سر می زند بر اساس نفع طلبی و علاقه مندی او به خویشتن است، لذا انتظار - که دشوارترین و ارجمندترین عمل انسانی است - از این قاعده به دور نیست؛ به ویژه از آن رو که از جمله عناصر و مؤلفه های تعیین کننده انتظار، عنصر محبت است. اما روشن است که درجات حب ذات نیز بر اساس درجات خودآگاهی و خویشتن شناسی افراد رتبه بندی می شود؛ لذا این مقاله بر آن است تا ارتباط مراتب انتظار و درجات خودشناسی و حب ذات را بررسی کند.

مراتب انتظار

عشق و محبت از عناصر اصلی انتظار به شمار می رود. در حقیقت، عامل ایجاد انتظار، شوق و محبت نسبت به موضوع مورد انتظار است که خود از حب ذات ناشی می شود، اما عشق و محبت انسانی، امری ثابت و ساکن نیست، بلکه دارای سیری تحولی و تکاملی است؛ سیری هدفمند که مقصدش همان مبدأ آن یعنی سیرالی الله است. در این جا مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات معرفت و محبت انسان نسبت به خویشتن را بررسی می کنیم.

۱. انتظار فرج با انگیزه عشق به خود

عشق به خود از سرمایه ها و ویژگی های ذاتی و تکوینی هر انسان است. این عشق، سرمایه ای بزرگ است که اگر به درستی درک، هدایت و ساماندهی شود و در مسیر تکامل قرار گیرد، همه مسیر کمال را با پتانسیل و نیروی همین عشق به خویشتن، می توان طی کرد. حب ذات، اصیل ترین غریزه آدمی است که نیرومندترین محرک زندگی آدمیان به شمار می رود. اگر این حب ذات از آغاز زندگی در محیط مناسب به وسیله تعلیم و تربیت های سازنده توجیه شود، نه تنها به صورت نیروی محرک زندگی معقول یک فرد درمی آید، بلکه حتی می تواند در اصلاح و توجیه منطقی یک جامعه مؤثر واقع گردد (جعفری، ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۴۶). اما اگر این

عشق در همان منزل اول توقف کند، تنها در حیطة نفس، دنیا، هوس و در یک معنا، در بعد حیوانی انسان عمل خواهد کرد. عشق حیوانی در وجود انسان، تابع غرایز اوست و آن شیء که غریزه را اشباع و ارضا کند محبوب عشق حیوانی او می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۶۱). شعاع این عشق حیوانی بسیار تنگ است و انسان نمی‌تواند از محدوده جسم و نیازهای جسمی یا برتری جویی‌های شخصی رهایی یابد. حب ذات، غریزه‌ای است که فراگیرتر و مقدم‌تر از آن شناخته نشده است و همه غرایز دیگر از شاخه‌ها و شعبه‌های این غریزه هستند و علت آن، وجود ویژگی غریزه زندگی است. حب انسان به ذات خود - یعنی دوست داشتن لذت و سعادت ذات خویش و تنفر از درد و شقاوت - همان انگیزه‌ای است که انسان را به سمت کسب معیشت و فراهم کردن نیازهای غذایی و مادی برمی‌انگیزد. از این رو واقعیت حقیقی و طبیعی - که در پس تمام زندگی انسانی پنهان شده و در آن نقش آفرینی می‌کند - همان حب ذات است (صدر، ۱۴۰۱: ۳۶-۳۷). همه تلاش‌های انسان، در حب ذات او ریشه دارند و برآمده از عشق انسان به خویش‌تند. این امر از حرص و هلع ذاتی انسان ناشی می‌شود:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾. (معارج: ۱۹)

خداوند در قرآن کریم بارها از ویژگی نفع‌طلبی انسان برای تشویق او به سمت هدایت و سعادت بهره گرفته است:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾. (انعام: ۱۰۴)

﴿وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾. (فاطر: ۱۸)

انتظار فرج موعود با انگیزه عشق به خویش‌تن، نخستین گام در سیر تکاملی انتظار است؛ زیرا بنابر روایات، دوران طلایی ظهور، دورانی است که نعمت‌ها فراوان می‌شود و زمین و آسمان تمام مکنونات خود را برای رفاه انسان‌ها پرورش داده و ظاهر می‌کنند، مشکلات و بیماری‌ها از زندگی انسان برطرف می‌شود و تمام انسان‌ها در آسایش مادی و آرامش روانی قرار می‌گیرند. در این مرحله، انسان خود را به صورت خود جسمی و اجتماعی تصور می‌کند؛ از این رو خواسته‌های او نیز متوجه پرورش خود جسمی و اجتماعی است. خود این مرحله نیز دارای درجاتی است:

الف) انتظار برای رفاه مادی و گشایش در امور زندگی شخصی: نازل‌ترین سطح انتظار امام

زمان صَلَّى انتظار برای وسعت و گشایش در امور زندگی خود است؛ یعنی انسان فراتر از خود پا نهاده و نهایت خواسته اش، رسیدن به رفاه مادی مورد انتظار در دوران ظهور است. البته خود این امر، دو وجه دارد؛ اگر برای برخی افراد همان شرایط رفاه مادی بدون ظهور در زمان حال نیز فراهم شود راضی اند و منتظر ظهور نمی مانند. غرض و هدف برخی، مجرد رسیدن به نعمت های الهی و وسعت در امور زندگی و رفع شداید و سختی هاست، به گونه ای که اگر در همین حال از برای او این جهات اصلاح شود - یعنی خداوند به او در نعمت های خود وسعت عطا فرماید و سختی ها و بلاها را از او دفع کند - آن حال اشتیاق از او زایل می شود و به کلی از ذکر آن حضرت و از یاد فرج و ظهور ایشان غافل می گردد. اگر چنین باشد، به کلی از عنوان خلوص خارج خواهد شد و به فضیلت انتظار فرج فائز نخواهد گردید و در این انتظار، از اهل دنیا خواهد بود (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۵). اما برای برخی، این لذت ها و رفاهیات از این لحاظ اشتیاق آور است که گشایش و وسعت در نعمت های مادی و رفع بلاها و غم ها به سبب ظهور امام زمان رخ می دهد. این مورد اخیر پسندیده تر است.

ب) انتظار به سبب گشایش ابواب علم و فراهم شدن زمینه های عبادت: در این درجه، انسان، قدری از خود جسمی فراتر می رود و به دنبال پرورش خود اجتماعی و معنوی است، اما همچنان در محدوده خود قرار دارد؛ چراکه به دنبال فراهم شدن امکانات علمی و عبادی و تسهیل شرایط برای خود است و اصل غرض او از انتظار، برخورداری بیشتر خود او از علوم و معارف است؛ زیرا علوم و معارف در زمان ظهور، به حد کمال می رسند، به طوری که زنان در خانه های خود به احکام دین، به درجه علمای عارف و عالم می شوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۹). از سویی در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ ... مُجَدِّدًا لِمَا عَظَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُسَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى

علوم قرآنی، احکام الهی و سیره نبوی، در دوران ظهور احیا و تجدید می شوند. از سویی در دوران ظهور، ابلیس و اتباع او نابود می شوند؛ از این رو امکان کسب معارف دینی و انجام عبادت کاملاً فراهم می شود. بنابراین یکی از مراتب انتظار، آرزومندی برای ظهور به سبب گشایش در امور علمی و عبادی است. هرچند این درجه نسبت به درجه پیشین تکامل یافته تر است، اما همچنان به تکامل نیاز دارد تا از دایره خوددیت رها شود.

ج) انتظار برای پاداش اخروی: درجه بالاتر انتظار برای اغراض شخصی، به افرادی مربوط

می‌شود که بیش از آن که به دنبال رفاه دنیوی باشند متوجه حیات اخروی هستند و انتظار برای فرج و تشکیل حکومت مهدوی را برای پاداش‌های اخروی بر خود برگزیده‌اند؛ زیرا بر اساس روایات، برای منتظران در نزد خدای متعال پاداش‌های اخروی بسیاری وجود دارد. این مرتبه در مقایسه با درجات پیشین پسندیده‌تر است؛ چرا که دیدگاه چنین منتظری تا افق لایتناهی حیات اخروی گسترده شده، اما از آن رو که هنوز خود فرد مطرح است، به توسعه و تکامل نیاز دارد.

در این مرحله خود انسان محور است و این خود دوستی، گرایشی به سمت خودخواهی و خودگرایی دارد و انسان از زوایه‌ای تنگ به عالم نگاه می‌کند. او در آن زاویه تابشی جز خود نمی‌بیند. البته انسان همواره دنبال منفعت و حریص بر خیر و نفع خویش است این حرص ذاتی و خدادادی انسان نه تنها مذموم نیست، بلکه مفید و مطلوب است، به شرط آن که انسان بتواند از این حرص به خیر، به عنوان پتانسیلی قوی برای سیر به سمت کمال، بهره جوید و این میسر نمی‌شود، مگر آن گاه که انسان به دنبال کسب معرفت در شناسایی خیر و نفع حقیقی خویش باشد و دامنه محبت خود را وسعت بخشد. برای آغاز یک حرکت صحیح، انسان نیازمند است آگاهی ارادی و محبت خود را متوجه اطرافیان نماید و از دریچه تازه‌ای به خود بنگرد و عشق ورزد؛ چرا که آگاهی به خود، از آگاهی به غیر خود برمی‌خیزد.

۲. انتظار با انگیزه عشق به دیگران

در این مرحله، انسان از دایره تنگ خودخواهی خود، گام بیرون می‌گذارد و عواطف خویش را وسعت می‌بخشد. عشق به دیگران، بخشی از خودشناسی انسان به شمار می‌آید؛ چرا که سبب آشنایی فرد با دنیای عواطف و احساسات خویش و همچنین رشد و تکمیل ساختار عاطفی او می‌شود. رشد احساس همدردی و همدلی، مهم‌ترین مظاهر خود عاطفی فرد است (شمشیری، ۱۳۸۵: ۱۳۸). البته در این مرحله نیز حب ذات انسان با او همراه است، ولی دایره آن وسعت بیشتری یافته و اگر انسان، دیگران را دوست می‌دارد به دلیل احساس قرابتی است که نسبت به آنان پیدا می‌کند. فاعل همیشه برای کمال خویش کار انجام می‌دهد و مقصود اصلی در همه افعالی که از فاعل صدور می‌یابد خود فاعل است. حتی کسی که به انسان درمانده‌ای نیکی می‌کند تا او را شادمان سازد در واقع، به دنبال کمال و نفع خویش است؛ زیرا با دیدن احوال ناگوار آن مسکین، اندوهگین و غمناک می‌شود و با احسان خود در واقع می‌خواهد آن غم و اندوه را از خود برطرف سازد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۸۳). این مرحله از انتظار

نیز دارای منزلگاه‌هایی است که عبارتند از:

الف) انتظار برای رفع گرفتاری و آسایش اطرافیان

در این مرحله برای دست‌یابی انسان به هویت اجتماعی، در سوگیری عاطفی او چرخشی رخ می‌دهد و همین رشد عاطفی سبب می‌شود او با کسانی که در اطرافش زندگی می‌کنند یا نسبتی با او دارند احساس همدلی کند و فرج و گشایش در امور زندگی آنان را خواستار شود. در این مرحله ممکن است تمام تلاش انسان و آرزومندی او برای خویشاوندان و دیگران به زندگی ظاهری‌اش ختم شود. مثلاً والدین به جای احساس تکلیف در تربیت فرزند و جدیت در این امر، تنها به رضایت و خوشی و لذت محدود و مقطعی فرزند نظر داشته باشند و این یعنی هنوز خروج از دایره خودخواهی‌ها اتفاق نیفتاده و تنها عناصر جدیدی به منطقه خودخواهی انسان افزوده شده است.

ب) انتظار فرج برای تمام انسان‌ها

همدردی - یا به عبارت بهتر، هم‌تأثری، یعنی شاد شدن از شادی دیگران و رنج بردن از رنج دیگران - آن‌گاه ارزشمند است که تنها به خویشان و نزدیکان محدود نگردد، بلکه حتی کسانی که هیچ نسبتی با ما ندارند و حتی افرادی که از حضور آنان در جهان هیچ آگاهی نداریم را دربر گیرد؛ این گستره محبتی ضمن این که نشان تعادل روحی فرد است، نقشی بسیار مهم در بازدارندگی از ظلم و ستم و برانگیختن حساسیت افراد در مورد پیامدهای عملکردشان دارد. از آن‌جا که انسان دارای وجدان است، غالباً با دیدن ناراحتی دیگران دچار غم و اندوه می‌شود و دوست دارد برای رفع مشکل آنان کاری انجام دهد، ولی به علت وسعت و تعدد مشکلات هم‌نوعان، معمولاً در حل مشکلات احساس ناتوانی کرده به سبب محبت نسبت به هم‌نوعان، برای گشایش و وسعت در زندگی آنان مشتاق ظهور می‌شود. در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد عاطفی رسیده است که انسان‌های دیگر را دوست دارد و از نوعی احساس و عاطفه مشترکی برخوردار می‌شود. این احساس مشترک، او را تا جایی پیش می‌برد که وجدان آگاه و بیدارش از دیدن شرایط سخت زندگی هر کس دیگر به درد می‌آید و تحمل ستم حاکم بر این‌بشر را ندارد.

برخی اعتقاد دارند که ظهور امام زمان علیه السلام برای همگان فرج نیست و ملحدان و ستمگران و گردن‌کشان، در ظهور آن حضرت فرج و بهره‌ای نخواهند داشت. اگر به عبارت «أَخِي يَهْ عِبَادَكَ» در دعای عهد دقت شود، کلمه «عبادک» را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد: اگر

منظور از عباد، بندگان صالح خدا باشند، کلمه «احی» به معنای حیات سیاسی و اجتماعی برای مؤمنان و مستضعفانی است که در اوج شایستگی، حقشان غصب شده یا شیعیان تحت ظلم ستمگران هستند که با ظهور امام زمان علیه السلام به حیات طیبه و امنیت و آسایش می‌رسند؛ اما از سوی دیگر در دعای عهد می‌خوانیم: «الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ؛ مرگ برای تمام آفریدگان مطرح است، نه فقط برای مؤمنان». از این عبارت می‌توان دریافت که عباد به مفهوم تمام انسان‌هاست و ظهور امام برای همه آنان حیات بخش است؛ چرا که حیات دارای مراتبی است که ظهور امام باعث ارتقای آن می‌شود؛ همچنان که در روایات آمده است که گروهی از ملحدان در روزگار ظهور، پس از رویارویی با حقیقت حیات بخش دین توحیدی، به یگانه‌پرستی روی آورده و در کنار امام زمان قرار می‌گیرند و به او ایمان می‌آورند و از طرفی ستمگران و گمراهانی که به دلیل تیرگی‌های روحی نمی‌توانند هدایت الهی امام را پذیرا باشند با تیغ انتقام امام حیات پیدا می‌کنند؛ چرا که زندگی تبهکاران در این جهان در حقیقت مرگ و نابودی است و آنان با کشته شدن به دست امام زمان علیه السلام به زندگی حقیقی و رهایی از اسارت نفس اماره دست می‌یابند و حداقل فرجی که برای آنان در این میان وجود دارد گرفته شدن فرصت گناه و تباهی و فساد بیشتر، از آنان است.

حتی شمشیر امام که مرگ را برای ملحدان معاند به ارمغان می‌آورد، ریشه در محبت امام نسبت به انسان‌ها دارد. امام از گناه بیزار است، اما حتی بندگان گنهکار را نیز دوست دارد؛ اما تنها راه نجات برخی از آنان این است که با مرگ از گناه جدا شوند تا هم خودشان و هم انسان‌های دیگری که در زیر ستم آنانند رهایی یابند. عبارت «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ» نیز مؤید همین مطلب است؛ زیرا ممکن است بسیاری از مظلومان اعتقادات الهی نداشته باشند یا مظلومان ظلم خویشتن باشند. از این رو ظهور برای همگان فرج است، اما همه منتظر ظهور نیستند.

ج) انتظار فرج برای همه موجودات

در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد می‌رسد که بین خود و تمام اجزای هستی، نوعی پیوند احساس می‌کند و این احساس یگانگی با هستی و انفکاک ناپذیری از آن، سبب می‌شود انسان آرزومند کمال همه موجودات باشد. در نتیجه، انگیزه او برای انتظار، محبت به تمام هستی است؛ زیرا بنابر روایات، وسعت و گشایش و بلوغ و کمال در زندگی حیوانات و نباتات با ظهور، رخ می‌نماید و در کل هستی تحولاتی عظیم و مثبت رخ می‌دهد و انوار ظهور، آن‌ها را

نیز دربر خواهد گرفت. روشن است که ظهور امام زمان علیه السلام برای تمام هستی گشایش به ارمغان خواهد آورد. از این رو افزون بر بشر، دیگر عناصر و ارکان هستی نیز در دوران نورانی ظهور به شکوفایی و کمال خواهند رسید.

ارج انتظار به کرامت منتظر است و حرمت ترقب، به تأثیر مترقب؛ چون قلمرو تأثیر ولی عصر علیه السلام اعم از معارف بود و نبود و مسائل باید و نباید است و منطقه وساطت وی - اعم از انسان و غیر انسان - و نصاب توانمندی او در این است؛ گستره به ظلم و جور آلوده زمین را به پهنه پاک قسط و عدل، بدل می کند و جهنم سوزان نظام سلطه را - که مایه پر شدن عرصه حیات بشر از غبار ستم و دود طغیان است - با دست انتقام الهی خاموش و آرمان شهر بهشت گونه را - که لبریز از برابری و برادری و میانه روی است - تأسیس می نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

بنابراین با توجه به این که قلمرو تأثیر حضرت حجت علیه السلام تمام هستی است، انتظار هر منتظر مؤمن باید انتظاری کلی باشد که تمام موجودات عالم را دربر گیرد. وساطت حضرت ولی عصر در عالم وجود، پیوسته و شامل تکوین و تشریح است. از این رو همگان - اعم از انسان و غیر انسان - در دوران نورانی ظهور به هدف غایی خلقت خویش می رسند. کمال طبیعت و زمین در آن است که انسان های صالح و شایسته را در دامن خویش پیورود و به واسطه وجود آن ها به سمت مقصد و منتهای هستی که خداست، سیر کند؛ اما متأسفانه آدمی با خودخواهی ها و خودمحوری های خود و دخالت نادرست در طبیعت و برخورد ابزارگونه با طبیعت و جهان هستی، در آن فساد و تباهی ایجاد می کند؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ﴾ (روم: ۴۱)

بر این اساس، در این مرتبه از انتظار، روح انسان چنان لطافت و رقتی می یابد که از نابودی طبیعت نیز متأثر می شود. بنابراین انگیزه او از محدوده هم تأثیری با هم نوعان فراتر رفته و تمام مخلوقات الهی را دربر می گیرد و انسان، آرزومند رفع نقصان و فساد از دریا و خشکی، هوا و فضا و... می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

او زمین را همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد پر می کند؛ آسمان از ریختن نزولاتش و زمین از رویانیدن گیاهانش هیچ دریغ نمی ورزد. (محمدی ری شهری،

در دعای عهد نیز آمده است:

خدایا با او سرزمین هایت را آباد کن و بندگان را زندگانی [حقیقی] ببخش. (قمی،
۱۳۶۹:۹۰۴)

عشق بی دریغ به تمام مخلوقات، از ویژگی های وجودی افراد رشد یافته است. انتظار ناشی از این عشق، انسان را آماده ورود و صعود به مرحله بالاتر می کند. در این مرحله، انسان آماده شناسایی حقیقت خود است؛ چرا که توانسته است از گوناگونی ها گذشته و همه عالم را مانند یک کل ارگانیک بنگرد.

۳. انتظار با انگیزه حب الهی

در این مرحله، معیار و ملاک آرزومندی، ارزش های الهی است و انسان از پیوندهای نوعی و طبیعی فراتر رفته، همه عالم را مظهر یک حقیقت می بیند؛ از این رو ملاک علاقه و آرزومندی خود را محبت الهی قرار می دهد. در نتیجه، به محبان خدا علاقه و محبت بیشتری پیدا می کند. این مرحله نیز دارای مراتب و درجاتی است که برخی از درجات آن به نوعی با مرتبه قبل - یعنی عشق به دیگران - نیز مرتبط است.

الف) انتظار فرج برای مؤمنان

این مرتبه از انتظار، انتظار برای رفع مشکلات از جامعه ایمانی و احاد مؤمنان و موحدان است؛ یعنی انتظار فرج امام زمان علیه السلام برای برطرف شدن مصائب و مشکلات مادی و معنوی و دینی و دنیوی که مؤمنان را احاطه کرده است؛ زیرا در دوران غیبت آن حضرت، مؤمنان - به خصوص شیعیان - دچار مظلومیت شده و در نوعی سرگردانی و بی سامانی قرار گرفته اند. در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ؛ (قمی، ۱۳۶۹:
دعای عهد)

خدایا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دل های ما، در ظهورش تعجیل فرما!

تفاوت این مرحله با مرحله انتظار برای تمام انسان ها در معیار پیوند عاطفی و موضوع مسائل و مشکلات - یعنی گرفتاری ها و حرمان های معنوی و ایمانی - است.

ب) انتظار فرج برای انبیا و اولیا و فرشتگان الهی

در این مرحله انسان به درجه‌ای از کمال عاطفی می‌رسد که مرزهای تاریخی را نیز پشت سر می‌گذارد و نه تنها از مشکلات مؤمنان هم عصر خود دچار رنج و ناراحتی می‌شود، بلکه مشتاق به ثمر رسیدن زحمات همه اولیا و انبیای الهی است؛ چرا که انبیای الهی به دلایلی گوناگون از جمله جهالت مردم عصر خود نتوانستند آن‌گونه که اشتیاق داشتند رسالت عظیم هدایت بشری را به انجام رسانند. از این رو آنان نیز چشم به راه موعود منتظر بودند تا به دست او، رسالت آنان تکمیل شده و به سرانجام برسد. در دعای ندبه آمده است: «کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان آن‌ها را می‌گیرد؟» بنابراین ظهور حضرت مهدی و عالم‌گستر شدن مکتب توحیدی، فرج و گشایش امور انبیا و اولیای الهی است. از سویی فرشتگان الهی نیز به دلیل غصه‌های انبیا - به ویژه خاندان حضرت رسول اکرم ﷺ و به خصوص امام حسین علیه السلام - بسیار غمگین و گریان شدند و منتظر روزی هستند که قائم، انتقام خون آنان را بگیرد و زمین را از لوث وجود فاسدان پاک سازد. از این رو درجه بالاتر انتظار، انتظار برای گشایش امور انبیا و فرشتگان الهی است.

ج) انتظار برای سرور حضرت رسول ﷺ و گشایش در امور آل محمد علیهم السلام

از عبارت «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» روشن می‌شود که ظهور امام زمان، فرج و گشایش امر حضرت رسول و ائمه طاهرين علیهم السلام است. بر اساس آیه «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، با ظهور امام زمان علیه السلام مستضعفان وارثان زمین خواهند شد و مستضعفان واقعی، کسانی هستند که در اوج شایستگی، حقشان تضییع و غصب شده است. بنابراین ائمه معصوم، مستضعفان واقعی هستند و ظهور امام زمان بازگرداننده شدن حقوق حقه به خاندان حضرت رسول ﷺ به شمار می‌رود. از سویی پیامبر ﷺ آرزومند دیدار آقا امام زمان علیه السلام نیز بودند؛ پس درجه بالاتر انتظار، انتظار برای شادی دل حضرت رسول و گشایش امور خاندان آن حضرت است. در دعای عهد آمده است:

خداوندا، پیامبرت و پیروان او را به دیدارش شادمان کن و پس از او به بیچاگرگی ما رحم کن! خداوندا، با ظهورش این گرفتاری را از این امت برطرف نما!

در این مرحله فرد به درجه‌ای از بلوغ عاطفی و ایمانی رسیده است که قرابتی عمیق بین خود و انسان کامل به ویژه حضرت رسول اکرم احساس می‌کند و انگیزه او برای انتظار و

اشتیاق ظهور، خرسندی حضرات معصومین علیهم‌السلام و اتمام مصائب و مشکلات ائمه هدی علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است؛ زیرا روشن است که با توجه به مراتب وجودی امام زمان - که بالاترین درجه انسانیت و کمال انسانی به شمار می‌رود و به سبب اشرافی که بر عالم دارند، میزان آگاهی و ادراک ایشان از مسائل و مشکلات، بیش از همه است و بزرگ‌ترین مصائب و اندوه‌ها را تحمل می‌کنند - خود ایشان، منتظرترین فرد برای امر فرج و ظهور هستند. از بالاترین درجات محبت، حب و محبت عمیق و احساس پیوند با امام زمان علیه‌السلام است که نزدیک‌ترین درجه به مقام فنا در محبت الهی و تسلیم و رضا در برابر خواست خداست. از این رو شایسته است انسان برای شادی و سرور دل ایشان - که با برپایی حکومت توحیدی و اجرای عدالت در جان و جهان حاصل می‌شود - منتظر طلوع حکومت مهدوی باشد.

د) انتظار برای ظهور اراده الهی

اگر انسان در مراحل قبلی به طور کامل موفق شود، به سرمنزل سلوک عاطفی - که حب الهی است - نایل می‌شود. البته این مرحله گرچه سرمنزل مقصود است، اما نهایی ندارد؛ چرا که محبوب بی‌منتهاست. پس بالاترین و خالص‌ترین مرتبه انتظار، اشتیاق به فرج امام زمان علیه‌السلام برای ظهور امر الهی است. در زیارت امام زمان در روز جمعه آمده است:

وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ؛ (قمی، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

به انتظار ظهور تو و ظهور سلطنت حق به دست قدرت تو هستم.

یعنی انسان بدون توجه و چشم‌داشت به منافع مادی و معنوی فرج برای خود و اطرافیان، از آن جهت منتظر ظهور باشد که در دوران حکومت عدل مهدوی، غلبه حق بر باطل صورت می‌گیرد، امر الهی تجلی کامل می‌یابد و حقوق انبیا، اولیا، مستضعفان و صالحان به آنان بازگردانده می‌شود.

در روایتی می‌خوانیم:

عمار ساباطی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا عبادت با امام مستتر در دولت باطل افضل است یا عبادت در ظهور و دولت حق به همراه امام ظاهر؟ فرمود: ... عبادت شما در نهان به همراه امام مستتر در دولت باطل بهتر است. ... گفتم: فدای شما شوم! اگر چنین است دیگر آرزومند نیستیم که از اصحاب امام قائم در دولت حق باشیم؛ زیرا امروز در امامت شما و طاعت شما هستیم و اعمال ما از اعمال اصحاب دولت حق افضل است. فرمود: سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خدای تعالی عدل و حق را در بلاد آشکار کند

و حال عموم بندگان را نیکو گرداند و وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند و در زمین، خدای تعالی معصیت نشود و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد و خداوند، حق را به اهلش برگرداند و آن‌ها آن را غالب گردانند تا به غایتی که هیچ حقی از ترس خلقی مخفی نماند؛ ای عمار، به خدا سوگند هریک از شما بر این حال بمیرد نزد خداوند از شهدای بدر و احد برتر خواهد بود؛ پس مژده باد بر شما! (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۲، ۵۴۸-۵۵۰)

این درجه از انتظار دربر دارنده همه فضایل مراتب پیشین است. اصحاب مهدی علیهم‌السلام کسانی هستند که آن بزرگوار را برای آن چه خدا می‌خواهد خواسته‌اند؛ خواه برای دنیای آنان سودمند باشد، خواه زیانبخش؛ در هر حال تابع مشیت الهی هستند (ابن طاووس، ۱۳۸۸: ۲۶۰). از این رو در بالاترین درجه خلوص، انتظار برای تجلی امر الهی و گسترش توحید و یگانه‌پرستی در سراسر عالم و اجرای همه حدود و احکام الهی به درست‌ترین شکل است که این درجه انتظار، ارزشمندترین مرتبه آن به شمار می‌رود. انتظار در حقیقت، اتصالی دائمی با واسطه وجود - یعنی عین الانسان - است که او نیز با منبع وجود اتصال دارد و انسانی که به دنبال صیورورت انسانی است برای نیل به مقام بندگی محض خدا، به خلیفه الهی متصل می‌شود و به مقام انتظار می‌رسد. این مرتبه از انتظار، یعنی درک اضطرار به وجود امام زمان علیه‌السلام و تحقق حکومت مهدوی است که انسان را از ظلمات خودخواهی به نورانیت توحید نایل می‌کند. این سیر عاطفی از خود انسان شروع می‌شود و به خود او بازمی‌گردد؛ اما در ابتدای راه، انسان خود جسمی است و درانتهای راه، خود الهی. بنابراین مقصود از خود دوستی، دوست داشتن من ملکوتی و علوی انسان است که سرچشمه گرایش‌ها و انگیزه‌های اصیل انسان به شمار می‌رود و شامل «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت یا سعادت» می‌شود. هریک از این موارد نیز به منزله یک اصل، منشأ فعالیت‌های مختلف می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۴۲ - ۴۳). انسان در این حرکت از خودخواهی و خوددوستی محصور و محدود خود با توسعه بخشی به توانایی‌های عاطفی بالقوه خود وارد کثرت شده، به سوی وحدت سفر کرده و حقیقت وجود خود - یعنی «خود ربانی» خویش - را درمی‌یابد. اکنون که دید او از زاویه تنگ خودبینی به وسعت بینش الهی رسیده است، عشق به دیگران و عشق به طبیعت و موجودات ملکی و ملکوتی معنای دیگری می‌یابد. او اکنون خویشاوندان را مایملک خود نمی‌داند و برای ظواهر آنان دلسوزی نمی‌کند. انسان در این مرحله به چنان بصیرتی می‌رسد که با چشم جان، ملکوت عالم را می‌بیند و بین کمال خود و دیگران تراحمی

حس نمی‌کند. از این رو همچنان که برای خود طالب بالاترین درجات کمال است، برای دیگران به ویژه آحاد مؤمنان در اقصی نقاط عالم خواهان کمال می‌شود، به گونه‌ای که هرگاه می‌خواهد درودی به محضر مولای خویش ابلاغ نماید تمام مؤمنان را شریک قرار می‌دهد:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا
وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ....

او می‌داند که ظهور امام زمان علیه السلام و تجلی اراده الهی در ظرف حیات دنیوی، انسان‌ها و موجودات دیگر را در مسیر سعادت و کمال و شکوفایی واقعی قرار می‌دهد. این جاست که برای نجات دیگران دست به ایثار و فداکاری می‌زند. حتی انواع گوناگون از ایثار و فداکاری که در طول تاریخ زندگی انسان مشاهده می‌شود، برگرفته از همین نیروی محرکه بنیادین - یعنی حب ذات - است. انسان گاهی فرزند یا دوستش را بر خود ترجیح می‌دهد و گاهی خویش را قربانی برخی ارزش‌ها و امور متعالی می‌کند؛ اما تا زمانی که نسبت به این امور احساس لذت نکند و تا آن هنگام که منفعتی بیشتر نبیند، هرگز به آن‌ها اقدام نمی‌کند (صدر، ۱۴۰۱: ۳۷). این احساس تا آن جا می‌تواند پیش رود که انسان از گمراهی افراد نیز به رنج بیفتد، همچنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه با نپذیرفتن دین از سوی مردم روبه رو می‌شد، چنان غصه آنان را می‌خورد که خداوند خطاب به ایشان می‌فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِدَا الْحَدِيثِ آسَفًا﴾؛ (کهف: ۶)

گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

این موضوع در باره امام زمان علیه السلام نیز صادق است؛ آن حضرت در یکی از توقیعاتشان برای گروهی که درباره وجود آن حضرت به شک افتاده بودند چنین مرقوم فرمود:

به من خبر رسیده که جماعتی از شما، در امر دین به تردید افتاده و شک و سرگردانی درباره ولی امرشان پیش آمده است. این امر، ما را اندوهگین ساخت به خاطر شما، نه به خاطر ما، و برای شما ناراحت شدیم، نه برای خودمان؛ چون خدا با ماست و با وجود او نیازی به غیر او نداریم. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۷۸)

منتظر راستین امام نیز در تبعیت کامل از او چنین احساسی نسبت به مؤمنان و انسان‌ها و دیگر مخلوقات عالم پیدا می‌کند. بنابراین انسان وقتی وسعت دید پیدا کند، بهتر به مصالح و

منافع خود و دیگران پی می برد و در حقیقت، جنبه مطلوب حرص و هلع، فرد را به پا گذاشتن برای روی خواسته های مراتب دانی وامی دارد.

منتظری که برای تجلی اراده الهی انتظار می کشد و حتی چشم داشتی به پاداش مضاعف عبادت در دوران غیبت ندارد، کسی است که نه تنها از محدوده لذات طبیعی محض و حیات مادی عبور کرده، بلکه پا را از لذات معنوی و عقلانی و روحانی و بالاتر از آن، لذات حیات اخروی نیز فراتر گذاشته است. او در حقیقت در مرحله ای است که به شکوفایی ذات و هم نوایی با آهنگ کل هستی رسیده است. لذا اراده او در اراده امام خویش - که مظهر اسماء الهی است - فانی شده است؛ همچنان که در دعای عهد می خوانیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

برای این که انسان بتواند به این مرحله از خودشناسی و تکامل عاطفی برسد و واجد چنین مرتبه ای از انتظار گردد، لازم است چشم ملکوتی اش گشوده شود. انسان برای دیدن حقیقت خود باید فاصله ای مناسب از عالم اشیا و محسوسات و تعلقات اتخاذ کند و این فاصله همان عبور از غرایز و ارزش های دانی به سمت ارزش های متعالی است. بهترین راه نگرستن به ایده آل و آگاهی از کاستی ها و نارسایی ها و تلاش برای بهبود و ارتقا و اصلاح است؛ زیرا تنها با نظر به ایده آل است که می توان از کبودهای واقعی آگاه شد. مکتب تربیتی انتظار به بهترین وجه، این نیاز انسان را پاسخ داده است؛ چنان که اولاً با مطالعه در سیره امام علیه السلام و دیگر ائمه هدی علیهم السلام می توان تکلیف خود را شناخت؛ ثانیاً با توجه به روایات و دعاهای مرتبط با انتظار یا صادره از سوی امام عصر علیه السلام راه درست زندگی و سیر در مسیر انتظار راستین را دریافت.

نتیجه

انسان ذاتاً موجودی خود دوست است و همه کارهای او بر اساس این عنصر خدایی صورت می گیرد. انتظار به عنوان افضل الاعمال از این قاعده مستثنی نیست. البته انتظار امری وجودی و همراه انسان است و غفلت، مانع بهره مندی او از نیروی عظیم انتظار برای ساختن زندگی فردی و اجتماعی می شود. تنها وظیفه انسان برای بهره مندی از مواهب انتظار، تلاش برای اشتداد و ارتقای انتظار است. مراتب انتظار با مراتب خودشناسی و خود دوستی همسو و هماهنگ است که در این جا بدان ها پرداخته می شود:

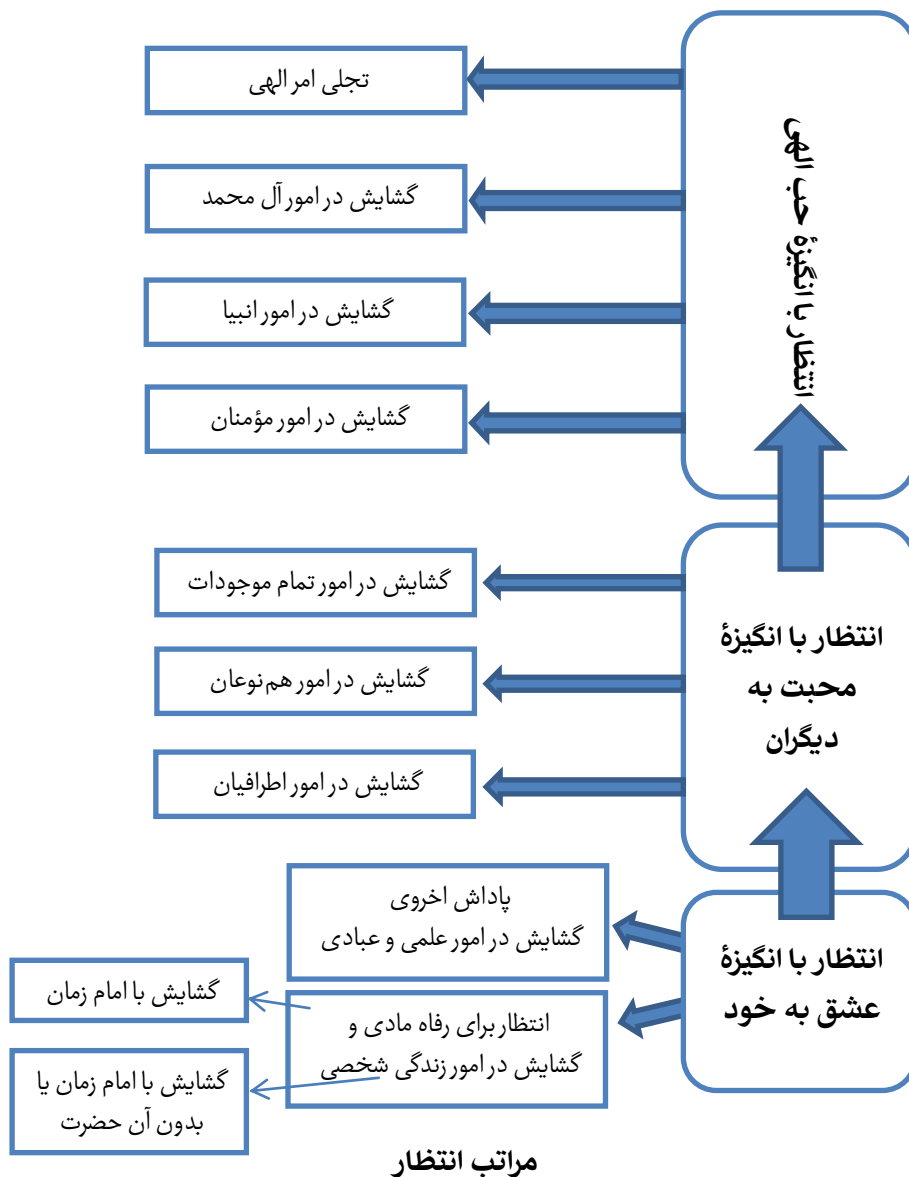
در پایین‌ترین مرتبه، حب ذات در مرحله حیات طبیعی و مادی محض قرار دارد که انتظار متناسب با آن، اشتیاق به ظهور برای رسیدن خود و بستگان به وفور نعمت و رفع شداید است. مرتبه بعدی حب ذات در مرحله حیات معقول قرار دارد که شامل لذات معنوی، عقلانی و روحی می‌شود. در این مسیر، انتظار برای گسترش علوم و معارف، تسهیل عبادت، آرامش روانی و... برای خود و دیگران است.

مرحله بعدی حب ذات بر اساس منافع اخروی است؛ یعنی آن‌چه انسان را به مسلک انتظار می‌کشاند رهایی از عذاب اخروی و برخورداری از نعمت‌های بهشتی است.

بالاترین مرتبه حب ذات، شکوفایی ذات و ورود به آهنگ کلی هستی است که میوه این حد از تکامل خودآگاهی و رشد عاطفی، انتظار برای تجلی اراده حق است. این مرتبه از انتظار، پرورش یافته و انتظاری همچون انتظار انسان کامل و رکن دین خداست که در بالاترین سطح از حب ذات تجلی پیدا می‌کند. اما نیل به این مرتبه از انتظار، امری است که به معرفت و عزم جدی نیاز دارد. به همین دلیل از انتظار به عنوان بهترین و از سویی سخت‌ترین اعمال یاد شده است. منتظر واقعی شخصیتی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند؛ روشن‌اندیشی، اراده و عزم استوار و ظرافت احساسات و نشاط و تعالی درونی که نشانه عمق و دوام سیر روحی به سوی ارزش‌هاست.

انسان برای رسیدن به بالاترین درجه انتظار، لازم است خود را از غفلتی که او را در بند غیبت - یا همان یعنی گرفتاری در سطحی‌نگری و اشتغالات مادی و سهل‌انگاری‌ها - گرفتار کرده برهاند. انسانی که طالب چنین مرتبه‌ای از انتظار است، باید به بررسی لایه‌های درونی خود بپردازد و آلودگی‌ها و تعلقات روحی و درونی خود را بازشناسی و پالایش کند و نیز همواره ضمن امیدواری به اتصال و یگانگی با امام عصر، خوف جدایی از ولایت را داشته باشد. همچنین باید در بررسی لایه‌های زیرین اعتقاد درونی خود از هرگونه مسامحت و سهل‌انگاری بپرهیزد تا فراعنه پر مکر درون خود - اعم از حب جاه و مقام، ترس از قدرت‌های ظاهری، کینه، غضب، حسادت، شهوت پرستی و ... - را بازشناسی کرده و در رفع آن‌ها اقدام نماید تا چشم جان بصیر گردد و انسان بتواند از راه شهود، بصیرت و درون‌نگری، امام را درون خود بیابد. اندیشه و تمایل انسان، آن‌گاه به روشنایی معرفت و محبت امام رو می‌کند که او از آرزوهای محقر و دانی و گناه‌آلود روی برتابد و این نیازمند ممارست و مهارت است. لذا انسان در این مسیر - به‌ویژه در مرحله گذار از غرایز به ارزش‌ها - نیازمند مربی است و چنان‌چه بتواند از این

مرحله به سلامت عبور کند، برای سیر به ارزش های متعالی باید به خودسازی بپردازد. مراجعه به دعاهای فرآینابی - که وظایف منتظران را روشن می کنند - و عمل به مضامین آن ها توصیه می شود. تا وقتی ناپاکی ها و مبتذلات و حرام از مبادی ورودی انسان - اعم از دیدنی ها، شنیدنی ها و خوردنی ها - زدوده نشوند، افکار و امیال او به ملکوت و حقیقت ذات رجوع نخواهند کرد.



منابع

- ابن بابویه، علی بن حسین، الامامة والتبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الامام المهدي ﷺ، ۱۴۰۴ق.
- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، اخلاق، ترجمه: علی منفرد نظری، قم، جلوه کمال، ۱۳۸۸ش
- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
- شمشیری، بابک، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران، طهوری، ۱۳۸۵ش.
- صدر، محمدباقر، فلسفتنا، قم، دارالکتب الاسلامی، چاپ دهم، ۱۴۰۱ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، نهایه الحکمة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- فقیه ایمانی، محمدباقر، شیوه‌های یاری قائم آل محمد ﷺ، قم، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات ام ابیها، ۱۳۶۹ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۷۷ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
- میرزایی، فاطمه، معرفت نور تا عصر ظهور، قم، ارمان طوبی، ۱۳۸۷ش.
- هرنندی، محمد حسن بن ملاً علی، شرح دعای عهد، به کوشش: حسین درگاهی، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۴ش.

بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام

مصطفی ورمزیار*

چکیده

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، از جمله مباحث مهدویت به شمار می‌رود. اظهار نظر درباره تعیین مدت حکومت آن حضرت، پس از بررسی سندی و دلالتی روایات فراوان و متعارض این باب، امکان پذیر است. با توجه به احادیث فریقین، می‌توان مدت حکومتی بین هفت تا ۳۰۹ سال برای آن حضرت تصور کرد. در روایات اهل سنت، مدتی کمتر از ده سال مورد تأکید است، برخلاف منابع حدیثی شیعه که در آن‌ها مدت بالای ده سال پررنگ‌تر بیان شده و مواردی از روایات شیعی که به هفت سال اشاره کرده‌اند، تفسیری متفاوت از لفظ سنة (سال) ارائه می‌دهند و هر سال را معادل ده سال عادی یا بیشتر می‌دانند.

مباحثی از قبیل، ترجیح سندی و دلالتی روایات، وجه جمع منتخب بین روایات متعارض و چگونگی طولانی شدن سال به مقدار ده برابر، از نکات مهم این تحقیق خواهد بود.

این نوشتار، پس از دسته‌بندی و بررسی سندی و دلالتی روایات و تحلیل نظریه‌های مطرح شده درباره وجه جمع بین روایات متعارض، نتیجه می‌گیرد که مدت حکومت هر قدر هم کم باشد به اندازه تشکیل حکومت و استقرار آن خواهد بود و پس از ثبات حکومت مهدوی، حکومت الهی صالحان بر جامعه تا قیامت ادامه خواهد داشت و وعده الهی - که تداوم حکومت الهی تا قیامت است - محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی

مهدویت، مدت حکومت امام زمان علیه السلام، مراحل حکومت امام زمان علیه السلام مدت حیات امام زمان علیه السلام طولانی شدن سال‌های ظهور، رجعت.

مقدمه

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام چند سال خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش، راهی جز مراجعه به روایات معصومین علیهم السلام نیست و این روایات، زیاد، متنوع و متناقضند.

روایات هفت سال - به ویژه در میان محدثان اهل سنت - شهرتی نسبی دارند (صفر نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۵). با توجه به این شهرت، این پرسش مطرح می شود که اگر حکومت امام زمان علیه السلام این اندازه کوتاه و زودگذر باشد، هفتاد سال غیبت صغرا، دوازده قرن غیبت کبرا، این همه زمینه سازی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و نیز دستورات فراوان برای ساختن جامعه و مهیا کردن آن برای ورود به دوران ظهور چه توجیهی دارد؟ آیا برای یک حکومت هفت ساله - هرچند ایده آل - این همه انتظار، تلاش و هجران لازم است؟

در این نوشتار با بررسی روایات و جرح و تعدیل آن ها و بیان راه حل های ارائه شده و جمع بندی شان، پاسخی شایسته به این پرسش خواهیم داد؛ ان شاء الله.

پیش از بررسی متن و اسناد روایات، توجه به دو نکته ضروری است:

نکته نخست. با توجه به دیدگاه خاص حدیثی اهل سنت،^۱ در بین روایات آنان مواردی به چشم می خورد که کلام معصوم علیه السلام نیست و بدون استناد به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدگاهی را از صحابه نقل کرده اند و با توجه به این که:

۱. در تفکر شیعه، کلام غیرمعصوم به عنوان روایت تلقی نمی شود؛

۲. در میان اهل سنت نیز دیدگاه حجیت کلام صحابی مخالفانی دارد؛

۳. بسیاری از طرفداران حجیت کلام صحابی، آن را مقید به مخالف نبودن با کلام دیگر صحابه کرده اند (نووی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۲۰؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۱۳ عن الائمة الحنفیة) و در این بحث، کلام نقل شده از صحابه، هم با احادیث نبوی مخالفتی صریح دارد و هم با کلام دیگر صحابه ناسازگار است؛

۱. بنابر دیدگاه اهل سنت، به روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، خبر می گویند و به مواردی که از صحابه بدون استناد به پیامبر نقل می کنند، لفظ اثر اطلاق می شود. در حجیت اثر و قول صحابی بین آنان اختلاف است؛ گروهی اقوال صحابه را مانند روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله حجت می دانند (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۲۹۶، عن الشیخین المسلم و البخاری؛ غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸ نقلاً عن قوم) و عده ای نیز این کلام را نپذیرفته و آرای صحابه و تابعین را حجت نمی دانند (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۶۸؛ رازی، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۲۹).

در این تحقیق به چنین مواردی بهایی داده نخواهد شد (برای مثال، نک: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۴۵، ۲۴۶؛ مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۲ و ۲۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۱، ۲۶۳؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۱۵۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۳؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۳۹).

نکته دوم. در منابع اهل سنت برخی موارد با لفظ «رُوی» یا «فی روایة» یا الفاظ مشابه، بدون استناد صریح به پیامبر ﷺ بیان شده است. با توجه به این که گروهی از اهل سنت با سخن صحابه و تابعین برخورد روایی می کنند، نمی توان مطمئن بود که مراد آنان از تعبیر «رُوی» یا «فی روایة» نقل کلام پیامبر ﷺ باشد؛ بر همین اساس نمی توان این موارد را نیز در شمار روایات به شمار آورد (برای مثال، نک: ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۷، ح ۲۸۷؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۳۳، ح ۹۱۰ عن الجمع بین الصحاح؛ عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۲۲، ۳۵۶).

بررسی متن و اسناد روایات

روایات مدت حکومت امام زمان ﷺ به دو دسته کلی تقسیم می شود:
 الف) روایاتی که به صورت مبهم وارد شده و مدت خاصی را ذکر نکرده اند؛
 ب) روایاتی که حکومت آن حضرت را دارای مدتی معین دانسته اند.

روایات مبهم

روایت یکم

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ لَهُ: يَا عَمُّ! يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً... ثُمَّ يَخْرُجُ الْمُهَدِيُّ ﷺ مِنْ وُلْدِي يُصَلِّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَيَمَكُّثُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۲)

از عباس بن عبدالمطلب از پیامبرگرامی اسلام ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: ای عمو، از فرزندان من دوازده خلیفه به حکومت می رسند... سپس مهدی از فرزندان من خروج می کند. خداوند کار او را در یک شب درست می کند. او زمین را مملو از عدالت می کند، همان طور که از ظلم پر شده بود و به هر مقدار که خدا بخواهد در زمین باقی خواهد ماند.

تعبیر به «یمکث فی الارض ما شاء الله» در این روایت، یعنی به هر مقدار که خداوند بخواهد روی زمین زندگی می کند و مدت خاصی را برای حکومت حضرت معین نکرده است.

روایت دوم

عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل بن عمر قال: سألت سيدي الصادق عليه السلام... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَانِي! فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ؟ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ...: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود، ۱۰۸) وَالْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيْ عَطَاءٌ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَ حُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَمْرٌ لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ إِرَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ مَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۳۴، باب ۲۵، ح ۱)

مفضل از امام صادق عليه السلام می پرسد: مدت حکومت قائم عليه السلام چه مقدار است؟ امام صادق عليه السلام با استناد به آیه ﴿إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ می فرماید: «والمجدوذ» یعنی مقطوع؛ یعنی عطایی که از ایشان قطع نمی شود، بلکه دائم و ابدی است و حکومتی است که زمانش تمام نمی شود و حکمی است که قطع نمی شود و امری است که باطل نمی شود مگر به اختیار خدا و خواست و اراده او، و این را غیر از خداوند نمی داند و بعد از آن قیامت و وقایعی است که خداوند در کتابش توصیف کرده است.

امام صادق عليه السلام در این روایت، مدت حکومت امام زمان عليه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را نیز بیان می فرماید.

روایت سوم

قال رسول الله ﷺ: حكاية عن الله في معراجِه ولانصرته بجندی ولامدته بملائكتي حتى يعلن دعوتي ويجمع الخلق على توحيدى ثم لادمين ملكه ولاداولن الايام بين أوليائي إلى يوم القيامة؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۶؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، ۷)

پیامبرگرامی اسلام ﷺ در روایت معراج، به نقل از خداوند تبارک و تعالی فرمود: حتماً او (امام مهدی عليه السلام) را با لشکریانم یاری می دهم و با ملائکه ام به او کمک می رسانم تا دعوت مرا علنی کند و خلق را بر یکتاپرستی و توحید من جمع کند و سپس به ملک او دوام می دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد.

در این روایت نه تنها ادامه دار بودن حکومت امام مهدی عليه السلام بیان شده، بلکه به بقای آن در بین اولیاء الله تا قیامت نیز تصریح می کند، اما به زمان معینی اشاره نشده است. اگرچه این دسته از روایات در نتیجه گیری بحث، مورد استفاده قرار می گیرند، اما به دلیل این که مدت خاصی را بیان نمی فرمایند، در این بخش، از بحث ما خارج هستند.

روایات بیان کننده مدت معین

این گروه از روایات نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روایاتی که مقدار کمتر از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان کرده‌اند؛
 ۲. روایاتی که زمانی بیش از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان فرموده‌اند.
- روایات دسته اول عمدتاً در منابع اهل سنت یافت می‌شود، البته در منابع شیعه نیز اخباری وجود دارد که بیان می‌کنند حکومت آن حضرت هفت سال است؛ اما توضیح می‌دهند که هر سال معادل ده یا بیست سال به طول می‌انجامد و چون این روایات در حقیقت، مدتی بیشتر از ده سال را برای حکومت امام مهدی علیه السلام رقم می‌زنند، در دسته دوم قرار می‌گیرند.
- روایات دسته دوم عمدتاً از منابع شیعی گزارش شده‌اند (خلیل حبه، ۱۴۲۹: ۵۸۲؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۵).

در هر دو دسته از روایات، یا عددی معین را برای مدت حکومت امام مهدی علیه السلام ذکر کرده‌اند، یا بین چند عدد مردّد گذاشته‌اند.

روایات بیان کننده مدت زیر ده سال

الف) روایات عدد معین

۱. هفت سال

روایت اول

عن ابی السعید الخدری أنّ النّبی صلی الله علیه و آله قال: لا تقوم الساعة حتی یملك رجل من اهل بیتی اجلی اقنی یملاً الارض عدلاً كما ملئت قبله ظلماً یكون سبع سنین؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹ و ۴۸۰؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۱۷؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷؛ موصلی، بی تا: ج ۲، ۳۶۷، ح ۱۱۲۸ با اندکی تفاوت؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۲۳۸ با اندکی تفاوت)

ابی سعید خدری از پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من به حکومت برسد. [او] چهره‌ای گشاده و بینی کشیده دارد؛ زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان طور که از ظلم پر شده بود [و] هفت سال این‌گونه خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می‌گوید: «إسناده حسن» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۲۹۷-۳۰۱) و حدیث را معتبر می‌داند؛ اما در جای دیگر مقداری از متن آن را در زمره احادیث بی‌سند ذکر کرده (همو، ۱۴۲۰ ب: ۳۷۵) و از طریق شیعه نیز سندش

ضعیف است.^۱

اما از نظر دلالت، مرجع ضمیر در لفظ «یکون» - چه به ملک مستفاد از یملک برگردد و چه به رجل - به مدت حاکمیت امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. از همین راوی (ابی سعید خدری) چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمُهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنِّي أَجَلِي الْجَهْمِيَّةَ أَقْتَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۲۲؛ صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹؛ ابوداود، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰، ح ۴۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹، ح ۲ - ۶) ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: مهدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از من است؛ چهره‌ای گشاده و بینی کشیده دارد. [او] زمین را مملو از قسط و عدالت می کند، همان طور که از جور و ظلم پر شده بود [و] هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبد العظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می گوید: «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۶۶-۱۷۵) و این حدیث را معتبر می داند؛ اما سند این روایت از طریق شیعه ضعیف است.^۲

اما از جهت دلالت واضح است و در حکومت هفت ساله آن حضرت صراحت دارد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يخرج رجل من امتی يعمل بسنتی ينزل الله البركة من السماء وتخرج له الارض برکتها يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً يعمل سبع سنين على هذه الامة وينزل بيت المقدس؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۶۳، ۵۸۴؛

۱. این روایت در کتاب *دلائل الامامة* در دوجا و با دو سند مختلف نقل شده است:

سند اول: و اخبرني ابوالحسين محمد بن هارون بن موسى قال: حدثنا ابي (توثيق نشده) قال: حدثنا ابو علي الحسين بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثنا ابن ابي حية قال: حدثنا اسحاق بن ابي اسرائيل قال: حدثنا جرير عن مطر الوراق (مطر بن طهان الوراق ابو رجاء خراساني السلمي - توثيق نشده) قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابی سعید الخدری. (سند ضعیف است - طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۹)

سند دوم: و اخبرني ابو عبد الله احمد بن محمد بن عبد الله بن خالد الكاتب (توثيق نشده) قال: اخبرنا ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد الخلال (توثيق نشده) قال: حدثني محمد بن اسكاب والحسن بن منصور بن الجصاص (هرچند در این جا سند دوتا می شود، ولی چون راوی از هر دو مجهول است، باز تفاوتی در ضعف سند نمی کند) قال: حدثنا ابو النصر قال: حدثنا شبان عن مطر الوراق عن ابی الصديق عن ابی سعید. (همو: ۴۸۰)

۲. سند *دلائل الامامة*: و اخبرني ابوالحسن محمد بن هارون بن موسى عن ابيه (توثيق نشده) قال: حدثنا ابو علي حسين بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثنا جرير عن مطر الوراق قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابی سعید الخدری ان النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: ... [با کمی تفاوت در متن]. (طبری، ۱۴۱۳: ۴۹۶)

طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۵)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از امت من خروج می‌کند، به سنت من عمل خواهد کرد، خداوند برکت را از آسمان نازل می‌کند و زمین برای او برکاتش را بیرون می‌ریزد؛ زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان طور که از جور پر شده بود؛ [او] هفت سال بر این امت حکومت می‌کند و در بیت المقدس فرود خواهد آمد.

عبد العظیم بستوی این روایت را با اندکی تفاوت در متن ذکر کرده و برای سند آن سه طریق نقل می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که سند روایت ضعیف است (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۵۶-۲۵۹). از نظر دلالت نیز اگر چه در این روایت به نام امام زمان ﷺ تصریح نشده، اما بی‌گمان، مقصود از تعبیر «رجل» با توجه به ویژگی‌های بیان شده و با کمک روایات دیگر، امام زمان ﷺ است و تعبیر به «یعمل» نیز در این روایت به نوعی اشاره به حکومت دارد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يقوم في آخر الزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه اجلى الجبين اقنى الانف يملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و يملك كذا و كذا سبع سنين؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۳۸، ح ۵۵۳)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از عترت من در آخر الزمان خروج می‌کند؛ جوان، خوش صورت دارای پیشانی گشاده و بینی کشیده است؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود و این گونه - اشاره با دست - هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبد العظیم بستوی این روایت را با کمی تفاوت در متن حدیث نقل کرده و درباره سند می‌گوید: «ضعیف جداً» (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۷۶-۲۷۷). و اما از نظر دلالت، لفظ «کذا» در این روایت دو معنا می‌تواند داشته باشد؛ یکی این که حکومت حضرت با برقراری قسط و عدل، هفت سال به طول می‌انجامد؛ دوم این که لفظ «کذا» اشاره با دست باشد و حضرت عدد را نیز با تأکید نشان داده، همان طور که در روایت بعد بیان خواهد شد.

روی بسنده عن أبی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ... المهدی منّا أهل البيت أشم الأنف أقتنى أجلى الجبين المسبحة والإبهام وعقد ثلاثة؛ (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۵۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۳، ح ۴۶۶ به نقل از کتاب الفتن ذکرها)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مهدی از ما اهل بیت، است؛ بینی باریک و کشیده و پیشانی گشاده دارد؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می‌کند،

همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود، و این مقدار - انگشتان دست چپ و دو انگشت از دست راست (شصت و اشاره) را باز کردند - هفت سال زندگی خواهد کرد.

بستوی این روایت را در زمره احادیث صحیحہ ذکر می‌کند (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۶۶)، اما در منابع شیعه سند ندارد.

و اما از نظر دلالت در این روایت عددی را بیان نفرموده، بلکه پیامبر ﷺ به صورت اشاره با دست، هفت انگشت مبارک را نشان می‌دهد که ظاهراً منظور هفت سال است. هرچند در این روایت، تعبیر «حکومت» نیامده است، اما مدت زندگی امام مهدی ﷺ را بیان می‌فرماید که مدت حکومت ایشان را نیز دربر می‌گیرد.

در بخش جمع‌بندی تحلیل‌ها بیان خواهیم کرد که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می‌تواند مؤید قول کسانی باشد که می‌گویند شاید عدد زیر ده اشاره به دوره‌های حکومت ایشان باشد نه مدت آن.

روایت دوم

اباهریره یقول: حدّثنی خلیلی ابوالقاسم رضی الله عنه: لا تقوم الساعة حتی یرجع الیهم رجل من اهل بیته فیضربهم حتی یرجعوا الی الحق. قال: قلت: و کم یکون؟ قال: خمس و اثنین [کذا]. قال: قلت: ما خمس و اثنین؟ قال ابا هریره: لا ادری؛ (موصلی، بی‌تا: ج ۱۲، ۱۹، ح ۶۶۶۵؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵)

اباهریره می‌گوید: خلیل من ابوالقاسم (پیامبر ﷺ) به من فرمود: قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من برایشان خارج شود؛ پس آن‌ها را بزند تا این که به حق برگردند. می‌گوید: به ایشان عرض کردم: چه مدت زمانی این‌گونه است؟ [با اشاره با دست] فرمود: پنج و دو. راوی می‌گوید: به ابوهریره گفتم: پنج و دو یعنی چه؟ او گفت: نمی‌دانم.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای روایت فوق درست می‌کند درباره سند آن می‌گوید: «إسناده ضعیف» (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۲۳۷-۲۳۹)؛ اما از نظر دلالت در این روایت به عدد هفت تصریح نشده، ولی فرموده است: «پنج و دو» و لفظ «کذا» در روایت، تأکید بر اعداد پنج و دو است و احتمال دارد برای بیان اشاره پیامبر ﷺ به کار رفته باشد.

در بخش جمع‌بندی تحلیل‌ها باز خواهیم گفت که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می‌تواند مؤید قول کسانی باشد که می‌گویند: شاید عدد زیر ده سال اشاره به دوره‌های حکومت آن حضرت باشد نه مدت آن، خصوصاً با این قرینه که راوی این خبر نیز از اشاره

حضرت، سال را نفهمیده است.

روایت سوم

وعن أم سلمة زوج رسول الله ﷺ قالت: قال: ... فيقسم المال ويعمل بسنتي - أوقال: - بسنة نبيهم، ويلقى الإسلام بجرانه إلى الأرض فيلث سبع سنين؛ (ابن بطريق، ۱۴۰۷: ۴۳۳ - ۴۳۴؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۶، ۳۱۶؛ ابوداود، ۱۴۱۰؛ ج ۲، ۳۱۰-۳۱۱؛ موصلی، بی تا: ۱۲، ۳۷۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۱۵۹)

از ام سلمه همسر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: ... پس هفت سال خواهد ماند....

عبدالعظیم بستوی پس از این که روایت را به طرق متعدد ذکر می کند، نتیجه می گیرد که سندها همه ضعیفند (بستوی، ۱۴۲۰: ب-۳۲۴-۳۳۴).

دلالت روایت: اگرچه در این روایت نیز به نام امام مهدی ﷺ تصریح نشده، اما با مقایسه آن با سایر روایات می فهمیم که درباره آن حضرت است. همچنین در این روایت نیز مدت حیات حضرت بر روی زمین را بعد از تشکیل حکومت، هفت سال می داند و این اعم از مدت حکومت است، ولی ثابت می کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

از جناب ام سلمه روایت دیگری درباره حکومت هفت ساله نقل شده است:

عن ليث عن أبي جعفر محمد بن علي بن حسين عن أم سلمة قالت: قال رسول الله ﷺ: ... فيعود عائذ بالحرم فيجتمع الناس إليه كالطائر الواردة المتفرقة حتى تجمع إليه ثلاثمائة وأربع عشر فيهم نسوة فيظهر على كل جبار و ابن جبار و يظهر من العدل ما يتمنى له الاحياء أمواتهم فيحيا سبع سنين فإن زاد ساعة فأربع عشرة ثم ما تحت الأرض خير مما فوقها؛ (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۳۴)

ام سلمه از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می کند که فرمود: ... سپس پناهنده ای به حرم پناه می آورد و مردم مانند پرندگانی که از اطراف در یک جا جمع شوند، گرد او جمع خواهند شد تا جایی که سیصد و چهارده نفر دور او را می گیرند و در بین آنها زنان نیز هستند و بر هر زورگو و فرزند زورگویی غالب می شود و عدالتی محقق می سازد که زندگان آرزو می کنند کاش گذشتگان بودند و می دیدند. و [او] هفت سال زندگی می کند؛ پس اگر از هفت سال بیشتر شود، بیش از چهارده ساعت نخواهد شد و پس از آن، آن چه زیر زمین است از آن چه روی زمین است بهتر خواهد بود.

هیثمی پس از نقل این روایت از طبرانی می گوید: رجال روایت همه صحیح هستند، غیر از لیث بن ابی سلیم که اهل تدلیس بوده وضعیف است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵).

بستوی روایت را در شمار روایات ضعیف نقل می‌کند و می‌گوید: تمام رجال حدیث، غیر از لیث بن ابی سلیم، ثقه هستند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۳۲۱-۳۲۳).

در رجال شیعه نیز بیان شده که لیث بن ابی سلیم از راویان اهل سنت است که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت نقل می‌کند و او را مجهول دانسته‌اند (حلی، ۱۳۹۲: ۴۹۶؛ حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۴).

در این روایت اگرچه به نام امام مهدی علیه السلام تصریح نشده و به عنوان پناهنده‌ای که به حرم پناه آورده مطرح می‌شود، اما با توجه به سایر مطالب مطرح شده در روایت، وی شخصی غیر از امام زمان علیه السلام نخواهد بود.

همچنین این روایت مدت حیات حضرت را هفت سال می‌داند و این اعم از مدت حکومت است، ولی ثابت می‌کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

۲. نه سال

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُصِيبُ النَّاسَ بَلَاءٌ شَدِيدٌ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَةِ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يُجِبُّهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، وَتُرْسِلُ السَّمَاءُ فَظَرَهَا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا لَا تُمْسِكُ مِنْهُ شَيْئًا، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ تِسْعَ سِنِينَ؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۴۸-۱۰۴۹)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به مردم بلائی سختی می‌رسد تا آن جا که شخص، راه فرار و پناهگاهی پیدا نکند بعد از آن خداوند مردی را از نسل اهل بیت من می‌فرستد و او زمین را مملو از عدل و قسط می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود. اهل آسمان و زمین ایشان را دوست دارند؛ آسمان بارانش را می‌فرستد و زمین گیاهانش را خارج می‌کند و چیزی از آن نگه نمی‌دارد. [او] در این حالت نه سال زندگی می‌کند.

این روایت در منابع شیعه وجود ندارد و تنها در منابع اهل سنت آمده است. بستوی نیز درباره سند آن حکم به ضعف می‌دهد (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۲۵۴ - ۲۵۵).

دلالت روایت: لفظ «رجل» در روایت مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا به قرینه سایر روایات، معلوم می‌شود که مراد امام مهدی علیه السلام است؛ ولی لفظ «يعيش في ذلك» اگر از آن این گونه برداشت شود که زندگی امام در حال گسترش عدل و نزول برکات و... نه سال ادامه دارد، شاید نتوان از آن، مدت حیات و حکومت امام زمان علیه السلام را دریافت.

از ابوسعید خدری این عدد به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده است:

ومن ذلك ما رواه أيضاً في الجمع بين الصحاح الستة عن أبي سعيد الخدری قال: قال رسول الله ﷺ المهدي منى أجلي الجبهة ألقى الأثف يملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً ويملك سبع سنين، وفي رواية عن هشام: تسع سنين، وفي رواية الفراء في كتاب المصابيح مثل الحديث بهذه الألفاظ إلا أنه قال: يملك تسع؛ (ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۷، ح ۲۸۷؛ ابن بطريق، ۱۴۰۷: ۴۳۳، ح ۹۱۰ عن الجمع بين الصحاح) واز همین قبیل است آن چه از الجمع بین الصحاح الستة از ابی سعید خدری روایت کرده که پیامبرگرمی اسلام ﷺ فرمود: ... و در روایتی از هشام، نه سال ذکر شده و در روایت فراء از کتاب المصابیح، همین روایت به همین مضمون است، الا این که می گوید: نه سال حکومت می کند.

۳. زیرده سال

عن علي بن ابي طالب قال: ليخرجن رجل من ولدی عند اقتراب الساعة ... فيحی الله بالمهدی محمد بن عبد الله السنن التي قد أميتت، ويسر بعدله وبركته قلوب المؤمنين وتتألف إليه عصب من العجم وقبائل من العرب، فيبقى على ذلك سنين، ليس بالكثيرة دون العشرة ثم يموت؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۵۹۱-۵۹۲ به نقل از الملاحم ابن منادی) از امام علی بن ابی طالب نقل شده است که حتماً مردی از فرزندان من نزدیک قیامت خروج خواهد کرد ... پس خداوند به وسیله مهدی - محمد بن عبدالله - سنت های مرده را زنده خواهد کرد و به سبب عدل او و برکت وجود او قلب های مؤمنان شاد خواهد شد و گردهمایی عجم به سوی او تشکیل خواهد شد و قبایلی از عرب نیز حمایت می کنند و بر همین حالت چند سالی که بیش از ده سال نخواهد شد باقی می ماند و سپس می میرد.

متقی هندی سند روایت را ذکر نکرده است. بستوی نیز این روایت را در زمره روایات بی سند می آورد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۸۰).
از دیدگاه شیعه نیز این روایت پذیرفتنی نیست؛ زیرا علاوه بر جهت سندی، نام پدر حضرت مهدی را عبدالله می داند و این با روایات و عقاید شیعه سازگاری ندارد.

۴. ده سال

حذيفة بن يمان عن النبي ﷺ ... يرضى بخلافته اهل السموات والارض والطير في الجو يملك عشر سنين؛ (عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۴۱، عن نسخة من الفصول المهمة؛ مالکی مکی، ۱۴۲۲:

ج ۲، ۱۱۰۸-۱۱۰۹، باورقی ۱، نسخه الف عن فردوس الاخبار یاسناده عن حذیفه بن الیمان؛ ماحوذی، ۱۴۱۷: ۲۰۸ عن فردوس الاخبار)

حذیفه بن الیمان از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که ... اهل آسمان و زمین از خلافت او (امام مهدی ﷺ) راضی می‌شوند و پرندگان در هوا هم، ده سال حکومت می‌کند.

منابع روایی، این روایت را بدون سند و با استناد به کتاب فردوس الاخبار نقل کرده‌اند و به دلیل در دسترس نبودن نسخه کتاب یادشده، مشخص نیست که نویسنده سند آن را ذکر کرده یا آن را بدون سند نقل نموده است؛ بر این اساس اظهار نظر درباره اعتبار این روایت ممکن نیست.

ب) روایات تردید

۱. پنج یا هفت

عن ابی سعید الخدری ... عن النبی ﷺ قال: يخرج المهدي في امتي خمسا أو سبعا - شك ابوالجوارى (زید) - قلنا: ای شی؟ قال: سنین؛ (سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷، به نقل از احمد و ترمذی و ابن ماجه)

از ابی سعید خدری از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمود: مهدی در امت من خروج می‌کند پنج یا هفت (این شک از جانب زید ابوالجوارى است). گفتیم: چه چیزی؟ گفت: سال.

سیوطی این متن را از این سه نفر نقل می‌کند، در حالی که در سنن احمد و ترمذی لفظ «خمسا أو سبعا أو تسعا» (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳، باب ۴۴، ح ۲۳۳۳؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱) و در سنن ابن ماجه لفظ «ان قصر فسبع و الا فتسع» آمده است (قرزوبنی، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۷).

این روایت نه در منابع اهل سنت و نه در منابع شیعه سند ندارد و به نظر می‌رسد همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید زید ابوالجوارى باعث این مشکل شده است.

۲. پنج یا هفت یا نه

عن ابی سعید الخدری قال: حَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا [فِينَا] حَدَثٌ فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ ﷺ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا - زَيْدُ الشَّائِكِ - . قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَلِكَ؟ قَالَ: سِنِينَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۸، ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳، باب ۴۴، ح ۲۳۳۳؛ ارلی، بی تا: ج ۲، ۴۷۸ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۴ با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱ با اندکی تفاوت)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: ما ترسیدیم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله [درباره ما] اتفاقی بیفتد. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله [در این باره] سؤال کردیم، فرمود: همانا در امت من مهدی است. [او] خروج می کند و پنج یا هفت یا نه زندگی می کند (تردید از جانب زید [راوی زید ابا الجواری] است) می گوید: گفتیم: و آن چیست؟ فرمود: سال.

بنابر نقل عبدالعظیم بستوی این روایت از دو طریق نقل شده است و هر دو اسناد ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ۶۸-۷۰). دلالت روایت نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد و مراد از زید، زید ابوالجواری (اباالجواری) است. به نظر می رسد این روایت نیز همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید از جانب زید ابوالجواری است.

۳. شش یا هفت

ام سلمه قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ... فیخرج رجل من بنی هاشم ... یعیش فی ذلك سبع سنین او ست سنین؛ (طبرانی، ۱۴۰۵: ۲۳، ۳۹۰)
ام سلمه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس مردی از بنی هاشم خروج می کند ... در این حالت هفت یا شش سال زندگی می کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد.

درباره این روایت گفتنی است مراد از «رجل من بنی هاشم» به قرینه روایات دیگر، امام مهدی علیه السلام است.

۴. شش یا هفت یا نه

ابی سعید عن النبی صلی الله علیه و آله: ... و یملك ستاً أو سبعاً أو تسعاً؛ (عسکری، ۱۳۹۷: ج ۱، ۳۳۰، ح ۱۸ به نقل از مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: باب ۱، ح ۳)
ابی سعید از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که ... و شش یا هفت یا نه سال حکومت می کند.

این روایت در منبع اصلی (عقد الدرر) به این صورت آمده: «یملك سبعاً أو تسعاً» و لفظ «ستاً» ندارد (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۱۶). بنابر این در جای مربوط به خود^۱ بررسی خواهد شد.

۱. رقم ۶، روایت ۱.

۵. هفت یا هشت

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: أبشركم بالمهدى ﷺ... فيكون كذلك سبع سنين أو ثمان سنين، ثم لا خير في العيش بعده، أو قال: ثم لا خير في الحياة بعده؛ (اربلي، بی تا؛ ج ۲، ۴۸۳)

ابی سعید خدری می گوید: پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: به شما بشارت می دهم درباره مهدی ﷺ... پس همین طور تا هفت یا نه سال باقی خواهد بود [و] پس از آن خیری در زندگی نیست.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از همین راوی (ابی سعید خدری) دو روایت دیگر با همین مضمون، البته با تعابیر متفاوت نقل شده است:

أبي سعيد الخدري -رضي الله عنه- ان رسول الله ﷺ قال: يخرج في آخر امتي المهدي ... يعيش سبعا أو ثمانياً يعني حججاً؛ (حاکم نیشابوری، بی تا؛ ج ۴، ۵۵۸)

ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی در آخر امت من خروج خواهد کرد... هفت یا هشت زندگی می کند، یعنی هفت یا هشت حج [که منظور سال است].

این روایت نیز از منابع اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز بررسی خواهد شد.

عن ابي الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدري قال: ذكر رسول الله ﷺ بلاء يصيب هذه الامة ... فيبعث الله رجلاً من عترتي ... يعيش في ذلك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (عسکری، ۱۳۹۷؛ ج ۱، ۳۳۵، ح ۲۶ از کتاب البيان والطبرانی فی معجمه و ابونعیم فی مناقب المهدي ﷺ)

ابوصدیق ناجی از ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که حضرت درباره بلایی که به این امت می رسد سخن فرمود: ... سپس خداوند مردی را از عترت من برمی انگیزد ... در این حال هفت یا هشت سال زندگی می کند.

این روایت هم از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

۶. هفت یا نه**روایت یکم**

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: ... ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ

تسعاً؛ (ابن خنبل، بی تا؛ ج ۳، ۲۸؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۱۶)

پیامبر ﷺ فرمود... و در آن هنگام مردی از خاندان من به پا می‌خیزد [و] هفت یا نه سال حکومت می‌کند.

اگرچه عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث می‌گوید: «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۳۰۲-۳۰۵)، ولی در جایی دیگر، روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می‌کند (همو، ۱۴۲۰ ب: ۳۷۵). دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می‌شود.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیری متفاوت - نقل شده است:

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ان من اهل بیته... یعیش هکذا اومی بیده سبع أو تسع؛ (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۰؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۱۰-۱۱۱)
از ابی سعید از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «همانا از اهل بیت من ... به این مقدار زندگی می‌کند» و با دست به عدد هفت یا نه اشاره کرد.

بنا بر منابع اهل سنت و همچنین مطابق منابع شیعه، این روایت سند ندارد. دلالت آن نیز در پایان این بخش بررسی خواهد شد.

نکته مهم در این روایت، این است که با اشاره - و نه به صورت لفظ - عددی را بیان فرموده و شاید بتوان آن را اشاره به دوره‌های حکومتی حضرت دانست که در بخش تحلیل‌ها قابل استفاده است.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ ﷺ إِنْ قَصُرَ سَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ؛ (قرزویی، بی تا؛ ج ۲ ص ۱۲۶۷) و (حاکم نیشابوری، بی تا؛ ج ۴ ص ۵۵۸)
ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من خواهد بود؛ چون ظهور کند اگر کوتاه باشد هفت و الا نه سال حکومت می‌کند.

این روایت به شش طریق از اهل سنت روایت شده و مطابق تخریج عبدالعظیم بستوی اسنادش ضعیف است، هرچند آن را شدید الضعف نمی‌دانند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۶۲-۶۷). دلالت این حدیث هم در پایان همین بخش بررسی می‌شود.

عن ابی سعید الخدری عن النبی ﷺ قال: هو رجل من عترتی أو قال من امتی یعیش سبعاً أو تسعاً؛ (مرزوی، ۱۴۱۴: ۲۳۳؛ الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۲۳، ح ۵۴۹؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۵، باب

۱۷۸، ح ۲۲۲ عن نعیم بن حماد)

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ هفت یا نه سال زندگی می کند.

عبدالعظیم بستوی، پس از ذکر سه طریق برای روایت، آن را ضعیف می شمرد (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۷۸).

در الملاحم سید بن طاووس نیز افزون بر وجود افراد مجهول در سند، لفظ «عن رجل من اهل حجر» آمده که هم مبهم و هم مجهول است و سند را از اعتبار ساقط می کند.^۱ دلالت این روایت نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت دوم

عن قتادة يرفعه الى النبي ﷺ... فيستخرج الكنوز ويقسم المال ويلقى الإسلام بجزانه إلى الأرض يعيش في ذلك سبع سنين أو قال تسع سنين؛ (هيثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۵: صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹: طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵)

قتاده مرفوعاً از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می کند که: ... پس گنج ها را استخراج می کند و مال را تقسیم می نماید و اسلام در سراسر کره زمین گسترش می یابد (تعبیر کنایی). در این حالت هفت سال - یا فرمود نه سال - زندگی می کند

این روایت در منابع اهل سنت، سند ندارد و مرفوعه است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لطول الله تلك الليلة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً ويقسم المال بالسوية ويجعل الله الغنى في قلوب هذه الأمة فيملك سبعا أو تسعاً لا خير في عيش الحياة بعد المهدي؛ (اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۷)

از عبدالله بن مسعود از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: اگر تنها یک شب از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن شب را طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد که اسم او هم نام من و اسم پدر او هم نام پدر من است. دنیا را مملو از قسط و عدل می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود و مال را به صورت مساوی تقسیم می کند و خداوند روحیه بی نیازی را در قلب این امت قرار می دهد. پس هفت یا نه سال

۱. بررسی سند: حدثنا نعیم، حدثنا المعمر بن سلیمان (مجهول) عن القاسم بن الفضل المرغی (مجهول) عن رجل من أهل حجر (مجهول - مبهم).

حکومت می‌کند و بعد از مهدی علیه السلام خیری در زندگی نیست.

ازبلی این روایت را از ابی نعیم نقل کرده و سند روایت را ذکر نمی‌کند. بستوی نیز روایت را در شمار روایات ضعیف و بی‌سند به شمار آورده است (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۳۷۳).

۷. هفت یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یملك المهدي علیه السلام أمر الناس سبعاً أو عشراً وأسعد الناس به اهل الكوفة؛ (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۳۰۰: بحرانی، بی‌تا: ج ۷، ۱۱۷) ابوسعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: مهدی علیه السلام حکومت مردم را به مدت هفت یا ده [سال] به دست می‌گیرد و با سعادت‌ترین مردم در آن زمان اهل کوفه‌اند.

سند روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد؛ دلالت آن نیز در پایان بخش بررسی خواهد شد.

۸. هفت یا هشت یا نه

روایت یکم

عن أبی سعید الخدری عن النبی صلی الله علیه و آله قال: المهدي علیه السلام یعیش فی ذلك یعنی بعد ما یملك سبع سنین أو ثمان أو تسع؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۳) ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: مهدی علیه السلام بعد از ظهور و سلطنت، هفت یا هشت یا نه سال زنده می‌ماند.

این روایت با این متن نه در منابع اهل سنت سند دارد و نه در منابع شیعه؛ اما عبدالعظیم بستوی آن را با مقدار کمی تفاوت از مصنف عبدالرزاق (صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۷۲) و الفتن نعیم بن حماد نقل کرده و پس از ذکرشش طریق برای آن، آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۲۵۱-۲۵۵). دلالت آن هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر با همین مضمون - البته با تعابیری متفاوت - نقل شده است:

سمعت ابا سعید الخدری قال: قال النبی صلی الله علیه و آله: یكون من امتی المهدي علیه السلام فإن طال عمره أو قصر عمره عاش سبع سنین أو ثمان سنین أو تسع سنین ...؛ (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۳، ۲۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۴، ج ۴۶۸ عن زکریا فی کتاب الفتن؛ کوفی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۶۷۸، ح ۱۸۴ با اندکی تفاوت؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۷ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۴، ح ۳۷۷۰۶؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۴۸۵ با اندکی تفاوت؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۷۷، ح ۷۲/۴۶۸)

ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ از امت من است. اگر عمر وی بلند یا کوتاه باشد، هفت یا هشت یا نه سال زندگی می‌کند.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث، نتیجه می‌گیرد که «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، ۱۴۲۰ الف: ۱۷۶-۱۷۹) و آن را می‌پذیرد، اما در منابع شیعه سند درستی ندارد.^۱

این حدیث از جهت دلالت، نکاتی دارد که برای فهم این دسته از روایات کارگشاست و در پایان بخش، بررسی خواهد شد.

عن ابی سعید الخدری أنّ رسول الله ﷺ ذکر المهدی ﷺ فقال: فیمکث سبعاً أو ثمانی أو تسعاً یعنی سنة و لاخیر فی العیش بعد هذا؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۷۲، ح ۴۶۳ / ۶۷: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۳، ح ۴۶۵ با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷ با اندکی تفاوت؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۴؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۶، ح ۳۸۶۶۹ با اندکی تفاوت) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبرگرامی اسلام درباره مهدی ﷺ فرمود: پس هفت یا هشت یا نه سال می‌ماند و پس از آن خیری در زندگی نیست.

این روایت از جهت سند ضعیف بوده و از مجاهیل نقل شده است و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: یكون المهدی ﷺ فی امتی إن قصر فسیع، و إلا فثمان أو تسع؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۶) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبرگرامی اسلام ﷺ درباره مهدی ﷺ فرمود:

۱. سند *دلائل الامامة*: و عنه (محمد بن هارون) عن ابيه (هارون بن موسى) (مجهول - توثیق نشده) عن ابی علی حسن بن محمد النہاوندی (توثیق نشده) قال: حدثنی احمد بن زهیر (مجهول) قال: حدثنا عبد الله بن عمر قال: حدثنا محمد بن مروان قال: حدثنا عمارة بن ابی حبة قال: اخبرنا زید العمی عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید الخدری.

سند *الملاحم و الفتن* سید بن طاووس: حدثنا محمد بن جریر قال: حدثنا ابن حمید (مجهول) قال: اخبرنا الحكم (مشترک - مجهول) قال: اخبرنا خلاد بن مسلم الصفاء (توثیق نشده) و عمرو بن قیس (مجهول) عن زید العمی عن ابی الصدیق الناجی.

۲. سند *دلائل الامامة*: و قال ابو علی النہاوندی (مجهول) حدثنا ابوعلی هشام بن علی السیرافی (مجهول) قال: حدثنا عبد الله رجاء (مجهول) قال: حدثنا همام (مجهول) عن المعلی بن زیاد (مجهول) قال: حدثنی العلاء رجل من مزنیه (مجهول) عن ابی سعید الناجی عن ابن سعید الخدری.

سند سید بن طاووس: ذکر فی کتاب *الفتن* قال: حدثنا محمد بن یحیی (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاه من کتابه قال: حدثنا جعفر بن سلیمان (مجهول) قال: حدثنا المعلی بن زیاد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشیر المزنی (مجهول) عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید خدری.

مهدی علیه السلام در امت من است. اگر [مدت حکومت او] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت یا نه سال خواهد بود.

این روایت طبق منابع اهل سنت و همچنین بنا بر منابع شیعه سند ندارد و عبدالعظیم بستوی نیز روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می کند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۳۷۵).

عن ابی سعید عن رسول الله ﷺ: ... حتی تتمنى الاحياء الاموات يعيش فى ذلك سبع سنين أو ثمان أو تسع سنين؛ (صنعانی، بی تا: ج ۱۱، ۳۷۲، ح ۲۰۷۷۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ۲۵۳، ح ۱۰۵؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۴۶۵ با اندکی تفاوت؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ۵۸ با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۵، ح ۳۸۷۰۸ با اندکی تفاوت)
ابوسعید از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: ... تا این که زندگان آرزوی زنده بودن مردگان را می کنند [تا باشند و این تنعم را ببینند]. در این حالت هفت یا هشت یا نه سال زندگی می کند.

این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: أشرکم بالمهدی ﷺ ... قال: فیکون ذلك سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين ثم لا خیر فی العیش بعده. أو قال: لا خیر فی الحیاة بعده؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۲ - ۳۲۳؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۳ - ۳۱۴)
ابوسعید از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: بشارت می دهم به شما درباره مهدی ... این حالت حکومت هفت یا هشت یا نه سال ادامه پیدا می کند و سپس خیری در زندگی پس از آن نخواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از آن که درباره سند این روایت سه طریق نقل می کند، اسناد حدیث را ضعیف می داند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۷۱-۷۳). سند روایت از متون شیعه نیز ضعیف است.^۱

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ینکون فی امتی المهدی ﷺ ینکون سبع

۱. سند سید بن طاووس: ذکر فی کتاب الفتن قال: حدثنا محمد بن یحیی (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاه من کتابه قال: حدثنا جعفر بن سلیمان (مجهول) قال: حدثنا المعلى بن زیاد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشیر المزنی (مجهول) عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید خدری.

سنین أو ثمان سنين أو تسعاً؛ (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۷۴-۷۵ به نقل از العلل المتناهیة ابن جوزی)
ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که در امت من مهدی ﷺ است هفت یا هشت
یا نه سال خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از نقل روایت می‌گوید: إسناد حدیث به طور جدی ضعیف است.

روایت دوم

و عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: يكون في أمتي المهدي إن قصر فسبع وإلا فثمان
وإلا فتسع؛ (رواه الطبرانی فی الأوسط ورجاله ثقات؛ الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۳۶-۱۰۳۵، ح ۵۵۰؛ هیثمی،
۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۷، طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۱۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۴)
ابوهریره از نبی اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من است اگر [مدت
حکومت وی] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] است ...

اگرچه در مجمع الزوائد رجال حدیث مورد اعتماد به شمار آمده، ولی عبدالعظیم بستوی پس
از گفت‌وگو درباره رجال این حدیث إسناد آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۴۰-۴۴).
از ابی هریره روایت دیگری نیز با همین مضمون - البته با قدری تفاوت - نقل شده است:

و عن أبي هريرة قال: ذكر لي رسول الله ﷺ المهدي، فقال: إن قصر فسبع وإلا فثمان
وإلا فتسع وليملأن الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً؛ (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۱۶)
از ابوهریره نقل شده که نام مهدی ﷺ نزد پیامبر ﷺ برده شد. حضرت فرمود: اگر [مدت
حکومت وی] کوتاه باشد هفت [سال]، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] خواهد بود و حتماً
زمین را مملو از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.

عبدالعظیم بستوی همین روایت را با همین سند و منبع و همین متن نقل می‌کند و تردید
را بین هفت و هشت بیان می‌دارد؛ اما در مدرک اصلی، تردید بین اعداد هفت، هشت و نه
است و درباره سند روایت می‌گوید: «إسناد ضعیف» (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۴۵).

۹. هفت یا هشت یا ده

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: يكون في امتي المهدي ﷺ إن طال عمره
ملك عشر سنين وإن قصر عمره ملك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۴،
ح ۴۶۷، عن زکریا فی کتاب الفتن)
ابوسعید خدری از رسول بزرگوار ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ در میان امت من
خواهد بود. اگر عمرش طولانی شود ده سال حکومت می‌کند و اگر کوتاه باشد هفت یا
هشت سال سلطنت خواهد کرد.

سند این روایت خوب نیست و از مجاهیل نقل کرده^۱ و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

۱۰. نه یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يملك المهدي تسعاً أو عشرة أسعد الناس به اهل الكوفة؛ (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۰۵، ح ۱۹۷ عن کتاب فضل الکوفه)
ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ به مدت نه یا ده [سال] حکومت می‌کند. سعادتمندترین مردم در آن زمان اهل کوفه‌اند.
منابع اهل سنت و شیعه این روایت را بدون سند نقل کرده‌اند.

بررسی دلالت روایات تردید

تردید در این روایات یا از جانب ناقلان حدیث است که به صورت دقیق کلام معصوم علیه السلام را نشنیده یا عدد دقیق را فراموش کرده‌اند، یا خود معصوم علیه السلام به طور دقیق عددی را بیان نمی‌کند و آن را مردد بین چند گزینه قرار می‌دهد.
تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم علیه السلام برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است. برای مثال، هنگامی که می‌فرماید پنج یا هفت یا نه سال حکومت می‌کند، یعنی مدت حکومت امام زمان علیه السلام کمتر از پنج سال و بیشتر از نه سال نیست. با توجه به وجود قرائن، می‌توان گزینه یکم و تردید راوی را تقویت کرد. به عنوان نمونه، در روایت مربوط به تردید بین پنج یا هفت، یا روایت تردید بین نه و پنج و هفت تصریح کرده که تردید از سوی راوی (زید ابا الحواری) است. همچنین نقل‌های متفاوت از یک راوی مانند ابی سعید خدری و ابی هریره بیان‌گر این نکته است که یا راویان طبقات بعد، در نقل یک روایت از ابی سعید و ابی هریره دچار تزلزل و تعابیر گوناگون شده‌اند، یا خود وی عدد دقیق را که از معصوم شنیده فراموش کرده و محدوده حدس خود را بیان می‌کند.
البته این فرض که تردید از جانب معصوم باشد نیز با این توجیه که معصوم به سبب مصالحی عدد دقیق را بیان نفرموده باشد، بعید نیست.

با بررسی روایات، دانستیم که روایات عدد زیرده سال بیشتر در منابع اهل سنت و معمولاً از

۱. سند سید بن طاووس: و ذکر زکریا أيضاً قال: حدثنا سفیان ابن وکیع (مجهول) قال: حدثنا ابو معاوية (مجهول) عن موسی الجهنی (مجهول) عن زید العمی عن ابی الصدیق عن ابی سعید الخدری

سوی ابوسعید خدری نقل شده است. بر این اساس، قول به عدد زیزده سال و به طور خاص، نظریه حکومت هفت ساله، بین اهل سنت مشهور شده است (هیتمی، ۱۴۲۸: ۳۵-۳۶ عن بعض الائمة).

۵. روایات بیان کننده مدت بالای ده سال

۱. نوزده سال

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثَةَ عَشْرَ سَنَةٍ [و ثلاث عشرة سنة] وَ يَزِدَادُ تِسْعًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: [و] مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَقَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عليه السلام. قُلْتُ لَهُ: وَ كَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِّنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴، باب ۲۶، ح ۳، طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۸ - ۴۷۹، ج ۵۰۵ با مقداری تفاوت در متن)

از جابر جعفی نقل شده که گفت: از اباجعفر [امام باقر عليه السلام] شنیدم که فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت سیصد و نه سال [سیصد و سیزده سال] حکومت خواهد کرد. به ایشان عرض کردم: کی چنین خواهد شد؟ فرمود: بعد از وفات قائم عليه السلام. به ایشان عرض کردم: قائم عليه السلام تا روز وفاتش چه مقدار در دنیا باقی خواهد بود؟ فرمود: نوزده سال از روز قیامت تا روز وفاتش.

سند روایت خوب و مورد اعتماد^۱ و دلالت آن نیز صریح در مدت عمر آن حضرت است که

۱. سند الغیبه طوسی: الفضل بن شاذان، عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل - نجاشی ۱۴۱۶: ۱۴۰ و ۱۶۰)، عن عمرو بن أبی المقدام (ممدوح - حلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴؛ ثقة - واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۱۱)، عن جابر الجعفی (ثقة فی نفسه - همو: ۱۱۰؛ ممدوح - کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۵-۱۹۶).

اگر چه سند روایت از فضل بن شاذان تا امام عليه السلام خوب و مورد اعتماد است، ولی سند شیخ به فضل بن شاذان در کتاب الغیبه به چند گونه ذکر شده است:

الف) حسین بن عبیدالله عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادریس عن علی بن محمد بن قتیبة:

ب) جماعة عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادریس عن علی بن محمد بن قتیبة: ج) جماعة عن تلعبری عن احمد بن علی الرازی عن احمد بن ادریس عن علی بن محمد بن قتیبة.

در طریق اول و دوم، محمد بن حسین بن سفیان بزوفری وجود دارد که توثیق ندارد و در طریق دوم و سوم، «جماعة» مجهولند و در هر سه طریق نیز نام علی بن محمد بن قتیبة یا ابن قتیبی آمده که وثاقتش مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست (خویی، ۱۴۱۰: ۱۲، ج ۱۶۰). بنابراین سند شیخ طوسی برای این روایت از اعتبار کافی برخوردار نیست.

سند اصلی الغیبه نعمانی: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانة الاشعری و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسين بن عبد الملك الزيات و محمد بن

قطعاً مدت حکومت آن حضرت بیشتر از این مقدار نخواهد بود.

۲. نوزده سال و چند ماه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۳، باب ۲۶، ح ۱)

از حمزه بن حرمان از عبدالله بن ابی یعفر از ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] نقل شده که حضرت فرمود: قائم عليه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

دلالت روایت خوب است و ابهامی ندارد، اما سند آن ضعیف است و قابل اعتماد نیست.^۱

احمد بن الحسن القطوانی عن الحسن بن محبوب عن عمر بن ثابت عن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت: ...
سند این روایت به چهار سند قابل تحلیل و تفکیک است:

(الف) ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۸۳) اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة (ثقة، جلیل، زیدی، جارودی - نجاشی ۱۴۱۶: ۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹) و قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانة الأشعری (ثقة امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۴۰) عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل - نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۴۰ و ۱۶۰) عن عمر بن ثابت (عمر بن ابی المقدام) (ممدوح - حلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴؛ ثقة - واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۱۱) عن جابر بن یزید الجعفی (ثقة فی نفسه - همو: ۱۱۰؛ ممدوح - کشی، ۱۳۴۸: ۱۹۵-۱۹۶). (سند خوب است)

(ب) ابن ابی زینب اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة قال: حدثنا ... احمد بن الحسين بن عبد الملك (زيات) (ثقة - نجاشی ۱۴۱۶: ۸۰) عن الحسن بن محبوب ... (این سند نیز خوب است)

(ج) ... عن ابن عقدة قال: حدثنا ... و سعدان بن اسحاق بن سعید (توثیق نشده - مجهول) عن الحسن بن محبوب ...

(د) ... عن ابن عقدة قال: حدثنا ... و محمد بن احمد بن الحسن القطوانی (توثیق نشده - مجهول) ... (دو سند آخر ضعیف است)

۱. سند اصلی: اخبرنا [ابن ابی زینب] احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الكوفي قال: حدثني علي بن الحسن التيملي عن الحسن بن علي بن يوسف عن ابيه و محمد بن علي عن ابيه عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان عن عبد الله ابن ابی یعفر عن ابی عبد الله عليه السلام.
سند این روایت به دو سند قابل تحلیل و تبدیل است:

سند ۱. ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۹۲) قال: حدثني علي بن الحسن [بن علي بن فضال] التيملي (ثقة، فطحی - زیدی، جارودی - نجاشی، ۱۴۱۶: ۹۲) عن الحسن بن علي بن يوسف (بقاج) (كوفي ثقة، مشهور، صحيح الحديث - نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۵۷-۲۵۸) عن الحسن بن علي ابن يوسف (بقاج) (كوفي ثقة، مشهور، صحيح الحديث - نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۰) عن ابيه (توثیق نشده) عن احمد بن عمر [بن شعبة] الحلبي (ثقة - نجاشی، ۱۴۱۶: ۹۸) عن حمزة بن حرمان [بن أعين الشيباني] (توثیق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفر.

سند ۲. [اخبرنا] ابن ابی زینب عن احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الكوفي قال: حدثني علي بن الحسن التيملي عن محمد بن علي (توثیق نشده) عن ابيه (توثیق نشده) عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان (توثیق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفر.
بنا بر این هر دو سند روایت ضعیف است.

از ابن ابی یعفور چند روایت دیگر نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَلِكُ الْقَائِمِ مِثْلُ تِسْعِ عَشْرَةِ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴، باب ۲۶، ح ۲)
عبدالله بن ابی یعفور می گوید: ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] می فرماید: حکومت قائم ما نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

سند این روایت نیز ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست،^۱ اما دلالت آن صریح و خوب است.
ابن ابی یعفور عن ابی عبدالله عليه السلام قال: إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۵۴-۳۵۵، باب ۲۶، ح ۴)
از حمزه بن حمران از ابن ابی یعفور از ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] نقل شده که فرمود:
همانا قائم عليه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

سند این روایت هم ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست،^۲ اما دلالت آن واضح و صریح است.
همچنین احتمال دارد هر سه روایت در واقع یک روایت باشند؛ زیرا راوی و مروی عنه یکی است و شاید اختلاف تعابیر به سبب اختلاف در نقل باشد.

۳. بیست سال

روایت یکم

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي ... يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلَ الْأَرْضِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ مِثْلُ عَشْرِينَ سَنَةً؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۱، ح ۴۱۴/۱۸ با اندکی تغییر؛ همو، ۱۴۱۰: ۱۹۷، ح ۵؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱، ح ۹۱، باب ۱ به نقل از الفردوس؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۳۹، ح ۹۲۲؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۸۳)
از حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله نقل شده که فرمود: ... مهدی عليه السلام از فرزندان من است. ... اهل آسمان ها و اهل زمین و پرند در هوا به خلافت ایشان راضی هستند.

۱. اخیرنا ابی زینب ابوسلیمان احمد بن هوذة الباهلی (توثیق نشده - مجهول) قال: حدثنا ابراهیم بن اسحاق النهاوندی (نجاشی و شیخ او را تضعیف کرده اند - نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۴۱۴) قال: حدثنا ابومحمد عبدالله بن حماد الانصاری قال: حدثنی عبد الله بن ابی یعفور.

۲. اخیرنا [ابن ابی زینب] علی بن احمد بن نصر البندنجی (ابن داوود و علامه حلی او را تضعیف کرده اند - حلی، ۱۳۹۲: ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۱۷: ۳۶۹) عن عبید الله بن موسی العلوی (توثیق نشده - مجهول) عن بعض رجاله (مرسله) عن احمد بن الحسن عن اسحاق عن احمد بن عمر بن ابی شعبة الحلبي عن حمزة بن حمران عن عبد الله بن ابی یعفور.

[او] بیست سال حکومت خواهد کرد.

سند روایت ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست.^۱ عبدالعظیم بستوی نیز روایت را از *علل متناهیة ابن جوزی و اخبار المهدی ابونعیم و الفردوس* نقل کرده و پس از این که سه طریق نقل برای آن درست می‌کند، می‌گوید: اگر حدیث جعلی نباشد، به طور جد ضعیف است (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۹۰-۹۳)، اما دلالت روایت واضح است و ابهامی ندارد.

از حدیثه روایت دیگری نیز با همین مضمون - البته با تعابیر متفاوت - نقل شده است:

حذیفة بن الیمان یقول: قال عمران بن الحصین: صف لنا یا رسول الله هذا الرجل و ما حاله؟ فقال النبی ﷺ: ... یملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً یملك عشرين سنة؛

(ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۸۱، باب ۷۰، ح ۴۰۷ عن ابوصالح السلیلی)

حذیفة بن یمان می‌گوید: ... عمران بن حصین پرسید: ای پیامبر خدا، این مرد (مهدی ﷺ) و احوالات وی را برای ما توصیف کنید. پس پیامبر ﷺ فرمود: ... زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. [او] بیست سال حکومت می‌کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد، ولی از نظر دلالت صریح در مدت حکومت است.

روایت دوم

عن ابی امامة عن رسول الله ﷺ: ... المهدي من ولدی ابن اربعین سنة ... کأته من

رجال بنی اسرائیل یملك عشرين سنة؛ (هیثمی، ۱۴۰۸ ج: ۷، ۳۱۹؛ طبرانی، ۱۴۰۵ ج: ۸، ۱۰۲؛ متقی

هندی، ۱۴۰۹ ج: ۱۴، ۲۶۸، ح ۳۸۶۸۰)

از ابا امامه نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: ... مهدی ﷺ از فرزندان من چهل ساله است ... [از جهت جثه بدنی] مانند یکی از مردان بنی اسرائیل است [و] بیست سال حکومت خواهد کرد.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای این روایت درست می‌کند، اسناد آن را ضعیف شمرده و متن آن را نیز با روایات هفت سال ناسازگار می‌داند (بستوی، ۱۴۲۰ ب: ۱۲۱-۱۲۲)؛ گویا هفت سال را قول مسلم بین اهل سنت گرفته است.

۱. سند *دلائل الامامة*: حدیثی [محمد بن جریر طبری] ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد الطبری قال: حدثنا ابوالحسن محمد بن المظفر الحافظ (اضطرب عقله - حلی، ۱۴۱۷: ۲۶۹) قال: حدثنا عبدالرحمن بن اسماعیل قال: حدثنا علی بن ابراهیم الصوری قال: حدثنا داود قال: حدثنا سفیان عن منصور عن ربعی بن الخراش (توثیق نشده - مجهول) عن حذیفة بن الیمان.

در متن بعضی از منابع نیز نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده نشده است، اما با ویژگی‌های مطرح شده در آن و مقایسه با سایر روایات، معلوم می‌شود که منظور، حکومت امام زمان علیه السلام است.

۴. چهل سال

روایت یکم

ابن عمر بن علی بن الحسین عن ابی عبد الله علیه السلام قال: القائم من ولدی یعمر عمر خلیل الرحمن یقوم فی الناس و هو ابن ثمانین سنة و یلیث فیها اربعین سنة؛ (طبری، ۱۴۱۳: ۲۵۴) از فرزند عمر بن علی بن حسین از ابی عبدالله [امام صادق علیه السلام] نقل شده که فرمود: قائم از فرزندان من به اندازه عمر [ابراهیم] خلیل الرحمان عمر می‌کند. در بین مردم قیام می‌کند، در حالی که هشتاد ساله است و چهل سال زندگی می‌کند.

سند روایت ضعیف است،^۱ ولی از نظر دلالت مدت حیات را بیان می‌کند که مدت حکومت را نیز شامل می‌شود، به این معنا که مدت حکومت بیش از این مقدار نخواهد بود.

روایت دوم

عن ربیع بن خراش قال: سمعت حذیفه بن الیمان قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ... قد أفلحت أمة أنا أولها و عیسی علیه السلام آخرها فیصلی خلف رجل من ولدی فإذا صلی الغداة قام عیسی علیه السلام حتی یجلس فی المقام و ذکر متابعتة و أن مقامه فی الدنیا أربعون سنة؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۰۱) عن الفتن للسلیلی) حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: حقا که رستگاران آن امتی که من اول آن‌ها باشم و عیسی علیه السلام آخر آن‌ها باشد. پس عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌خواند. هنگامی که نماز صبح را خواند عیسی علیه السلام برمی‌خیزد و متابعت خود را ذکر می‌کند و مکث او در دنیا چهل سال خواهد بود.

سند این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و در دلالت آن هم ابهام وجود دارد؛ زیرا با ضمیر بیان شده و احتمال دارد ضمیر به حضرت عیسی علیه السلام برگردد؛ یعنی منظور روایت، بیان عمر حضرت عیسی علیه السلام باشد و این نکته دلالت روایت را مجمل می‌کند.

۱. ... و حدثني [محمد بن جریر الطبری] ابو عبد الله الحسين عبد الله الخرقی (توثیق نشده - مجهول) قال: حدثنا ابو محمد هارون بن موسى قال: حدثنا ابو علی محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالک الکوفی (کذاب - حلی، ۱۳۹۲: ۴۳۵ - ۴۳۶؛ واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۴۹) قال: حدثنا عمر بن طرحان (توثیق نشده) قال: حدثنا محمد بن اسماعیل عن ابن عمر بن علی بن الحسین عن ابی عبد الله علیه السلام.

روایت سوم

عن زید بن وهب الجهنی ... لما طعن الحسن بن علی عليه السلام بالمدائن أتيته ... فقال: ... أن أمير المؤمنين عليه السلام قال لي ذات يوم ... فكذاك حتى يبعث الله رجلاً في آخر الزمان ... يملأ الأرض قسطاً و عدلاً ... و تظهر له الكنوز، يملك ما بين الخافقين أربعين عاماً ...؛ (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۰ - ۱۱)

زید بن وهب جهنی نقل می‌کند: زمانی که امام حسن عليه السلام در مدائن ضربه‌ای به پای مبارکش خورد به خدمت آن حضرت رسیدم ... فرمود: ... روزی امیرالمؤمنین عليه السلام به من فرمود: ... و همین گونه خواهد بود تا خداوند مردی را در آخر الزمان بفرستد ... زمین را مملو از عدالت و قسط کند ... و گنج‌ها برای او ظاهر شود و چهل سال بر کل کره زمین حکومت خواهد کرد....

در سند این روایت ارسال است و راویان واسطه بین طبرسی و زید بن وهب الجهنی ذکر نشده‌اند. درباره زید نیز توثیق خاصی در کتب رجال نیست. برقی وی را در شمار اصحاب یمنی امیرالمؤمنین عليه السلام ذکر می‌کند (برقی، ۱۴۱۹: ۳۸) و ابن داوود در معرفی او می‌گوید: از اصحاب خاص آن حضرت است (حلی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

اما از نظر محتوا و دلالت مشکلی ندارد. تعبیر «رجل» به قرینه سایر مطالب مطرح شده در روایت بر امام زمان عليه السلام حمل می‌شود و منظور از عبارت «ما بین الخافقين»، بین مشرق تا مغرب است که همه کره خاکی را دربر می‌گیرد.

در روایت دیگری مدت حکومت به گونه‌ی تردید، بین سی سال و چهل سال نقل شده است:

عن علی عليه السلام: يلي المهدي أمر الناس ثلاثين أو أربعين سنة؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۳۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۵۹۱، ح ۳۹۶۷۶ عن نعيم بن حماد)
از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که مهدی عليه السلام سی سال یا چهل سال، امارت بر مردم را عهده‌دار می‌شود.

این روایت، سند خوبی ندارد و مشخص نیست لفظ «عمن حدثه» در سند به چه کسی اشاره می‌کند.^۱

عبدالعظیم بستوی نیز این روایت را نقل کرده و دو اشکال به آن می‌گیرد:
نخست این که سند حدیث ضعیف است و دیگر این که با روایات هفت سال سازگار نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۱۴۲).

۱. نعيم بن حماد حدثنا عبد الله بن مروان عن الهيثم بن عبد الرحمن عمّن حدثه عن علي عليه السلام قال: ...

درباره دلالت روایات تردید در روایات دسته الف گفتیم که تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم علیه السلام برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است؛ مثلاً وقتی می فرماید سی یا چهل سال حکومت می کند، یعنی کمتر از سی سال و بیشتر از چهل سال نخواهد بود.

۵. هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال

در برخی روایات، مدتی برای حکومت آن حضرت ذکر شده و آن مدت را به گونه ای تفسیر نموده اند که نیازمند توضیح است:

روایت یکم

رَوَى عَبْدُ الْكَرِيمِ الْحَنْعَمِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمَلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْآيَامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مَقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِتْوُمَلِكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ: (مفید، ۱۴۱۴: ۲، ۳۸۱: ابن صباغ، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲ - ۱۱۳۲ مرسلأ عن ابی عبدالله عليه السلام: فتال نیشابوری، بی تا: ۲ مرسلأ عن الصادق عليه السلام: اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۲: طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۰ با اندکی اختلاف در متن مرسله)

عبدالکریم خثعمی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام قائم علیه السلام چند سال حکومت می کند؟ فرمود: هفت سال، و روزها برای آن حضرت طولانی می شود به طوری که هر سال از سال های زمان او برابر ده سال از سال های شماست، و از این رو سال های حکومت او معادل هفتاد سال از سال های شما خواهد بود.

سند روایت ضعیف است.^۱ دلالت روایت نیز در پایان همین بخش توضیح داده خواهد شد. از عبدالکریم خثعمی همین روایت با عبارتی دیگر بیان شده است:

عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْحَنْعَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمَلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام? قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ: (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۴، ج ۴۹۷)

از عبدالکریم بن عمرو خثعمی روایت شده که گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: قائم علیه السلام چند سال حکومت می کند؟ فرمود: هفت سال که به حساب سال شما هفتاد سال می شود.

سند این روایت نیز ضعیف است^۱ و دلالت روایت نیز در پایان همین بخش بررسی

۱. زیرا نجاشی درباره عبدالکریم گفته: او واقفی مذهب است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۴۵). بر فرض این که این تعبیر باعث ضعف وی نشود، در سند روایت ارسال هست و به خاطر ارسال ضعیف خواهد بود؛ چون شیخ مفید به عبدالکریم خثعمی حداقل سه واسطه می خواهد و این واسطه ها در سند نیست.

خواهد شد.

روایت دوم

رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ... لَا يَبْرُكُ يَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَ يَفْتَحُ قُسْطَنْطِينَةَ وَالصَّيْنِ وَ جِبَالَ الدَّيْلَمِ فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونَ؟ قَالَ: يَا مُرَّاهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ الرِّتَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ عليه السلام وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنُ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (مفيد، ۱۴۱۴: ۲، ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲، ۲۹۱؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۵)

ابوبصیر ضمن حدیثی طولانی از امام پنجم روایت کرده که فرمود: چون قائم عليه السلام ظهور کند ... هر بدعتی را از میان ببرد و هر سنت و دستور خدایی را اجرا کند و شهر قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم، همه را فتح می‌کند و هفت سال - که هر سالی برابرده سال شماسست - در زمین می‌ماند. سپس هر چه خدا خواهد. ابوبصیر می‌گوید: گفتیم: قربانت شوم! چگونه سال‌ها طولانی می‌شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می‌فرماید تا کند شود و روز و سال طولانی می‌شوند. گفتیم: آن‌ها می‌گویند: اگر فلک دگرگون شود تباہ می‌گردد؟ فرمود: این گفته زندیقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خدا ماه را برای پیغمبرش صلی الله علیه و آله شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگردانید، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد.

این روایت سند خوبی ندارد و مرسله است؛ زیرا شیخ مفید سند خود به ابوبصیر را ذکر نکرده است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

و قال ابو جعفر عليه السلام في حديث طويل: إذا قام القائم عليه السلام ... فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ سَنَةً مِنْ سِنِينَكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. قِيلَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ يَطُولُ السُّنُونَ؟ قَالَ: يَا مُرَّاهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قَلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الرِّتَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله وَ رَدَّ الشَّمْسَ

۱. عنه (فضل بن شاذان) عن عبد الله بن قاسم الحضرمي (ضعيف، غالي، كذاب - نجاشي ۱۴۱۶: ۲۲۶) عن عبد الكريم بن عمر الخثعمي (ضعيف، واقفي - همو: ۲۴۵).

مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۶۴)

امام پنجم ضمن حدیثی طولانی فرمود: چون قائم علیه السلام ظهور کند ... هفت سال - که هر سال برابر بیست سال شماسست - در زمین می ماند، سپس هر چه خدا خواهد. به ایشان گفته شد: قربانت شوم! چگونه سال ها طولانی می شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می فرماید تا کند شود، و روز و سال طولانی شوند. [راوی] می گوید: گفتم: آن ها می گویند: اگر فلک دگرگون شود تباہ می گردد. فرمود: این گفته زندیقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خداوند ماه را برای پیغمبرش شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد.

ظاهراً این همان روایت /ارشاد است؛ زیرا مروی عنه (معصوم) یکی است و متن نیز یکی است و احتمالاً اشتباه نسخ (تصحیف) بوده و به جای عشر، عشرين ثبت شده است. در این کتاب نیز روایت فوق، سند ندارد.

درباره دلالت این دسته از روایات باید گفت که روایات صریح در مدت زمان حکومت است، اما در این که چگونه هفت سال، هفتاد سال یا بیشتر به طول می انجامد ابهام وجود دارد و همین ابهام باعث شده که برخی محققان این روایات را نپذیرفته و آن را مخالف قوانین حاکم بر دنیا بدانند و بگویند این روایات رمزگونه اند (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۹ - ۱۵۰). در متن روایت نیز راوی از کلام امام تعجب می کند و می پرسد: چگونه یک سال ده برابر طول می کشد؟ حضرت بیان می فرماید که به امر خداوند گردش فلک کند می شود؛ باز ابهام راوی باقی است و دوباره می پرسد: این ها (ظاهراً منظور ستاره شناسان و طبیعت گراها) می گویند: اگر در حرکت فلک تغییری حاصل شود فاسد شده و از بین می رود. امام می فرماید: این کلام آنان است، اما مسلمانان نمی توانند چنین چیزی بگویند؛ چون نمونه هایی مثل شق القمر و رد الشمس را باور دارند و خداوند نیز از طولانی شدن هزار ساله روز قیامت خبر داده است.

در برخورد اولیه با این روایت، این توهم به وجود می آید - همان طور که برای راوی پیش آمد - که طولانی شدن زمان در حد ده یا بیست برابر غیرعادی است و باعث برهم خوردن نظام هستی می شود؛ در حالی که این گونه نیست. ما نمونه روشن آن را هر ساله در دو قطب زمین مشاهده می کنیم و می بینیم که طول شب و روز ۱۸۰ برابر شده و هر کدام شش ماه به

طول می‌انجامد.

اما این که چگونه در همه کره زمین این اتفاق ممکن است و روایت نیز به آن تصریح می‌کند، باید گفت در شاخه‌ای از علم نجوم (اختر فیزیک)^۱ توضیح داده شده که بر اثر جاذبه ماه، حرکت زمین به دور خود و به دور خورشید رو به کندی است؛ به طوری که طول روز با آهنگ قابل اندازه‌گیری $0/002s$ در هر قرن افزایش می‌یابد. در این صورت قانون سوم کپلر ایجاب می‌کند که طول هر ماه بیشتر گردد. در آینده‌ای دور، روز و ماه یکی خواهند شد و هر دو تقریباً پنجاه برابر روز فعلی می‌شوند (گرگوری، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۸۴-۱۸۵).

بنابر این نظریه اگر حرکت چرخشی زمین (حرکت وضعی) به هر دلیل کند شود، این عامل سبب طولانی شدن شب و روز خواهد شد و این «دیرش» با تأخیر در فصول همراه است و به دنبال آن سال نیز طولانی خواهد شد. بنابراین نظریه روایات «تطول له الایام قابل توجیه خواهد بود.

شاید به ذهن کسی خطور کند که این حالت باعث تغییر در مدارگردشی کرات می‌شود و اگر مدار سیارات تغییر کند همه چیز به هم می‌ریزد و نظم آسمان‌ها و زمین پابرجا نخواهد بود. در پاسخ این سؤال می‌توان گفت این دیرش تنها در مدارگردشی زمین رخ می‌دهد، نه در گردش کل سیارات و در نظریه دیرش نیز بیان شده که این حالت در گردش سایر کرات تأثیر خاصی نخواهد گذاشت و تنها طولانی شدن شب و روز است. این امر سبب نابودی اهل زمین نیز نمی‌شود، چنان‌که در قطبین زمین، با این که شب و روز شش ماه طول می‌کشد، زندگی طبیعی جریان دارد. طبق محاسبه، طول روز و شب در قطبین، صد و هشتاد برابر می‌شود؛ اما در بیان این روایات، تنها طول شب و روز ده یا بیست برابر خواهد شد.

برخی نیز در توجیه این روایات گفته‌اند: مراد از طولانی شدن سال‌ها (سنین غیر معمولی) به دلیل سختی آن ایام است؛ یعنی هر چه روزگار سخت‌تر باشد، گذر آن طولانی‌تر به نظر می‌آید و برای نظریه خود این دو روایت را به عنوان شاهد ذکر می‌کنند:

لَوْ قَدَّ حَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلْقُ وَالْعَرْقُ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۹۶، باب ۱۵، ح ۵)

اگر قائم خروج کند، جز خون بسته شده بر پیشانی و عرق چیزی نخواهد بود.

مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ (همو: ۲۳۹، باب ۱۳، ح ۲۰ و ۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۰،

۱. علم اختر فیزیک، شاخه‌ای از علم نجوم است که درباره حرکت و مدارات ستارگان و سیارات گفت‌وگو می‌کند.

ح ۴۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۳: ۲۸۲)

آن نیست، مگر شمشیر و مرگ در سایه شمشیر.

به نظر می‌رسد این تحلیل مناسبی نباشد؛ چون هرچند در ابتدا شیعیان آن حضرت بر اثر رویارویی با جبهه کفر و نفاق، باید سختی‌های بسیاری متحمل شوند، اما سرانجام آنان آسایش و راحتی است و سختی دائمی تنها برای مخالفان و دشمنان آن حضرت خواهد بود. برخی از محققان به دلیل مشابهت این روایات با قول مشهور بین اهل سنت - که حکومت هفت ساله بود - این‌ها را ترجیح داده‌اند (طبسی نجفی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۲۵).

۶. هشتاد سال

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه **﴿وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ﴾** (ابراهیم: ۴۴) می‌فرماید:

هو ظهور قائمنا المنغيب لأنه عذاب على الكافرين و شفاء و رحمة للمؤمنين يظهر له من العمر أربعون عاماً فيمكث في قومه ثمانين سنة ...؛ (بیزدی حائری، بی‌تا: ج ۲، ۲۰۱ نقله فی ذیل خطبة تنجیة)

این روز، روز ظهور قائم غایب ماست. چون ظهور او عذاب برای کفار و رحمت برای مؤمنان است. [او] در حالت چهل ساله ظاهر می‌شود و در بین قومش هشتاد سال زندگی می‌کند.

این روایت بنابر منابع اهل سنت و همچنین طبق منابع شیعه، سند ندارد و قابل اعتماد نیست، ولی دلالت آن خوب است و مدت زندگی حضرت را بیان می‌کند که شامل مدت حکومت آن حضرت نیز می‌شود.

۷. نوزده سال، معادل صد و نود سال

وقد روى أن مدة دولة القائم عليه السلام تسع عشرة سنة تطول أيامها و شهرها على ما قدمناه و هذا أمر مغيب عنا وإنما ألقى إلينا منه ما يفعله الله جل اسمه بشرط يعلمه من المصالح المعلومة له جل اسمه؛ (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۶ - ۳۸۷؛ طبسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۳؛ اربلی، بی‌تا: ج ۳، ۲۶۶)

و روایت شده که مدت دولت قائم علیه السلام نوزده سال است که روزها و ماه‌های آن طولانی شود، به همان صورت که گفته شد و این امر بر ما پوشیده است؛ و تنها چیزی را که خداوند اگر مصلحت بداند انجام می‌دهد به ما گفته شده است.

این روایت را شیخ مفید به صورت مرسله آورده و سندی برای آن بیان نکرده و ظاهراً دیگران نیز از ایشان نقل نموده‌اند.

روایت به طولانی شدن روزها و ماه‌ها در این حکومت نوزده ساله تصریح می‌کند، در حالی که در روایات پیشین تنها درباره هفت سال، این حالت بیان شده بود. بنابراین، به درازا کشیدن روزها و ماه‌ها، اگر به صورت طولانی شدن هر یک سال به ده سال باشد^۱ حکومت امام مهدی علیه السلام صد و نود سال به طول خواهد انجامید.

۸. سیصد و نه سال

روایت یکم

جابر عن ابی جعفر علیه السلام: [ملك القائم ثلاثاً سنة ويزداد تسعاً كما لبث اهل الكهف في كهفهم ...] (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۹۰، باب ۲۷، ح ۲۱۲ به نقل از کتاب الغيبة السيد علی بن عبد الحمید)
 جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.

سند روایت مرفوعه است و قابل اعتماد نیست؛^۲ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

روایت دوم

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام: إن القائم ملك ثلاثاً سنة وتسع سنين كما لبث اهل الكهف في كهفهم؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۴، ح ۴۹۶؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۵۵، ح ۳۹/۴۳۵ با اندکی تفاوت)
 ابی الجارود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.
 سند روایت ضعیف است،^۳ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

۱. توضیح درباره امکان و چگونگی طولانی شدن شب و روز و ماه و سال، در بخش بیان روایت هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال، گذشت.

۲. و باسناده (فضل بن شاذان یا علی بن عبد الحمید) رفعه (مرفوعه) الی جابر عن ابی جعفر علیه السلام (هم مرفوعه است و هم خود سید علی بن عبد الحمید توثیق نشده است).

۳. سند شیخ طوسی: و عنه (فضل بن شاذان - در تمامی اسناد شیخ طوسی در کتاب الغيبة به فضل بن شاذان، شخصی به نام علی بن محمد بن قتیبه وجود دارد که از نظر وثاقت مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست - خوبی، ۱۴۱۰: ج ۱۲، ۱۶۰) عن علی بن عبدالله (مشترک - مجهول) عن عبدالله بن ابی عبدالله عن ابی الجارود (زیاد بن منذر - ضعیف) (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۷؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۲۹ - ۲۳۰).

سند *دلائل الامامة*: اخبرنی (طبری شیعی) ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی (توثیق نشده) عن ابیه عن ابی علی محمد بن همام عن ابی عبدالله جعفر بن محمد (الحمیری) قال: حدثنا محمد بن حمران المدائنی (النهدي) عن علی ابی اسباط (مختلف فيه وثقة - نجاشی ۱۴۱۶: ۲۵۳)، عن الحسن بن شبیر (مجهول) عن ابی الجارود

روایت سوم

ذکر فی الكتاب المشار الیه خطبة لأمیر المؤمنین علیه السلام التسمی المخزون وهی: ... فیمکث فیما بین خروجه إلی یوم موته ثلاثاً سنة و نیف (نیفا)؛ (حلی، ۱۳۷۰: ۲۰۲، مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۷۷ - ۸۶)

در این کتاب خطبه‌ای برای مولا امیر المؤمنین ذکر کرده به نام المخزون و آن خطبه این است: ... سپس سیصد سال و اندی از وقت خروجش تا روز مرگش باقی می‌ماند (زندگی می‌کند).

این روایت نیز از جهت سند دارای اشکال است،^۱ ولی دلالت آن کامل است و تصریح دارد که از زمان ظهور امام علیه السلام تا زمان وفات آن حضرت این مقدار زمان می‌گذرد.

نتیجه‌گیری نهایی در بررسی سند روایات و جمع بین آنها

روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را به دو دسته کلی تقسیم کردیم:

۱. روایات زیرده سال که بیشتر در منابع اهل سنت به چشم می‌خورند؛
 ۲. روایات بالای ده سال که بیشتر در منابع شیعه آمده‌اند (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۳-۴۳۴).
- در روایات مربوط به حکومت آن حضرت، تعارض از هفت تا ۳۰۹ سال وجود دارد و از نظر سند تنها روایت ۱۹ سال، قابل اعتماد بود و نقل‌های دیگر از جهت سند، پذیرفتنی نیستند.
- البته شیخ مفید درباره روایات هفت سال می‌گوید: «این‌ها بیشتر و مشهورترند» (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۷). برخی نیز به سبب همین شهرت آن‌ها را مقدم کرده‌اند (صفا نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ص ۱۵۰ - ۱۵۱؛ صدر، ۱۴۲۵: ۴۳۸).

اما با جست‌وجوی انجام شده دریافتیم چنین شهرتی تنها بین اهل سنت است و نزد

(ضعیف) (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۷؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۲۹ - ۲۳۰).

۱. در سند روایت چند ایراد است:

«وقف علی کتاب خطب لمولانا امیر المؤمنین علیه السلام و علیه خط السید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس ما صورته: هذا الكتاب ذکر کاتبه رجلین بعد الصادق علیه السلام فیمکن أن یکون تاریخ کتابته بعد المائتین من الهجرة لأنه علیه السلام انتقل بعد سنة مائة وأربعین من الهجرة و قد روی بعض ما فیه عن أبی روح فرج بن فروة عن مسعدة بن صدقة عن جعفر بن محمد و بعض ما فیه عن غیرهما...»

(الف) وجادة است و سند حلی به فرج متصل نیست و چنین کتابی را حلی دیده است.

(ب) فرج بن فروة توثیق ندارد و همچنین درباره مسعدة اختلاف است؛ زیرا ابن داوود او را از ضعفاء شمرده (حلی، ۱۳۹۲: ۵۱۵) و شیخ او را از رواات عامه به شمار آورده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۶). آیت‌الله خوبی نیز به سبب قرائن عامه او را توثیق کرده است (خویی، ۱۴۱۰: ۱۸، ج ۱۳۵ - ۱۳۹).

شیعیان، روایات و طرفداران چندانی ندارد و با در نظر داشتن این نکته که در زمان شیخ مفید جامعه علمی شیعه و اهل سنت به صورت امروزی از هم تفکیک نشده بود، احتمال دارد کلام شیخ مفید ناظر بر شهرت بین عامه باشد.

بیان تحلیل‌ها و نقد و ابرام

جدا از بحث سندی و بر فرض این که از جهت سندی هیچ روایتی را مقدم نکنیم و بگوییم همه مساوی هستند، برای توجیه اختلاف اخبار و حل تعارض بین آن‌ها راه‌ها و تحلیل‌هایی بیان شده است:

تحلیل یکم

دانستن مدت عمر یا حکومت امام مهدی علیه السلام چندان امر مهمی نبوده و لذا معصومین علیهم السلام برای تعیین دقیق آن انگیزه‌ای نداشته‌اند (خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۷۱).
پاسخ: اختلاف اخبار با این کلام قابل توجیه نیست؛ زیرا بیان‌های متفاوت با این گستردگی، به سبب نداشتن انگیزه تعیین دقیق، نوعی اغراء به جهل و مردم را در نادانی رها کردن، به شمار می‌آید که از شأن آن بزرگواران به دور است.

تحلیل دوم

اختلاف اخبار بدین سبب بوده که معصومین علیهم السلام به عمد نمی‌خواستند مدت دقیق حکومت را بیان فرمایند تا این که مورد سوء استفاده مدعیان قرار نگیرد، چنان که فرقه ضالّه بهیابیت مدت ادعای سیّد باب را - که شش سال بوده - بر این مدت تطبیق کرده‌اند، با این که روایت شش سال نداشتیم. از این رو روایات با هم متفاوتند (صافی، ۱۴۱۹: ۶۱۸؛ صدر، ۱۴۲۴: ۲۴۲؛ دوانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴۱، پاورقی).

پاسخ: این تحلیل نیز دقیق نیست؛ چون اگر نمی‌خواستند، بیان نمی‌فرمودند، نه این که به صورت مختلف بفرمایند؛ مگر با این توجیه که به کار بردن تعابیر گوناگون یک روش مخفی کاری است و معصومین علیهم السلام از این روش استفاده کرده‌اند.

تحلیل سوم

ائمه علیهم السلام به دلیل شرایط تقیه، طبق اخبار عامه سال‌های متفاوتی را بیان می‌فرموده‌اند (خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۷۱).

پاسخ: تقیّه در این‌گونه موارد (اخبار غیبی از آینده) معنایی ندارد و بر فرض وجود انگیزه تقیّه، این تحلیل تنها درباره روایات زیر ده سال که مطابق قول اهل سنت است، قابل توجیه است.

تحلیل چهارم

روایاتی که مدت کمی را برای حکومت حضرت بیان کرده‌اند مانند روایات پنج، هفت یا نه سال، بر دوره‌های حکومتی حمل شوند؛ یعنی حکومت حضرت از ابتدا تا انتها به دوره‌های هفت‌گانه تقسیم می‌شود و روایاتی که سال‌های بیشتری بیان کرده‌اند، بر تمام مدت حکومت حمل می‌شوند؛ مثل روایات هفتاد، صد و بیست و سیصد و نه سال (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱۴؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۵۲۷).

پاسخ: اگرچه روایاتی که با اشاره، مدتی را برای حکومت امام مهدی علیه السلام بیان فرموده‌اند می‌توانند شاهد خوبی برای این تحلیل باشند (یعیش هکذا اومی بیده سبع أو تسع (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۲۰؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۱۰-۱۱۱))؛ اما این تحلیل، با روایاتی که به لفظ سنین یا سنة تصریح دارند، سازگار نیست.

تحلیل پنجم

اختلاف اخبار ممکن است اشاره به ظهور و قوّت حکومت آن حضرت باشد و آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی‌اش بیش از سیصد سال باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰، ذیل ج ۶؛ هیتمی، ۱۴۲۸: ۴۱؛ سفارینی حنبلی، ۱۴۰۲، ج ۲، ۸۳).

پاسخ: این وجه به وجه جمع پیشین نزدیک است و جمع خوبی است، اما برای آن شاهد جمعی از روایات پیدا نشد.

البته اگر این تحلیل به این معنا باشد که در سال‌های کم حکومت حضرت کامل نیست و نقص دارد تحلیل درستی نخواهد بود؛ برای مثال، تا ۳۵ سال حکومت ناقص است و در چهل سال به کمال می‌رسد (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۵۲).

تحلیل ششم

روایات می‌توانند به دو مرحله از حکومت اشاره داشته باشند: مرحله اول: مدت حیات خود حضرت که کوتاه است و روایات مدت کوتاه بر این دوره

حمل می‌شوند.

مرحله دوم: مدت حکومت عدل جهانی که پس از حیات حضرت ادامه دارد و روایات مدت طولانی بر این دوره حمل می‌شوند (همو: ۱۴۹؛ شوکی، ۱۴۲۹: ۲۴۷؛ امینی گلستانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۷۲؛ رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۵۴).

پاسخ: اگرچه در نتیجه گیری پایانی برای دفع شبهه، این نظریه با قرائنی تقویت می‌شود، اما برای توجیه اختلاف اخبار پذیرفتنی نیست؛ زیرا با روایات «مدّة ملکه»، «مدّة حیاته» و «یعیش» که ضمائر در آن‌ها به شخص امام مهدی علیه السلام برمی‌گردد، ناسازگار است.

تحلیل هفتم

عدد کم از اخبار بر سنین غیر معمولی (طولانی شدن سال‌ها)، و عدد زیاد بر سنین معمولی حمل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۰، ذیل ح ۶) و روایاتی که هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال را بیان می‌کنند شاهد این وجه جمع‌اند.

پاسخ: اگرچه این تحلیل می‌تواند جمع‌بندی خوبی در برخی از روایات باشد، اما در همه آن‌ها پذیرفتنی نیست.

نتیجه

در بررسی سندی روایات، تنها روایت ۱۹ سال سند خوبی داشت؛ در بیان تحلیل‌ها تحلیلی که بتواند تمامی جوانب اختلاف روایات را توجیه کند، ارائه نشده است. اما برای پاسخ‌گویی به این شبهه که اگر حکومت امام زمان علیه السلام کمتر از ده سال یا حتی بیست سال است این همه انتظار، زمینه‌سازی و روایات مزده ظهور برای چیست و آیا این مدت اندک ارزش این همه مقدمه‌چینی و ... را دارد؟ ابتدا بیان دو نکته لازم است:

۱. حکومت امام مهدی علیه السلام باید مدتی استمرار یابد و باقی باشد که در آن مدت، پایه‌های این حکومت مستحکم شده و قابلیت بقا تا روز قیامت را داشته باشد (صافی، ۱۴۱۹: ۶۱۸ به نقل از *القول المختصر* ابن حجر؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۴ - ۱۴۵)

۲. اعتقادات و اخلاقیات جامعه اسلامی تغییرات بسیاری کرده و تصحیح این انحرافات به حکومتی چندین ساله نیاز دارد. حکومت مهدوی تنها کشورگشایی نیست، بلکه تربیت مردم کشورها از اولویت‌های برنامه حکومتی آن حضرت خواهد بود که هم طولانی‌تر و هم مشکل‌تر از

سیطره بر خود کشورهاست (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۲).

با توجه به این دو نکته و طبق قواعد عامه، مدت مناسب و نتیجه دهنده برای حکومت آن حضرت لازم است و شاید بر همین اساس برخی محققان، روایات مدت طولانی را ترجیح می دهند. اما در این که این مدت چند سال است، چیزی از قواعد عامه استفاده نمی شود (همو؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳۵۶؛ صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۴-۱۴۵؛ رضوانی، ۱۳۸۴: ۶۵).

پاسخ این سؤال با تقسیم آن به دو پرسش بهتر فهمیده می شود:

۱. امام مهدی علیه السلام (شخص مهدی موعود علیه السلام) چه مقدار حکومت می کند؟

۲. حکومت الهی (نظام مهدوی) چقدر باقی می ماند؟ (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۱؛ صفار

نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۴۳)

بر فرض این که از روایات نتیجه بگیریم حکومت امام مهدی علیه السلام کمتر از بیست سال به طول می انجامد، اما حکومت عدل الهی - که وعده تخلف ناپذیر خداوند به بشر است - تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (صفار نجفی، ۱۴۲۸: ج ۱۳، ۱۵۳) و حاکم این حکومت، پس از امام زمان علیه السلام صالحان (بر اساس اعتقاد به رجعت، امامان معصوم علیهم السلام) خواهند بود (صدر، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۳۱؛ شوکی، ۱۴۲۹: ۲۴۹).

روایت امام صادق علیه السلام که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را تا قیامت بیان می فرماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۳۴، باب ۲۵، ح ۱)،^۱ روایت معراج که خداوند تبارک و تعالی فرموده حتماً او (امام مهدی علیه السلام) را با لشکر یاری می رسانم ... و سپس به ملک او دوام می دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۶، باب ۲۳، ح ۴)^۲ و روایات جانشینان امام مهدی علیه السلام (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۳۲۶، ح ۲۴؛ آکوران، ۱۴۱۱: ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۱۲۹)^۱ برای این جمع بندی

۱. عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل بن عمر قال: سألت سيدي الصادق علیه السلام... قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ... وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ (هود: ۱۰۸) وَالْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيْ عَطَاءٌ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَ حُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَمْرٌ لَا يَنْظَلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ إِزَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ مَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حكاية عن الله في معارجه و لانصرته بجندی و لامدته بملانكتي حتى يعلن دعوتي و يجمع الخلق على توحيدى ثم لاديمين ملكه و لاداولن الأيام بين أوليائى إلى يوم القيامة.

۳. و الله ليملكنَّ رجل مئا اهل البيت الأرض بعد موته ثلاثمئة سنة و يزداد تسعاً ...

قابل استفاده است.

بنابراین دانستن مقدار عمر یا مدت حکومت شخص آن حضرت در درجه دوم اهمیت است و شاید به همین دلیل، در روایات برای آن عدد دقیقی بیان نشده است.

منابع

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، *النهاية في غريب الحديث*، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم، مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، *العمدة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حبان، علی بن بلبان، *الصحيح*، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ابن حنبل، احمد، *المستند*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، *الطرائف*، قم، خیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
- _____، *الملاحم والفتن*، اصفهان، نشاط، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ابوداوود، سلیمان، *السنن*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- اربلی، ابن ابی‌الفتح، *كشف الغمة في معرفة الأئمة* عليهم السلام، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
- الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر، *السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وشرائطها*، تحقیق: رضاء الله بن محمد إدريس مبارکفوری، ریاض، دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- امینی گلستانی، محمد، *سیمای جهان در عصر امام زمان* علیه السلام، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- بحرانی، سید هاشم، *غایة المرام*، تحقیق: سید علی عاشور، بی جا، بی تا، بی نا، بی تا.
- بحرانی، عدنان، *حصائل الفکر فی احوال الامام المنتظر*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه قیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۱. يكون له خلف من اهل بيته.

- بستوی، عبدالعظیم، الموسوعة فی احادیث المهدی الضعيفة والموضوعة، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق - الف.
- _____، المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والاثار الصحیحة، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق - ب.
- ترمذی، ابو عیسی محمد، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی ﷺ، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بی نا، بی تا.
- حلّی، حسن بن داوود، الرجال، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
- حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، المطبعة الحیدریة، چاپ اول، ۱۳۷۰ق.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر ﷺ، تحقیق: سید جواد میرشفیعی، تهران - قم، مؤسسه انتشاراتی لاهوت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴ش.
- خلیل حبة، رزق، الامام المهدی ﷺ والیوم الموعود، بیروت، دار الولاة، چاپ سوم، ۱۴۲۹ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- دوانی، علی، مهدی موعود ﷺ (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۱ش.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر بن حسین، المحصول، تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
- رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- سفارینی حنبلی، محمد بن احمد بن سالم، لوازم الانوار البهیة، دمشق، مؤسسه خافقین، چاپ

- دوم، ۱۴۰۲ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدرالمشور، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- شوکی، سید محمد، آخرالدول، قم، انتشارات جلال الدین، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، قم، مؤسسة السيدة المعصومة علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- صدر، سید صدرالدین، المهدي علیه السلام فی كتب الصحاح والسنن، بیروت، دارالرافدین، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- صدر، سید محمد، موسوعة الامام المهدي علیه السلام (تاریخ مابعد الظهور)، قم، ذوی القربی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- _____، کمال الدین وتمام النعمة، تصحیح وتعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۵ق.
- صفار نجفی، سالم، موسوعة الامام المهدي علیه السلام المنتظر علیه السلام من المهدي علیه السلام الی يوم القيامة، بیروت، دار نظیر عبود، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، بی جا، منشورات المجلس العلمی، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، بی جا، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
- _____، المعجم الكبير، قاهره، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق: محمد باقر الخرسان، النجف الأشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- _____، نوادر المعجزات، قم، مؤسسة الامام المهدي علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- طبسی نجفی، محمدرضا، الشيعة والرجعة، نجف، مطبعة الآداب، چاپ سوم، ۱۳۸۵ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، الرجال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- _____، الغيبة، تحقیق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم،

- مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- _____، الفهرست، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر الفقه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- عسکری، نجم الدین جعفر بن محمد، المهدی الموعود المنتظر ﷺ عند علماء اهل السنة والامامة، بیروت، دارالزهراء ﷺ، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
- غزالی، ابی حامد محمد، المستصفی، تصحیح: محمد بن عبدالسلام، بیروت، دارالکتب، ۱۴۱۷ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، قم، منشورات شریف الرضی، بی تا.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، السنن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة لذوی القربی، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- کشی، محمد بن عمر، رجال، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی ﷺ، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- کوفی، ابن ابی شیبہ، المصنف، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- گرگوری، زیلیک، نجوم و اختر فیزیک مقدماتی، ترجمه: جمشید قنبری، مشهد، نشر دانشگاه امام رضا ﷺ، ویرایش چهارم، ۱۳۸۷ش.
- ماحوزی، ابوالحسن سلیمان بن عبدالله، کتاب الأربعین، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، نشر امیر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- مالکی مکی (ابن صباغ)، علی بن محمد بن احمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سامی الغریبی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- مبارکفوری، صفی الرحمن، تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق و ضبط و تفسیر: بکری حیانی، تصحیح و فهرسة: صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.

- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مروزی، نعیم بن حمّاد، الفتن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: دکتر عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، مكتبة عالم الفكر، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ش.
- موصلی، ابوعلی، المسند، دمشق، دار المأمون للتراث، چاپ دوم، بی تا.
- نجاشی، احمد بن علی، الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تحقیق: فارس حسون، قم، مهر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- واسطی بغدادی (ابن غضائری)، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق: سید محمدرضا جلالی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- هیتمی، شهاب الدین احمد بن حجر، القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تحقیق: رشاد الخطیب، دمشق، دار التقوی، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- هیتمی، نور الدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
- یزدی حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام بی جا، بی نا، بی تا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۸

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

تحلیل آیات و روایات تفسیری مهدوی

مهدی حسینیان قمی*

چکیده

درباره آیه پنجم سوره قصص «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...» چهار دیدگاه تفسیری وجود دارد؛ بر اساس دیدگاه نخست - که مفسران اهل سنت آن را مطرح کرده اند - آیه ناظر به قوم بنی اسرائیل است. بنا بر دیدگاه دوم - یعنی دیدگاه بسیاری از مفسران شیعه - ظاهر آیه مربوط به بنی اسرائیل، ولی تأویل یا باطن آن مربوط به امام مهدی علیه السلام است. همچنین طبق نظریه سوم - که از سوی برخی مفسران شیعه مطرح می شود - آیه عمومیت دارد و هم شامل بنی اسرائیل و هم امام مهدی علیه السلام است و نیز بنا بر نظریه علی بن ابراهیم و برخی دیگر از مفسران، این آیه منحصرأً به زمان حکومت امام مهدی علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام اشاره دارد.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، مهدویت در قرآن، آیات مهدوی.

خداوند در آیات نخستین سوره قصص، در آیه ای مهدوی می فرماید:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
(قصص: ۵)

و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.

آیه مذکور در ابتدای داستان موسی عليه السلام و فرعون آمده است؛ چنان که می فرماید:

﴿تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مَوْسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (قصص: ۳)
ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای [آگاهی] گروهی که ایمان می آورند، به درستی بر تو می خوانیم.

آیه مهدوی مورد بحث، بین دو آیه قرار گرفته است؛ در آیه چهارم می خوانیم:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَ هُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص: ۴)

همانا فرعون در سرزمین [مصر] سرکشی کرده و مردم آن جا را فرقه فرقه نموده است؛ گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده، پسرانشان را سر می برد و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگه می دارد.

در آیه ششم نیز آمده است:

﴿وَتَمُكِّنْهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمْ مِمَّنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾
(قصص: ۶)

و به آنان (مستضعفان) در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از جانب آنان به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیانسان آن چه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم.

در تفسیر نورالتقلین، تفسیر البرهان و جلد هفتم معجم احادیث الإمام المهدی عليه السلام در ذیل این آیه، حدود ده روایت تفسیری آمده است و بی گمان روایات دیگری نیز در این باره دست یافتنی است که به جست و جوی بیشتر بستگی دارد. در این نوشتار، این روایات را با ترجمه می آوریم و پس از آن به نقل متن کلام علی بن ابراهیم قمی در ذیل همین آیه مهدوی می پردازیم.

علی بن ابراهیم قمی رحمته الله این آیه را در ضمن کلامی نسبتاً طولانی و ویژه امامان عليهم السلام می داند و در این زمینه بیانی رسا و استدلال هایی متین ارائه می کند. گرچه عروسی حویزی، مؤلف

بزرگوار تفسیر نورالثقلین پس از نقل کلام علی بن ابراهیم قمی مبنی بر اختصاص آیه به امامان معصوم علیهم السلام می نویسد:

مؤلف کتاب می گوید: می توان هم موسی و فرعون را از آیه منظور دانست و هم اهل بیت و دشمنانشان را، و آن چه که [توسط علی بن ابراهیم] گفته شده است مانع از منظور بودن هر دو معناست. با کمترین تأمل روشن می شود که اراده دو معنا در ظاهر و باطن مانعی ندارد. آن گونه که روایات بسیاری گویای این حقیقت است و در این کتاب (تفسیر نورالثقلین) روایاتی را آوردیم که شخص جست و جوگر و کسی را که واقف به طریقه و سیره امامان علیهم السلام باشد، کفایت می کند.

اکنون ابتدا روایات را می آوریم، آن گاه به داوری می پردازیم که آیا حق با علی بن ابراهیم قمی است یا مؤلف تفسیر نورالثقلین؟! گفتنی است در هر صورت، آیه از آیات مهدوی به شمار می رود و از این رو، تعمیم و تخصیص آیه تفاوتی ندارد.

روایات تفسیری این آیه مهدوی

۱. محمد بن یعقوب، عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن أبان بن عثمان، عن أبي الصباح الكناني قال: نظر أبو جعفر عليه السلام إلى أبي عبد الله عليه السلام يمشي، فقال: ترى هذا؟ هذا من الذين قال الله عز وجل: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۴۹)

ابوصباح کنانی می گوید: امام باقر عليه السلام به امام صادق عليه السلام نگاه کرد و فرمود: این را می بینی؟ این از کسانی است که خداوند عزوجل [درباره آنان] فرموده است: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.»

۲. ابن بابویه، قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن الهيثم العجلي، قال: حَدَّثَنَا أبو العباس أحمد بن يحيى بن زكريا القطنان، قال: حَدَّثَنَا بكر بن عبد الله بن حبيب، قال: حَدَّثَنَا تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفصل بن عمر، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نظر إلى علي والحسن والحسين عليهم السلام فبكى وقال: أنتم المستضعفون بعدي. قال المفصل: فقلت له: ما معنى ذلك يا بن رسول الله؟ قال: معناه أنتم الأئمة بعدي، إن الله عزوجل يقول: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. فهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة؛ (همو به نقل از صدوق، ۱۳۷۹: ۷۹)

مفضل بن عمر گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به علی و حسن و

حسین علیه السلام نگاه کرد و گریست و فرمود: شما پس از من ضعیف شمرده می شوید. مفضل می گوید: عرض کردم: معنای این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله چیست ای فرزند رسول خدا؟ حضرت فرمود: معنایش این است که شما امامان پس از من هستید؛ چرا که خداوند عزوجل می فرماید: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.» این آیه تا روز قیامت درباره ما جاری است.

۳. و عنه، قال: حدثنا محمد بن عمر، قال: حدثنا محمد بن الحسين، قال: حدثنا أحمد بن عثمان بن حكيم، قال: حدثنا شريح بن مسلمة، قال: حدثنا إبراهيم بن يوسف، عن عبد الجبار، عن الأعشى الثقفي، عن أبي صادق، قال: قال علي عليه السلام: هي لنا أو فينا هذه الآية: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً وَجَعَلْنَاهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (همو به نقل از: صدوق، ۱۴۱۷: ۳۸۳، ح ۲۶)

ابوصادق می گوید: امام علی علیه السلام فرمود: این آیه برای ما یا درباره ماست که می فرماید: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم.»

۴. در پایان روایت طولانی حکیمه که می گوید: «حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از من خواست در شب نیمه ماه شعبان نزد ایشان بمانم و ناظر ولادت حضرت حجت علیه السلام باشم»، آمده است:

۴. قالت حكيمه: فلما كان في اليوم السابع جئتُ فسلمتُ و جلست، فقال: هل مني إلي ابني! فجتت بسيدي في الحرفة، ففعل به كفعلته الأولى، ثم أدلى لسانه في فيه كأنه يغذيه لبناً أو عسلاً، ثم قال: تكلم يا بني! فقال: أشهد أن لا إله إلا الله، وتنتي بالصلاة على محمد و علي أمير المؤمنين و الأئمة - صلوات الله عليهم أجمعين - حتى وقف على أبيه عليه السلام، ثم تلا هذه الآية: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً وَجَعَلْنَاهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ نُرِي فُرْعُونَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِثْمَهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۱ (همو: ۲۵۰ به نقل از: صدوق، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۸۹، باب ۴۲، ح ۱)

حکیمه می گوید: روز هفتم آمدم و سلام کردم و نشستم. امام فرمود: پسر من را نزد من آورید. پس سرورم را که در پارچه ای پیچیده شده بود، به حضورش بردم. حضرت همان کاری را که بار اول (به هنگام ولادت)^۲ انجام داده بود، تکرار کرد. سپس زبان مبارکش را در دهان

۱. همین متن با تفاوت اندکی در تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۱ به نقل از الغيبة شیخ طوسی آمده است.
 ۲. پس از ولادت، حضرت دستور داد که بچه را بیاورید. آن گاه بچه را بلند کرد، به گونه ای که پاهای بچه روی سینه امام قرار گرفت و سپس امام زبان در دهان بچه گذاشت.

وی گذاشت، آن گونه که گویا به او شیر یا عسل می خوراند. سپس فرمود: سخن بگو ای فرزندم! فرزند گفت: «شهادت می دهم که جز الله خدایی نیست.» و در مرحله بعد بر محمد و بر امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام درود فرستاد. و چون به نام پدرش رسید، توقف کرد؛ آن گاه این آیه را تلاوت نمود: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، ممت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم. و به آنان در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از ناحیه آنان به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیانشان آن چه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم.»

۵. السيد الرضي في الخصائص، بإسناده عن سهل بن كهيل، عن أبيه في قول الله عزوجل: ﴿وَصَيَّرْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا﴾ قال: أحد الوالدين علي بن أبي طالب عليه السلام. وقال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: قال أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - : لَتَعْطِفَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَي وَلَدِهَا، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَي الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ...﴾ (همو: ۲۵۱، ج ۶ به نقل از: شریف رضی، ۱۴۰۶ و ۷ به نقل از: طبرسی، ۱۳۷۲ و ۱۱ و ۱۲ به نقل از: حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۴۱۳، ح ۱ و ۴۱۴، ح ۲. بخش مربوط به آیه سوره قصص به نقل از شریف رضی، ۱۳۷۰، کلمات قصار، ش ۹۹) ... امام صادق عليه السلام می فرماید: امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: دنیا پس از سرپیچی و امتناع و تن ندادن به ما توجه می کند، مانند توجه شتر ماده بدخلق به فرزندش. آن گاه امام قرائت کرد که: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، ممت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم...».

۶. الشيباني في كشف البيان، روي في أخبارنا عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام: إن هذه الآية مخصوصة بصاحب الأمر الذي يظهر في آخر الزمان ويبيد الجبارة والفراعنة ويملك الأرض شرقاً وغرباً فيملأها عدلاً كما ملئت جوراً؛ (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ۲۵۴، ح ۱۳ به نقل از: شیبانی، ۱۴۱۳)

در روایات ما از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده که این آیه ویژه امام عصر عليه السلام است که در آخرالزمان ظاهر می شود و گردن کشان و فراعنه را از هم می پاشد و غرب و شرق زمین را به تصرف درمی آورد و آن را پراز عدل می کند، آن گونه که پراز جور و ستم شده بود.

۷. الشيباني، روي عن الباقر والصادق عليهما السلام: إن فرعون و هامان هنا هما شخصان من جبارة قريش يحييهما الله تعالى عند قيام القائم من آل محمد عليه السلام في آخر الزمان فينتقم منهما بما أسلفاه؛ (همو: ۱۴ به نقل از: شیبانی، ۱۴۱۳)

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرعون و هامان در این جا دو فرد از گردن کشان قریش هستند که خداوند آن ها را به هنگام ظهور قائم آل محمد عليه السلام زنده می کند و از آنان در برابر آن چه قبلاً انجام داده اند، انتقام می گیرد.

این روایات در هر دو کتاب تفسیری البرهان و نورالتقلین آمده است؛ ولی در معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام روایت دیگری نیز وجود دارد:

۸. این روایت از الغیة شیخ طوسی (۱۴۱۱: ۱۸۴، ج ۱۴۳) نقل شده است:

عنه (محمد بن علي)، عن الحسن بن محمد القطعي، عن علي بن حاتم، عن محمد بن مروان، عن عبيد بن يحيى الثوري، عن محمد بن الحسين، عن أبيه، عن جده، عن علي عليه السلام في قوله تعالى: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ قال: هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم ويذل عدوهم؛ (گروه نویسندگان، ۱۳۸۶: ج ۷، ۴۵۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در ذیل گفته خدای متعال: «و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم» فرمود: آنان آل محمد هستند. خداوند مهدی آنان را پی از مشقت دیدنشان برمی انگیزد؛ پس آنان را عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل می سازد.

۹. روایتی طولانی است که در پایان آن آمده است:

قال سلمان: فشكرتُ الله كثيراً، ثم قلتُ: يا رسول الله! وإتي مؤجلاً إلي عهده؟ قال: فقراً قوله تعالى: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْداً مَفْعُولاً﴾ * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً﴾

قال سلمان: فاشتد بكائي وشوقي، ثم قلت: يا رسول الله! أبعهد منك؟ قال: إي، والله الذي أرسلني بالحق متي ومن علي وفاطمة والحسن والحسين والتسعة وكل من هو متا ومعنا ومضام فينا. إي والله يا سلمان، وليحضرن إبليس وجنوده وكل من محض الإيمان محضاً ومحض الكفر محضاً حتى يؤخذ بالقصاص والأوتار ﴿ولا يظلم ربك أحداً﴾ وذلك تأويل هذه الآية: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾

قال سلمان: فقممتُ من بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وما يبالي سلمان متى لقي الموت أو الموت لقيه؛ (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۳ به نقل از: طبری، ۱۴۱۳: ۲۳۴)

... سلمان می گوید: من خدا را بسیار سپاس گفتم. آن گاه عرض کردم: ای رسول خدا، من تا زمان امام دوازدهم [که فرمودید،] عمر می کنم؟ سلمان می گوید: حضرت این گفته خدای متعال را خواند که: «پس آن گاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرارسد،

بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جست‌وجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است. پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم.»

سلمان می‌گوید: گریه‌ام و شوقم شدت یافت. سپس گفتم: ای رسول خدا، این تعهدی از سوی شماست؟ حضرت فرمود: آری! به خدایی که مرا به حق فرستاد، تعهدی است از سوی من و از سوی علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر [امامان از فرزندان امام حسین علیهم‌السلام]. و هر کس که از ماست و با ماست و در ارتباط با ما ستم دیده است.

آری! به خدا سوگند ای سلمان، ابلیس و سربازانش و هر کس ایمانش را به کمال رسانده یا هر کس که کفرش را به کمال رسانده، حاضر می‌شوند تا قصاص شوند و به خون‌های ریخته‌شده اخذ گردند، «و پروردگار تو به احدی ستم نخواهد کرد». و این تأویل این آیه است که: «و ما اراده کرده‌ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم. و به آنان در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از ناحیه آنان به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیان‌شان آنچه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم.»

سلمان می‌گوید: من از نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخاستم، در حالی که سلمان دیگر باکی نداشت که هر زمان با مرگ دیدار کند یا مرگ با او دیدار کند.

در این جا دو روایت دیگر نیز هست که می‌تواند اشاره به این آیه شریفه باشد و در راستای روایات تفسیری این آیه مهدوی مطرح شود (نک: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۲، ح ۹ به نقل از: طبرسی، ۱۳۷۲ و ح ۱۶ به نقل از: قمی، ۱۳۶۷).

گفتنی است روایت دوم به هنگام نقل کلام طولانی علی بن ابراهیم قمی خواهد آمد؛ زیرا روایت دوم پایان بخش سخن علی بن ابراهیم قمی است. روایت اول نیز که در مجمع‌البیان آمده، شاید چکیده‌ای از همان روایت باشد. خوانندگان ارجمند خود مراجعه و بررسی می‌کنند.

اعتبار روایات

درباره اعتبار روایات و به‌ویژه روایات تفسیری در این سری مقالات و در دیگر مقالات سخن گفته‌ایم. ما بر مبنای بیشتر عالمان و فقیهان و محققان شیعه هستیم که اعتبار روایت را متوقف بر سند نمی‌دانند و از راه‌های متعدد و متنوع و با توجه به قرائن داخلی و خارجی به اعتبار روایت می‌رسند.

از دیدگاه آنان، خبر «موثوق به وثوقاً نوعیاً» حجیت و اعتبار دارد؛ چه این وثوق نوعی از

ناحیه وثاقت سند باشد و چه از ناحیه حضور قرائن داخلی و خارجی دیگر. روایات ما اصولاً و خصوص این روایات از این اعتبار به بهترین شکل برخوردارند؛ به ویژه که روایات تفسیری چون از قرآن سخن می گویند، مفسر قدرتمند تطابق و توافق آن را با مفاد قرآن می یابد و این برای اثبات صحت و اعتبار آن کافی است. این روایات در کتاب های معتبر و مشهور شیعه ذکر شده اند و مورد توجه عالمان بزرگ شیعی قرار دارند. افزون بر این در میان این مجموعه روایات، روایتی که از جهت سند نیز اعتبار داشته باشد وجود دارد؛ مانند روایت اول.

تحلیل آیه مهدوی با توجه به روایات تفسیری آن

پیش از آن که به نظر مفسر بزرگ، علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش درباره تحلیل این آیه و روایات آن بپردازیم و با نظر مؤلف گران قدر *تفسیر نورالتقلین* آشنا شویم و از نظریات عالمان و مفسران دیگر در این باره بهره گیریم، به آیه پنجم سوره قصص و آیات قبل و بعد آن به اجمال می پردازیم تا موقعیت آیه در قرآن و جایگاه آن روشن شود.

سوره قصص با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و حروف مقطعه «طسم» آغاز می گردد. سه سوره پشت سر هم تقریباً با این حروف مقطعه شروع می شوند که عبارتند از: شعراء، نمل و قصص که آن ها را «طواسین» می نامند. البته شروع سوره نمل با «طس» است و «میم» ندارد.

پس از آن خداوند می فرماید:

این آیات [باعظمت] کتاب روشنگر است. ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای [آگاهی] گروهی که ایمان می آورند، به درستی بر تو می خوانیم.

آن گاه خداوند داستان موسی عليه السلام و فرعون را این گونه آغاز می کند:

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه می داشت. او به یقین از مفسدان بود!

فرعون چنین کرد، اما اراده خداوند بر چیز دیگری است:

و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان [روی زمین] قرار دهیم و به آنان در زمین، قدرت

و تمکن بخشیم.

این هدف کلی و اساسی و اصلی خداوند است. سپس می‌افزاید:
و از ناحیه آنان به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیان‌شان آن چه را که از آن بیمناک
بودند نشان دهیم.

در این جا از این نکته مهم پرده می‌گیریم که آیه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي
الْأَرْضِ...» در ابتدا به اوج این جریان توجه دارد که خداوند در پایان دنیا نسل پیامبر را - که از
سوی مستکبران و مردمشان ضعیف شمرده می‌شدند - امامان و حاکمان قرار می‌دهد و آنان را
وارثان زمین می‌سازد و به آنان در زمین قدرت و سلطه می‌بخشد. خداوند می‌خواهد چنین
اوجی را در دنیا و پایان آن پدید آورد.

با این توجه است که می‌افزاید: «و نُرِيدُ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ». بنابراین ممکن است ابتدای آیه به اوج اشاره داشته باشد؛ به پایان دنیا و حکومت
جهانی و گستره فراگیر و سپس با جمله پایانی آیه ششم به جریان حکومت موسی عليه السلام و پیروزی
او بر حکومت فرعون، واژه «أئمة» به معنای امامان با این اوج بیشتر سازگار است. همچنین
واژه «وارثین» که درست در پایان دنیا وارثان زمین می‌شوند و نیز گستردگی و فراگیری آن با آن
حکومت پایانی دنیا مناسب‌تر است. حتی تعبیر «و نريد أن نمُنَّ» نیز با این نظر سازگارتر است تا
نظر دوم.

بدین شکل، آیه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» به آن واقعیت پایانی اشاره دارد. در پایان آیه ششم نیز
به پیروزی حکومت موسی عليه السلام بر حکومت فرعون و تحقق آن چه فرعون از آن بیم داشت،
اشاره می‌کند؛ چرا که این نیز نمودی از آن اوج والا است.

آیه درباره آن اوج است؛ ولی این موارد محدودتر نیز گویا در دل او جا دارد. گرچه باز
می‌توان جمله پایانی را هم به همان اوج مربوط دانست و فرعون و هامان را کنایی گرفت. در
نتیجه مقصود خداوند آن اوج است و اراده آن را دارد و البته موارد ریزتر نیز در راستای آن اوج و
نمودی کوچک‌تر از آن قرار دارد.

این به منزله بینش نسبت به تفسیر این آیه است که با برخی از روایات که آیه را منحصر در
امامان می‌بیند، سازگار است و بدین شکل تحلیل آیه زیباست و شاید منظور علی بن ابراهیم
قمی دقیقاً همین، یا چیزی در این راستا و نزدیک به این باشد. قطعاً وی از جانب خود
نمی‌گوید و بر پایه روایات تفسیری امامان عليهم السلام نظر می‌دهد و شاید این تفسیر را از روایاتی به

مانند روایت شش و هفت گرفته باشند.

اما این که آیه مربوط به بنی اسرائیل و درباره آنان باشد و بر حکومت جهانی پایان دنیا به عنوان تأویل - که همان تطبیق به مصداق دیگر یا به عنوان باطن قرآن - تطبیق شود، آن گونه که مفسر بزرگ صاحب *تفسیر نورالثقلین* گفته است، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ بلکه این نظریه درست در برابر نظر اول است.

در این میان دیدگاه سومی نیز مطرح می‌شود که دیدگاهی میانه و معتدل به شمار می‌آید و آن این که این آیه به عموم خود باقی باشد و همه موارد مستضعفان عالم را که به حکومت برسند و زمین را - ولو محدود - به ارث ببرند، دربر گیرد. همچنین مصداق حکومت پایانی دنیا یک مصداق، و مصداق حکومت موسی علیه السلام و پیروزی آن بر فرعون یک مصداق باشد. این نظریه نیز طرف داران بیشتری پیدا خواهد کرد.

هم اکنون پس از توجه به این سه دیدگاه در تفسیر این آیه و پذیرش دیدگاه اول یا سوم، تفسیر آیه و تطبیق آن با حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در پایان دنیا و حکومت امامان اهل بیت علیهم السلام در رجعت کاملاً گویا و روشن است و تفسیر به ظاهر و تنزیل است، نه تفسیر به باطن و تأویل.

به همین اندازه بسنده می‌کنیم و - آن گونه که وعده داده بودیم - در این جا به نقل کلام طولانی علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش می‌پردازیم. ایشان می‌نویسد:^۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * طَسَمَ * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» ثم خاطب الله نبيه عليه السلام فقال: «تَلُّوا عَلَيَّكَ - يَا مُحَمَّد - مِنْ نَبِيِّ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ»، إلى قوله: «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»، فأخبر الله نبيه بما لقي موسى وأصحابه من فرعون من القتل والظلم ليكون تعزية له فيما يصيبه في أهل بيته من أمته، ثم بشره بعد تعزيتيه أنه يتفضل عليهم بعد ذلك و يجعلهم خلفاء في الأرض وأئمة على أمته ويردهم إلى الدنيا مع أعدائهم حتى ينتصفوا منهم فقال: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنَّ هُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا» وهم الذين غصبوا آل محمد حقهم، وقوله «مَنْهُمْ» أي: من آل محمد «مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» أي: من القتل والعذاب.

۱. علی بن ابراهیم قمی با بیان دیدگاه خود در تفسیر این آیه، قدرت تفسیری خویش را نشان داده و نام خود را در فهرست مفسران بزرگ ثبت کرده است.

ولو كانت هذه الآية نزلت في موسى وفرعون لقال: ونري فرعون وهامان وجنودهما منه ما كانوا يحذرون، أي: من موسى، ولم يقل «مَنْهُمْ»، فلما تقدم قوله «وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» علمنا أن المخاطبة للنبي ﷺ وما وعد الله به رسوله، فإنما يكون بعده، والأئمة يكونون من ولده، وإنما ضرب الله هذا المثل لهم في موسى وبني إسرائيل وفي أعدائهم بفرعون وهامان وجنودهما، فقال: إن فرعون قتل بني إسرائيل وظلم من ظلمهم فأظفر الله موسى بفرعون وأصحابه حتى أهلكهم الله، وكذلك أهل بيت رسول الله ﷺ أصابهم من أعدائهم القتل والغصب ثم يردّهم الله ويردّ أعداءهم إلى الدنيا حتى يقتلوهم.

وقد ضرب أمير المؤمنين عليه السلام مثلاً مثل ما ضربه الله لهم في أعدائهم بفرعون وهامان، فقال: «يا أيها الناس! أول من بغى على الله عزوجل على وجه الأرض عناق بنت آدم عليه السلام، خلق الله لها عشرين إصبعا لكل إصبع منها ظفران طويلان كالمخالبين العظيمين، وكان مجلسها في الأرض موضع جريب، فلما بغت بعث الله لها أسدا كالفيل وذئبا كالبعير ونسرا كالحمار وكان ذلك في الخلق الأول، فسلبهم الله عليها فقتلوا، ألا وقد قتل الله فرعون وهامان وخسف الله بقارون.»

وإنما هذا مثل لأعدائه الذين غصبوا حقه فأهلكهم الله، ثم قال علي عليه السلام على أثر هذا المثل الذي ضربه: «وقد كان لي حق حازه دوني من لم يكن له، ولم أكن أشركه فيه، ولا توبة له إلا بكتاب منزل وبرسول مرسل، وأتى له بالرسالة بعد رسول الله ﷺ ولا نبي بعد محمد ﷺ وكذلك مثل القائم عليه السلام في غيبته وهربه واستناره مثل موسى عليه السلام خائف مستتر إلى أن يأذن الله في خروجه وطلب حقه وقتل أعدائه في قوله: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ تُلِمُّوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ»

وقد ضرب الحسين بن علي عليه السلام مثلاً في بني إسرائيل بذلتهم من أعدائهم: حدّثني أبي، عن النضر بن سويد، عن عاصم بن حميد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لقي المنهال بن عمرو علي بن الحسين بن علي عليه السلام، فقال له: كيف أصبحت يا بن رسول الله؟ قال: ويحك! أما أن لك أن تعلم كيف أصبحت؟ أصبحت في قومنا مثل بني إسرائيل في آل فرعون يذبحون أبناءنا ويستحيون نساءنا، وأصبح خير البرية بعد محمد يُلعن على المنابر، وأصبح عدونا يعطى المال والشرف، وأصبح من يحبنا محقورا منقوصا حقه، وكذلك لم يزل المؤمنون وأصبحت العجم تعرف للعرب حقها بأن محمدا كان منها وأصبحت قريش تفتخر على العرب بأن محمدا كان منها، وأصبحت العرب تعرف لقريش حقها بأن محمداً كان منها، وأصبحت العرب تفتخر على العجم بأن محمداً كان منها، وأصبحتنا

أهل البيت لا يُعرف لنا حق، فهكذا أصبحنا يا منهال!

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، طاسین میم، این آیات کتاب روشنگر است. سپس خداوند خطاب به پیامبرش کرده و می‌گوید: ای محمد، از جریان موسی و فرعون بر تو می‌خوانم. [تا این جای سخن خداوند] که فرعون از فسادکاران بود. پس خداوند به پیامبرش از قتل و ستمی که موسی و یارانش از فرعون دیدند خبر داد تا تسلی‌ای باشد برای پیامبر درباره آن چه به اهل بیت او از امتش می‌رسد. سپس خداوند به پیامبرش پس از تسلی او بشارت داده که فضلش شامل حال اهل بیت او پس از آن می‌شود و آنان را در زمین خلیفه و امام برامت او قرار می‌دهد و آنان را به همراه دشمنانشان به دنیا بازمی‌گرداند تا از آنان حق خویش را بگیرند. و خداوند فرمود: «ما اراده داریم که بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند، منت نهیم و آنان را امامان و وارثان زمین قرار دهیم. و به آنان در زمین قدرت دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان نشان دهیم، همان‌ها که حق آل محمد را غصب کردند. و گفته‌اند خداوند «از آنان» یعنی از آل محمد «آن چه را که از آن می‌ترسیدند»، یعنی از قتل و عذاب.

و اگر این آیه درباره موسی علیه السلام و فرعون نازل شده بود،^۱ خداوند فرموده بود: و به فرعون و هامان و لشکریانشان از او آن چه را می‌ترسیدند، نشان دهیم؛ یعنی از موسی، و نمی‌فرمود: «از آنان». پس چون این گفته‌اند خداوند مقدم آمده که «ما اراده داریم که بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند، منت نهیم و آنان را امامان و وارثان زمین سازیم» می‌فهمیم که خطاب و گفت‌وگو با پیامبر صلی الله علیه و آله است و آن چه که خداوند به پیامبرش وعده داده، تنها پس از او خواهد بود و امامان از نسل پیامبرند. و تنها خداوند این مثل را برای آنان در موسی علیه السلام و بنی اسرائیل و درباره دشمنانشان به فرعون و هامان و لشکریان این دو زده و فرموده است: فرعون بنی اسرائیل را کشت و به آن‌ها ستم کرد؛ پس خداوند موسی را بر فرعون و یارانش پیروز ساخت تا آن که خداوند آنان را نابود کرد. و همین‌طور به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی دشمنانشان قتل و غصب رسید. پس از آن خداوند آنان را برمی‌گرداند و دشمنانشان را به دنیا برمی‌گرداند تا آنان را نابود سازند.

و امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز مثلی زده به مانند مثلی که خداوند برای اهل بیت علیهم السلام درباره دشمنانشان به فرعون و هامان زده است. حضرت فرموده است: ای مردم، نخستین کسی که در زمین در برابر دستور خداوند عزوجل فساد و ستم و تجاوز کرد، عناق - دختر حضرت آدم علیه السلام - است. خداوند برای او بیست انگشت آفرید و هر کدام از آن‌ها دو ناخن بلند به سان دو چنگال بزرگ داشت و جای نشستن او در زمین به اندازه سی متر درسی متر بود. پس او فساد و تجاوز کرد. خداوند برای او شیری را به مانند فیل، و گرگی را به

۱. از این تعبیر کاملاً مشهود است که علی بن ابراهیم شأن نزول آیه و مورد آن را اهل بیت علیهم السلام می‌داند.

مانند شتر، و بازی را به مانند الاغ برانگیخت، و همه این‌ها در آفرینش اوّل بود. پس خداوند آن‌ها را بر عناق مسلط ساخت و آن‌ها او را کشتند.

آگاه باشید! خداوند فرعون و هامان را کشت و قارون را فرو برد. و این مثلی برای دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام است که حق وی را غصب کردند و خداوند آنان را به هلاکت رساند.

سپس امیرمؤمنان علی علیه السلام در پی این مثل فرمود: و برای من حقی بود که کسی این حق را نداشت و من او را در آن شریک خود نکرده بودم. آن را مالک شد و مانع من شد. او توبه‌ای ندارد، مگر آن که کتابی نازل شود و رسولی فرستاده گردد. و کجا او پس از رسول خدا به رسالت دست یابد با این که پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبری نیست؟! و همین‌طور مثل حضرت قائم علیه السلام در غیبت و فرار و پنهان شدنش مانند مثل موسی علیه السلام است؛ حضرت ترسان و پنهان است تا آن که خداوند اذن خروج و پی‌گیری حق و کشتن دشمنانش را به او بدهد. در این گفته خدا که: «به آن‌ها که جنگ بر آن‌ها تحمیل می‌شود، رخصت جهاد و نبرد داده شده؛ زیرا به آنان ستم شده، و البته خداوند بر یاری آن‌ها کاملاً تواناست. آنان که از خانه‌های خود به ناحق اخراج شدند.» (حج: ۳۹)

و حضرت امام حسین علیه السلام مثلی را درباره بنی اسرائیل زده با این دلتی که آنان از دشمنانشان دیدند. پدرم از نضر بن سوید از عاصم بن حمید از امام صادق علیه السلام برایم روایت کرد که حضرت فرمود: منهال بن عمرو با امام سجاد علیه السلام دیدار کرد. به امام گفت: در چه حالی هستی ای فرزند رسول خدا؟ حضرت فرمود: وای بر تو! آیا وقت آن نشده است که بدانی من در چه حالی هستم؟ ما در میان قوم خود به مانند بنی اسرائیل در میان آل فرعون هستیم. پسران ما را می‌کشند و زنان ما را زنده نگاه می‌دارند و بهترین خلق خدا پس از پیامبر بر روی منبرها لعن می‌شود و مال و شرافت به دشمن ما داده می‌شود و هر کس که ما را دوست دارد، حقیر شمرده و حقش کم گذاشته می‌شود و پیوسته مؤمنان چنین هستند.

عجم حق عرب را می‌شناسد؛ چون محمد صلی الله علیه و آله از عرب بوده است و قریش بر عرب افتخار می‌کند؛ چرا که محمد صلی الله علیه و آله از قریش است، و عرب حق قریش را می‌شناسد که محمد صلی الله علیه و آله از قریش است. و عرب بر عجم افتخار دارد که محمد صلی الله علیه و آله از اوست. ولی حق ما اهل بیت شناخته نمی‌شود. ای منهال! ما در این گونه حالی هستیم.^۲

۱. شاید این‌جا اشتباهی در نسخه رخ داده که آمده «حسین بن علی» و صحیح علی بن الحسین یعنی امام سجاد علیه السلام باشد و شاید ضرب (به صیغه مجهول) خواند شود.

۲. علی بن ابراهیم - این مفسر بزرگ - در این جای تفسیرش سنگ تمام گذاشته و قدرت تفسیری خویش را به نمایش نهاده است؛ و همان گونه که از کلام شیخ طوسی رحمته الله علیه در تبیان استفاده می‌شود، جمعی به این نظر علی بن ابراهیم بر پایه روایات رسیده‌اند و گفته‌اند که آیه در شأن حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است. بنابراین نه علی بن ابراهیم در پذیرش این تفسیر تنهاست و نه این گونه است که این تفسیر برگرفته از روایات نباشد.

اکنون پس از آشنایی اجمالی با دیدگاه تفسیری علی بن ابراهیم در این آیه، به دیدگاه عروسی حویزی - مفسر بزرگ و مؤلف تفسیر نورالتقلین - می پردازیم. ایشان پس از ذکر بخش عمده سخن علی بن ابراهیم در مقام نقد می نویسد:

قال مؤلف هذا الكتاب - عفى عنه - : يمكن إرادة موسى وفرعون وإرادة أهل البيت و أعدائهم، وما قيل: إنه مانع لا منع فيه كما يظهر بأدنى تأمل على إرادة كل من المعنيين في الظاهر والباطن، كما نطقت به الأخبار الكثيرة عنهم عليه السلام، وقد ذكرنا في هذا الكتاب من ذلك ما فيه كفاية لمن تتبعه، ووقف على طريقهم عليه السلام، ويؤيد ذلك ما رواه في الكافي بإسناده إلى حفص بن غياث، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا حفص! إن من صبر قليلاً، وإن من جزع جزع قليلاً، إلى أن قال: ثم بشر في عترته بالأئمة ووصفوا بالصبر فقال جل ثناؤه: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده: ۲۴) فعند ذلك قال عليه السلام: الصبر من الإيمان كالرأس من الجسد، فشكر الله عزوجل ذلك له، فأنزل الله عزوجل: «وَوَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف: ۱۳۷).

فقال عليه السلام: إنه بشرى وانتقام، مع ما رواه في أصول الكافي في كتاب فضل القرآن مسنداً عن رسول الله عليه السلام من قوله، وقد ذكر القرآن وله ظهر و بطن، فظاهره حكم و باطنه علم، ظاهره أنيق و باطنه عميق؛

مؤلف این کتاب - که مورد عفو الهی باشد - می گوید: می توان هم موسی و فرعون، و هم اهل بیت و دشمنان را با هم منظور داشت. و آن چه گفته شده است که مانع از این دو منظوره بودن باشد، در حقیقت مانع نیست؛ آن گونه که با کمترین تأمل آشکار می گردد. البته بر پایه این که هر دو معنا منظور باشد در ظاهر و باطن (یکی در ظاهر و دیگری در باطن)، آن گونه که روایات بسیاری از امامان عليه السلام به آن گویاست و ما در این کتاب از این روایات به اندازه ای آورده ایم که برای هر کس که بخواهد آن ها را پی گیری کند و بر شیوه و طریقه امامان عليه السلام واقف گردد، کافی است.

مؤید این مطلب روایت است که در کافی با سندش تا حفص بن غیاث آورده است که حفص می گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ای حفص، هر کس که صبر کند، مدت کمی صبر کرده است، و هر کس که بی تابی کند، مدت کمی بی تابی کرده است... تا آن جا که حضرت می فرماید: سپس خداوند بشارت داد که در عترت پیامبر امامانی خواهند بود و آن امامان به صبر توصیف شوند، و خداوند - جل ثناؤه - فرمود: «و از آنان امامانی قرار دادیم که به دستور ما هدایت می کنند، از آن رو که صبر ورزیدند و آیات ما را باور داشتند.»

این جا حضرت رسول ﷺ فرمود: صبر نسبت به ایمان به سان سر نسبت به تن است. پس خداوند پاداش این را به پیامبر داد و نازل کرد که: «و سخن نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل [وعده پیروزی به آن‌ها] به پاداش صبر آنان کاملاً تحقق یافت و آن چه را که فرعون و قومش می ساختند (از خانه و قصر و مناره) و آن چه را داربست می زدند (از تاک‌ها) ویران و نابود کردیم.» پس پیامبر ﷺ فرمود: این بشارت و انتقام است. به علاوه روایتی که در اصول کافی کتاب فضل القرآن با اسناد از رسول خدا ﷺ آورده است که حضرت به هنگامی که از قرآن یاد کرد، فرمود: قرآن ظهر و بطن دارد؛ پس ظاهر آن حکم است و باطن آن علم است؛ ظاهر آن زیبا و باطن آن عمیق و ژرف است.

همان گونه که می نگرید، مؤلف نورالتقلین ظاهر آیه را درباره بنی اسرائیل دانسته و باطن آیه را درباره حضرت مهدی ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام و این گونه نیست که نظریه سوم، یعنی نظریه میانه و معتدل را پذیرفته باشند که منظور آیه عام باشد و همه موارد را دربر گیرد. سپس مؤلف تفسیر نورالتقلین باقی مانده کلام علی بن ابراهیم در تفسیرش را تا پایان می آورد. در ادامه بحث به نقل اقوال دیگر مفسران می پردازیم. تحلیل‌ها و بیان‌های این بزرگان نیز ما را یاری می دهد.

۱. شیخ طوسی در تفسیر تبیان می نویسد:

ثم وعد تعالی، فقال: «وَوُرِّدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ» وهو عطف على قوله: «يَسْتَضَعُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ» ونحن نريد أن نمن. وقال قتادة: يعني من بني اسرائيل «وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً» يقتدى بهم «وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» لمن تقدمهم من قوم فرعون. و روى قوم من أصحابنا أن الآية نزلت في شأن المهدي ﷺ وأن الله تعالى يمن عليه بعد أن استضعف، ويجعله إماماً مكمناً، ويورثه ما كان في أيدي الظلمة. (طوسی، بی تا: ج ۸، ۱۲۹)

و در همان تفسیر ذیل آیه ۶ می نویسد:

ثم بيّن أنه تعالی «يري فرعون و هامان و جنودهما منهم» يعني من بني اسرائيل «مَا كَانُوا يَحْدَرُونَ» من زوال ملكهم على يد رجل من بني اسرائيل، ولذلك ذبح فرعون أبناءهم.

و من قال: إن الآية في شأن المهدي ﷺ حمل فرعون و هامان على فرعون هذه الأمة و هامانها، والكناية في «مَنْهُمْ» عائدة على أنصار المهدي ﷺ، قالوا: وهذه أولى، لأنه بلفظ الاستقبال، لأن في أوله النون أو الياء على اختلاف القراءتين و

هما للمضارعة. (همو: ۱۳۰)

۲. علامه طباطبایی رحمته الله در بحث روایی پس از نقل روایت معانی الأخبار (روایت ۲) می نویسد:
أقول: والروایات من طرق الشيعة في كون الآية في أئمة أهل البيت عليهم السلام كثيرة، وبهذه الرواية يظهر أنها جميعاً من قبيل الحري والانتطابق. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۱۵)
می گویم: روایات از طرق شیعه در این باره که آیه درباره امامان اهل بیت عليهم السلام باشد، فراوان است و با این یک روایت - که ما آوردیم - روشن می شود که همه روایات از قبیل حری و تطبیق است [نه تفسیراً].

ایشان سپس روایت نهج البلاغه (روایت ۵) را می آورد.

دیدگاه ما

دیدگاه علامه طباطبایی درباره آیه به دیدگاه مؤلف بزرگوار نورالثقلین نزدیک تر است.
۳. در تفسیر کنز الدقائق در کنار روایات، دیدگاه صاحب تفسیر نورالثقلین - که ظاهر و باطن باشد - را مطرح می سازد و آن را می پذیرد. ایشان در نقل قرائت دوم در «وَنُرِي» این گونه آورده است: «و یرى».

نگاهی به تفاسیر اهل سنت درباره این آیه

۱. کشاف آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ» را عطف بر «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ» می شمرد و عطف بر «تَنَلُّوا» و «يَسْتَضْعِفُ» را درست نمی داند، و جمله «وَنُرِيدُ» را حکایت حال گذشته می داند و البته می گوید می تواند حال از «يَسْتَضْعِفُ» باشد، أي: يستضعفهم فرعون و نحن نريد أن نمُنَّ عليهم (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۹۲).

۲. طبری در تفسیر جامع البیان آیه را دقیقاً به بنی اسرائیل تفسیر می کند، گویا معنای دیگری نمی تواند داشته باشد. همچنین آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» را عطف به جمله «يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ» می گیرد و در «نُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ» دو قرائت می آورد: یکی «نُري» و دیگری «یرى» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۰، ۱۹).

۳. تفسیر روح المعانی و تفسیر فخر رازی نیز آیه را با بنی اسرائیل تفسیر می کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ۲۵۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۴، ۵۷۸).

نتیجه

درباره آیه مهدوی سوره قصص چهار نظر تفسیری وجود دارد:

۱. آیه مربوط به بنی اسرائیل است؛

۲. ظاهر آیه مربوط به بنی اسرائیل، ولی تأویل یا باطن آن - که این دو متفاوتند - درباره امام مهدی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام است (درباره حضرت مهدی علیه السلام در پایان دنیا و درباره دیگر امامان علیهم السلام در رجعت پس از حکومت حضرت مهدی علیه السلام).

۳. آیه تعمیم دارد، عام است ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ هر دو مورد را می گیرد (هم بنی اسرائیل و هم امامان علیهم السلام حضرت مهدی علیه السلام در پایان دنیا و امامان دیگر در رجعت پس از حکومت حضرت مهدی علیه السلام).

۴. آیه ویژه اوج آن است که همان حکومت حضرت مهدی علیه السلام و امامان علیهم السلام است.

نظریه نخست مورد توجه مفسران اهل سنت است؛

نظریه دوم مورد توجه بسیاری از مفسران و عالمان شیعه است؛

نظریه سوم مورد توجه برخی از عالمان و مفسران شیعه است؛

نظریه چهارم مورد توجه عده کثیری از عالمان و مفسران شیعه مانند علی بن ابراهیم قمی است.

گفتنی است در نظریه دوم شأن نزول مربوط به بنی اسرائیل است، آن گونه که در نظریه اول بود؛ ولی در نظریه سوم شأن نزول عام است و در نظریه چهارم شأن نزول ویژه امام مهدی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام است.

منابع

- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *خصائص الأئمة*، تحقیق: محمدهادی امینی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية الآستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۰۶ق.
- _____، *نهج البلاغة*، قم، دار الذخائر، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- شیبانی، محمد بن حسن، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *الامالی*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۶۳ش.
- _____، *معانی الاخبار*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۷۹ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- طبری (شیعی)، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- _____، *الغیة*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- گروه نویسندگان، *معجم احادیث الامام المهدي* علیه السلام، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۶ش.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۸

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش‌های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

صلوات و دعا برای فرج

سید ابوالفضل موسوی آقداش *

چکیده

دعا برای فرج از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت است و از آن‌جا که صلوات به عنوان شعار شیعه مطرح می‌شود می‌تواند بهترین محمول دعا برای فرج باشد. مؤید این عمل ادعیه و زیاراتی است که در آن‌ها پس از ذکر صلوات، دعا برای فرج آل محمد علیهم‌السلام و حضرت مهدی علیه‌السلام ذکر شده است. در این نوشتار، در سه بخش با عناوین «چگونگی دعا برای فرج»، «آثار و برکات صلوات و دعا برای فرج» و «ضرورت ذکر صلوات با "عجل فرجهم"» تلاش شده است با ذکر روایات مطرح در این زمینه، گامی برای فراگیر کردن ذکر صلوات با «عجل فرجهم» برداشته شود تا با آشکار شدن ضرورت این کار، کم‌کم نهضتی فراگیر در این راستا به وجود آید تا توانسته باشیم گامی عملی برای زمینه‌سازی فراگیر و عاشقانه برداریم.

واژگان کلیدی

فرج، دعا، صلوات، امام مهدی علیه‌السلام، آل محمد علیهم‌السلام.

مقدمه

دعا به هر شکلی و زبانی که باشد در درگاه ربوبی مورد پذیرش است و لازم نیست با کیفیت یا آداب خاصی باشد. البته اگر با رعایت آداب خاص و با استفاده از کلمات و عباراتی پرمحتوا باشد، به یقین افضل خواهد بود؛ حتی در قنوت نماز واجب نیز برخی از مراجع اجازه داده‌اند تا به هر زبان و هر روشی دعا خوانده شود و ضرورتی ندارد که به زبان عربی باشد؛ هر چند ثواب دعاهای وارد شده از اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر است.^۱

امتیاز خاص شیعه نسبت به دیگر مذاهب و ادیان این است که ادعیه وارد شده از حضرات معصومین علیهم‌السلام بهترین وسیله برای دعاست و شیعه با بهره‌مندی از این گنجینه ارزشمند معنوی به زیباترین شکل و صورت به درگاه حضرت حق التجا می‌کند و با این کلمات و جملات دُرربار، خواسته‌های خود را ابراز می‌دارد. در این میان، صلوات نیز دعایی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام ما را از کیفیت مطلوب آن آگاه ساخته‌اند و در اختیار تشنگان معارف خود قرار داده‌اند.

همچنین دعا برای فرج اهل بیت علیهم‌السلام و ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام نیز جزو آن دسته از دعاهایی است که ائمه علیهم‌السلام به ضرورت آن و آثار و برکاتش و تلاش برای گسترش آن اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. از جمله نمونه‌های آشکار آن هم دعا برای فرج، همراه با دعای مستجاب شده صلوات است. البته روشن است که با وجود انکار و مخالفت برخی از افراد غافل و گاه معاند با چنین دعاهایی، هرگز لازم نیست امر به دعای تعجیل فرج همراه با صلوات در روایات ذکر شده باشد، بلکه هر دو، دعایی هستند که می‌توان جدا به جا آورد؛ اما با کمال افتخار می‌بینیم که در منابع معتبر، کیفیت صلوات و دعا برای فرج با لفظ «عجل فرجهم» آمده است؛ هر چند برخی از این ادعیه به زمان و مکانی خاص اختصاص ندارد، اما برای مآثور بودن کافی است.

البته گفتنی است تمام دعاها را می‌توان رجاء (به امید رسیدن به ثواب بیشتر)، در هر زمان و مکانی خواند؛ چرا که دعا، طلب حاجت و نیاز به درگاه خداوند بی‌نیاز است و خداوند هم برای شنیدن دعاهای بندگانش زمان و مکان مشخص نکرده و فرموده است:

۱. «اظهر جواز قنوت به غیر عربی است و باید به هر لغتی که می‌خواند صحیح بخواند» (نک: راشدی، ۱۳۸۳، ۲۷۴، ذیل مسئله ۱۱۲۰ از آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله‌علیه)؛ «دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد، بلکه هر دعایی را در قنوت می‌توان به هر زبانی خواند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: پاسخ سؤال ۴۸۸).

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ (غافر: ۶۰)

[پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.]

و نیز می فرماید:

﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي﴾؛ (بقره:

۱۸۶)

هر گاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می کنم.

البته برخی از زمان ها یا مکان ها فضیلت خاصی دارند و دعا در آن موقعیت ها سریع تر به اجابت می رسد. برای مثال، در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شد است:

درهای آسمان در چهار مورد باز می شود (دعا مستجاب می شود): هنگام نزول باران، هنگامی که فرزند به سیمای پدر و مادرش نگاه می کند، وقتی که در کعبه باز می شود، زمان عقد ازدواج. (شعیری، بی تا: ۱۰۱)

الف) انواع دعا برای فرج

با توجه به ادعیه وارد شده درباره دعا برای فرج و همراهی کردن یا همراهی نکردن آن ها با ذکر شریف صلوات، می توان دعاهایی را که برای فرج حضرت مهدی ﷺ ذکر شده است در دو بخش کلی ذکر کرد:

۱. دعاها و زیارات مربوط به فرج آل محمد ﷺ و تعجیل در ظهور حضرت حجت ﷺ

در توقیع شریفی از حضرت مهدی ﷺ وارد شده است:

وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۷۱)

برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید؛ زیرا گشایش کارهای شما در آن است.

در دعای عهد - که از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است - عاشقان مهدی علیه السلام با سوز و گداز زمزمه می کنند:

اللَّهُمَّ ارْنِي الظَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ... وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ (قمی، ۱۳۷۸: دعای عهد)

بارخدا، آن چهره ارجمند را به من بنمایان... در فرج او تعجیل کن و ظهورش را آسان نما.

امام صادق علیه السلام در دعایی برای تعجیل در نصرت و یاری آل محمد و ولی آنان دعا می کند و

از خداوند خواری و زبونی سریع دشمنانشان را طلب می نماید:

عَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِيَّيْهِمْ وَاخْرُجْ عَنْهُمْ عَاجِلًا. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۳۵۵)

۲. ادعیه یا زیاراتی برای فرج اهل بیت علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام پس از ذکر صلوات

این قسم از دعاها را نیز می توان به دو صورت زیر معرفی کرد:

یکم. ادعیه و زیاراتی برای زمان یا مکانی خاص

دعا برای تعجیل فرج در عید قربان و روز جمعه: امام سجاد علیه السلام در دعای چهل و هشتم صحیفه برای عید قربان و روز جمعه، پس از اشاره به غصب حق وصایت و امامت اهل بیت علیهم السلام ابتدا بر دشمنان آنان لعن و نفرین خدا را طلب می کند و سپس با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام خواستار تعجیل در فرج و نصرت اهل بیت علیهم السلام می شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ... وَعَجِّلِ الْفَرَجَ وَالتَّوْحَّ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ. (منسوب به امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۲۳۸، دعای ۴۸؛ حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳۵۰)

سجده شکر تعقیبات نماز ظهر: در باب کیفیت خواندن ۵۱ رکعت در یک شبانه روز آمده است: نمازگزار بعد از نماز ظهر پس از صلوات، حوایج خود را بخواهد و دو سجده شکر به جا آورد و در سجده شکر بگوید:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ ... لَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸)

خدایا، به تو رو کرده ام و به دامن رحمت تو چنگ می زنم... خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج آن ها تعجیل فرما!

اعمال پنجشنبه و جمعه: در معوذات روز پنجشنبه آمده است:

مستحب است در این روز به جزمعوذات وارد شده، سوره قدر و این صلوات را صد مرتبه بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْحَيِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ». (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۴۱ - ۱۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۷، ۲۱۵ - ۲۱۶، ج ۴۳)

در اعمال روز جمعه، صلوات و دعا برای فرج صد مرتبه ذکر شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (کفعمی، ۱۴۱۸: ۷۱ - ۷۲؛ همو، ۱۴۰۵: ۴۲۰ - ۴۲۱)

اعمال ماه مبارک رمضان: در باب دعا بین رکعات نماز - که در دهه آخر شب های ماه مبارک رمضان خوانده می شود - آمده است:

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي؛^۱ (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۷۷-۷۸)

در تسبیح ده جزئی که برای روزهای مبارک رمضان آمده است، می خوانیم:

سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ السَّمِ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا ظَلَعَتْ شَمْسٌ ...

سپس صلوات بر هر یک از ائمه علیهم السلام جداگانه ذکر شده و پس از صلوات بر همه امامان آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُ. (کفعمی، ۱۴۱۸: ۲۲۷-۲۳۱)

در این دعا افزون بر صلوات بر ائمه علیهم السلام برای دوستانشان نیز دعا می کند و به صورت خاص، فرج آخرین ذخیره الهی را مسئلت می نماید.

ادعیه سحرگهان: کفعمی برای سحرها دعایی به نام «حریق» ذکر کرده است که بعد از جملات نخستین آن، پس از هر چند جمله، ذکر صلوات تکرار شده است. در جملات آخر دعا صلوات و دعای برای فرج اهل بیت علیهم السلام و همه مؤمنان یک جا نقل می شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجِي وَفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. (همو: ۵۵-۵۹؛ همو، ۱۴۰۵: ۷۲-۷۸؛ حر عاملی، ۱۳۶۲: ۳۱۳)

دعاهای روز عاشورا: عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت بسیار محزون بود و پس از اشاره به مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام زیارتنامه ای یادم داد که در جملاتی از آن آمده است:

اللَّهُمَّ وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُتَافِقِينَ.

ادعیه روز عرفه: امام صادق علیه السلام در فرازهای پایانی دعایی که پس از نماز ظهر و عصر در روز عرفه از ایشان نقل شده، بعد از درود بر محمد و آل اش، فرج آنان را مسئلت می نماید:

۱. «الدُّعَاءُ بَيْنَ الرِّكَعَاتِ العَشْرَةِ المَزِيدَةِ عَلَى العِشْرِينَ فِي العَشْرِ الأَوَاخِرِ» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۱)، باب الدعاء بین الرکعات؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۵، ۵۱)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ ... اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَ
الْفَرْجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۶۹ - ۳۷۵؛ مجلسی، ۱۴۲۳: ۱۸۲ - ۱۸۹)

زیارتنامه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام: در زیارت امام جواد علیه‌السلام آمده است که بعد از نماز زیارت، تسبیح
حضرت زهرا علیها‌السلام را به جا آور و سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّيكَ نَصَبْتُ يَدِي ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرْجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ
وَلِيِّكَ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا.

همچنین در زیارتنامه امام هادی و امام حسن عسکری علیهما‌السلام در سامرا آمده است:

أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاكُمْ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرْجَ وَلِيِّكَ وَ
ابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرْجَنَا مَعَ فَرْجِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۰۷، باب زیارت
عسکریین علیهم‌السلام؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۳ - ۳۱۴)

خداوند بهره‌ی زیارت مرا صلوات بر محمد و آلش قرار دهد ... خدایا، فرج امام عصر علیه‌السلام را
برسان و فرج و گشایش ما را همراه با فرج او قرار ده!

دوم. ادعیه و زیارات کلی، بدون اختصاص به زمان یا مکانی خاص

با نگاهی گذرا به کتب روایی، می‌توان احادیثی را دید که در آن‌ها دعا برای فرج، همراه با
ذکر شریف صلوات آمده است و به مکان یا زمان خاصی محدود نمی‌شوند. در این جا به
مواردی از این دست ادعیه اشاره می‌شود.

دعای جامع خیر دنیا و آخرت: عمرو بن ابی المقدام می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام دعایی که جامع
خیر دنیا و آخرت است را به من تعلیم فرمود. حضرت در این دعا با ذکر صفات حضرت حق،
پس از بیان چند دعا - همچون طلب آمرزش - بعد از ذکر صلوات، فرج و آسایش و سرور اهل
بیت علیهم‌السلام را از درگاه الهی مستلث می‌نماید و سپس دعا می‌کند که خداوند متعال طعم و حلاوت
این فرج را بر ایشان نیز بچشاند و دشمنانشان را نابود گرداند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرْجَهُمْ وَرُوحَهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَسُرُورَهُمْ وَأَذْفَنِي
طَعْمَ فَرْجِهِمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْحَيِّ وَالْإِنْسِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۸۳، ح ۱۸)

دعای توسل به ائمه علیهم‌السلام: در دعایی که دربر دارنده‌ی توسل به فرد فرد ائمه علیهم‌السلام است،

می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَابْنَتِهِ وَابْنَتِهَا الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ علیهم‌السلام ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ قَادِرٌ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَأَلِيهِ وَعَجَّلْ يَا رَبِّ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۲۵۱ - ۲۵۲)
 خدایا، تو می دانی که من به توانایی تو برای برآورده کردن خواسته هایم آگاهم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و در فرج ولی خود و فرزند دختر پیامبرت تعجیل فرما!

تعقیبات نمازهای یومیه و مستحبی: حضرت علی علیه السلام در دعایی که به صورت مطلق برای تعقیبات پس از هر نماز واجب از ایشان نقل شده است، عرضه می دارد:

إِلٰهِي هَذِهِ صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ إِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا ... يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ. (كفعمی، ۱۴۰۵: ۲۰ - ۲۴)

امیرمؤمنان علیه السلام در این دعا دوبار فرج آل محمد علیهم السلام را مسئلت می نماید و برای آخرین ذخیره الهی از خداوند متعال عافیت و نصرت طلب می کند.

دعای بعد از نماز امام زمان علیه السلام: در بابی از *وسائل الشیعه* - که نماز مخصوص هر امام را جداگانه آورده - بعد از نماز امام زمان علیه السلام این دعا را ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءِ وَبَرَحَ الْخَفَاءِ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَأَظْهِرْ إِعْرَازَهُ. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۱۸۴ - ۱۸۵، بَاب ۵۳ اشْتِخَابِ الطَّلُوعِ بِصَلَوَاتِ الْأَيْمَةِ، ح ۱۰۳۷۴؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۸۰ - ۲۸۱)

در این دعا پس از صلوات، به صراحت فرج آل محمد علیهم السلام، ظهور حضرت قائم علیه السلام بیان شده و پس از آن نیز آشکار شدن عزت و سربلندی دولت مهدوی مسئلت شده است.

دعای امام رضا علیه السلام بعد از نماز جعفر طیار: حسن بن قاسم می گوید: دیدم امام رضا علیه السلام در غروب روز جمعه نماز جعفر طیار^۱ خواند و سپس دعایی قرائت فرمود که در او آخر آن پس از صلوات، فرمود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ عَجَّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَانصُرْهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، ۱۹۵ - ۱۹۸، ح ۳)

امام رضا علیه السلام به صراحت فرج قائم آل محمد علیهم السلام را می خواهد و می فرماید:

خدایا، به وسیله او دینت را که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دچار تغییر و تبدیل شده بود، تجدید

۱. این نماز چهار رکعتی - که شیخ عباس قمی از آن به «اکسیر اعظم و کبریت احمر» تعبیر می کند - زمان خاصی ندارد، هرچند افضل اوقات آن ظهر جمعه است. (نک: قمی، ۱۳۷۸: بحث نماز جعفر)

و احیا نما!

حرز امام سجاد علیه السلام: در آخرین جملاتِ حرز امام سجاد علیه السلام پس از درود و سلام به تک تک ائمه علیهم السلام آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ... عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْصُرْ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ... وَأَرْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ. (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ۱۶ و ۲۳۲ - ۲۳۳: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۱، ۲۶۵ - ۲۶۶، باب ۴۲، ح ۱)

در این حرز، علاوه بر دعا برای فرج و لعن بردشمنان اهل بیت علیهم السلام توفیق زیارت و دیدار حضرت مهدی علیه السلام نیز خواسته شده است.

دعای مخزون: در فقراتی از این دعا، پس از ذکر صلوات، فرج آل محمد علیهم السلام مسئلت شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرُّوحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۵، ۲۴۳ - ۲۴۵)

دعای فرج: کفعمی دعایی به نام «دعای فرج» ذکر می کند که بنا بر نقل، پس از نماز حاجتی که امام رضا علیه السلام تعلیم داده است، خوانده می شود. در اوایل دعا، لفظ «فرج» با عبارات گوناگونی آمده است:

يَا مُفَرِّجَ الْفَرْجِ يَا كَرِيمَ الْفَرْجِ يَا عَزِيزَ الْفَرْجِ يَا جَبَّارَ الْفَرْجِ يَا رَحْمَانَ الْفَرْجِ.

در ادامه با ذکر دعایی شبیه به دعای توسل، اسامی ائمه علیهم السلام را ذکر می کند و پس از آن خداوند را به حق خود و معصومین و انبیا و مقربان درگاه الهی قسم می دهد که بر محمد و خاندانش درود فرستد و فرج آل محمد علیهم السلام را برساند:

اللَّهُمَّ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ أَنْبِيَائِكَ ... وَبِحَقِّ مَنْ نَادَاكَ وَتَاجَاكَ وَدَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۲۳ - ۳۲۶)

دعای کنز العرش: در دعای «کنز العرش» که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، پس از این که خداوند را به چهارده معصوم و انبیای الهی و مقربان درگاهش قسم می دهد، بعد از صلوات در جملاتی - که شبیه به دعای مشهور سلامتی حضرت حجت علیه السلام است - عرضه می دارد:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً... اللَّهُمَّ وَكُنْ لَوْلِيكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَعَجَلْ فَرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ وَأَعْوَابِهِ وَأَنْصَارِهِ وَ مُحِبِّيهِ وَاتَّبَاعِيهِ. (همو: ۳۵۶ - ۳۶۱)

در این دعا نه تنها برای فرج دعا می‌کند، بلکه از خداوند می‌خواهد که ما را از شیعیان و یاوران قائم آل محمد ﷺ قرار دهد.

ب) آثار و برکات صلوات همراه با دعا برای فرج

با توجه به روایاتی که در بخش پیشین ذکر شد، هرگاه این ذکر شریف با صلوات همراه شود، برکاتی ویژه خواهد داشت. در این بخش برای پرهیز از تکرار روایات یادشده، تنها به آثار و برکات حاصل از ذکر صلوات و دعا برای فرج پرداخته می‌شود و روایات به صورت کوتاه و تنها برای بیان محل شاهد ذکر می‌شوند.

۱. توفیق درک محضر حضرت ولی عصر ﷺ

امام صادق علیه السلام در روایتی که به طور مطلق برای روز جمعه نقل شده است می‌فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَصَلَاةِ الْفَجْرِ فِي الْجُمُعَةِ وَغَيْرِهَا «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ عليه السلام؛^۱
 هرکس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ» نمی‌میرد تا این که حضرت مهدی عليه السلام را درک می‌کند.

بر اساس برخی آیات و روایات و کتب لغت، «درک» به معنای «رسیدن، پیوستن، وصول و الحاق»^۲ آمده است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾؛ (انعام: ۱۰۳)

چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد.

همچنین امام صادق علیه السلام در جواب کسانی که پرسیدند: آیا قائم آل محمد عليه السلام به دنیا آمده

۱. علامه مجلسی در آخرین روایت «القائم المهدي» آورده، ولی کُتب دیگر «القائم من آل محمد عليه السلام» نقل کرده‌اند. (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۳۶۸؛ نوری، ۱۴۰۸: ۵، ۹۶، ح ۵۴۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۶، ۳۶۳ - ۳۶۴ به نقل از کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۲۱)
 ۲. الذَّكَ: اللِّحَاقُ وَ الْوَصُولُ إِلَى الشَّيْءِ، أَدْرَكَتْهُ إِذْ رَأَتْهُ وَ دَرَكًا (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۴۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳، ۲۰۰؛ همچنین نک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰، ۴۱۹؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۳۴).

است؟ فرمود:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵، ج ۴۶)

نه، هنوز به دنیا نیامده، ولی اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر خدمتگزاری اش را می‌نمودم.

با توجه سیاق جمله و معنای لغوی «آدرکته: إذا طلبته فالحقته، (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۰۱؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۹۲) أَدْرَكْتُهُ: أَى لِحَقَّتْهُ» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۶۵) خدمت‌گزاری زمانی معنا پیدا می‌کند که حضور باشد. شاید هم بتوان خدمت‌گزاری را بیشتر توسعه داد و گفت منظور امام صادق علیه السلام خدمت در حضور حضرت مهدی علیه السلام نیست، بلکه منظور این است که اگر زمان ظهور او را درک می‌کردم هر جا باشم کاری انجام می‌دهم که موجب رضایت حضرت و خدمتی به او باشد. البته متبادراز حدیث، معنای اول صحیح‌تر می‌نماید. بر این اساس در روایت مورد نظر معنای حدیث این خواهد بود که فرستنده صلوات مذکور، توفیق زیارت و شرفیابی به محضر نورانی حضرت مهدی علیه السلام را خواهد داشت.

در معنایی وسیع‌تر نیز می‌توان گفت، فرستنده صلوات به معنای حقیقی توفیق شناخت و معرفت نسبت به امام زمان علیه السلام را خواهد یافت و در این صورت است که غیبت امام نزد او به منزله مشاهده خواهد بود و خواهد توانست از سختی‌ها و امتحانات عصر غیبت سربلند بیرون آید؛ زیرا بنا بر روایات، غیبت و حیرت قائم آل محمد علیهم السلام سبب گمراهی خلق از دین می‌شود (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۰۴، ۴، باب ۲۶) و همه مردم در آن به شک افتند، مگر آن که خدایش نگه‌دارد (همو: ج ۲، ۸۰ - ۸۱، باب ۴۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

سوگند به آن کسی که مرا به راستی بشیر و نذیر مبعوث کرده است، کسانی که در دوران غیبتش بر عقیده امامتش پایدارند از کبریت احمر^۱ کمیاب‌ترند. (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۰۴ - ۴۰۵، باب ۲۶، ج ۷)

کسی که در دوران غیبت دین‌داری کند، همچون کسی است که شاخه درخت خار را به دست بکشد تا برگ و خار آن را بگیرد (همو: ج ۲، ۱۶، ۳۴، ج ۳۴) و به سبب این

۱. در لغت عرب هر چیز نفیس و کمیاب را به کبریت احمر تشبیه می‌کنند و مشهور این است که کبریت احمر اکسیر و جوهری است که کیمیاگران در طلب آنند و شاید وجود خارجی هم نداشته باشد.
۲. کنایه از نهایت سختی و آزدگی است.

سختی هاست که فرمود: صاحب الامر غیبتی دارد؛ هر بنده‌ای باید تقوا داشته باشد و به دینش بچسبد (همو)؛ زیرا بر عقیده امامت او باقی نمی ماند، مگر کسی که خدا دلش را به ایمان امتحان کرده باشد (همو؛ ج ۱، ۳۶۵، باب ۲۴).

بنابراین صلوات و دعا برای فرج یکی از حلقه‌های وصل به معشوق به شمار می رود و منتظر واقعی - که امام خویش را به معنای حقیقی درک کرده است - خواهد توانست همچون غریقی که در طوفان حوادث افتاده است، به سرمنزل مقصود برسد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

در عصر غیبت، کسی نجات نمی یابد مگر آن که دعای غریق را بخواند؛ یعنی بگوید: یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (همو، ج ۲، ۲۱، ح ۵۰، باب ۳۴)

۲. بهترین امان

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش چنین نقل فرمود:

مَنْ قَالَ عَقِيبَ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ» كَانَتْ أَمَانًا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ۹۷ - ۹۸، ح ۶۵۲۱؛ دیلمی، ۱۴۰۸ - ۳۶۶ - ۳۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ۶۵، ح ۸)

هرکس بعد از نماز ظهر در روز جمعه سه مرتبه بگوید: «خدایا صلوات و سلام خود و ملائکه و پیامبرانت را بر محمد و آل محمد قرار ده و در فرج آل محمد تعجیل فرما» تا جمعه دیگر در امان خواهد بود.

۳. توفیق یاری حضرت ولی عصر علیه السلام

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش می فرماید:

... وَمَنْ قَالَ أَيْضاً عَقِيبَ الْجُمُعَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ» كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ۹۷ - ۹۸، ح ۶۵۲۱؛ دیلمی، ۱۴۰۸، ۳۶۶ - ۳۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ۶۵، ح ۸)

هرکس پس از نماز جمعه هفت مرتبه بگوید: «خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج آل محمد تعجیل کن» از اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

از این روایت چند برداشت می توان کرد؛ یکی این که فرستنده صلوات آن قدر عمر خواهد کرد که عصر ظهور را می بیند و امام را یاری می دهد؛ احتمال دیگر این است که - به مانند آن چه در دعای عهد نیز آمده - اگر فرد در زمان غیبت از دنیا رفت، در عصر ظهور دوباره زنده می شود و

توفیق حضور در رکاب حضرت و یاری آن بزرگوار را می‌یابد.^۱

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سِنْفِي مُجَرِّدًا قَتَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي؛
(كفعمی، ۱۴۰۵: ۵۵۰ - ۵۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۵، ۵۳ ح ۱۱۱)

پروردگارا، اگر مرگ - که آن را برای بندگانت امری حتمی قرار داده‌ای - میان من و آن حضرت جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون آور تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده و نیزه‌ام را به دست گرفته‌ام، در میان آن‌ها که در شهر حاضرند یا آنان که کوچ می‌کنند، قرار گیرم و دعوت‌کننده آن حضرت را اجابت کنم. (دوانی، ۱۳۷۸: ۱۲۱۶ - ۱۲۱۷)

البته همچون روایات دیگر می‌توان معنای کلی تری نیز برداشت کرد و گفت، شاید منظور امام این است که منتظری که به حقیقت معنا، صلوات مذکور را بفرستد از اصحاب واقعی حضرت مهدی علیه السلام است و امام خود را با گفتار و اعمال خود یاری می‌رساند، هرچند توفیق دیدار با حضرت و حضور در محضر مقدس آن بزرگوار را نداشته باشد؛ یعنی امام نیز او را به عنوان یک منتظر حقیقی خواهد پذیرفت و در شمار یاران خود قرار خواهد داد.

۴. مایه نجات از امتحانات و خطرات عصر غیبت

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود:

... وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ فِيهَا لِلدَّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۴، باب ۳۸)
به خدا قسم [مهدی] غیبتی می‌کند که کسی از مهلکه آن (بی‌دینی و گمراهی) نجات نمی‌یابد، جز آنان که خداوند آن‌ها را در عقیده به امامتش ثابت قدم داشته، و موفق کرده است تا برای تعجیل در فرجش دعا کنند، [تا خداوند زودتر او را ظاهر گرداند]. (دوانی، ۱۳۷۸: ۷۴۹ - ۷۵۰)

یعنی کسی که در دوران غیبت در عقیده خود به امامت حضرت مهدی علیه السلام ثابت قدم بوده و به دعا برای تعجیل در فرج موفق باشد، گمراه نمی‌شود.

۵. مایه حفظ جان

امام صادق علیه السلام به درخواست «اسحاق بن عمار» دعایی برای حفظ از عقرب به این مضمون

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۵، ۵۳ ح ۱۱۱؛ قمی، ۱۳۷۸: دعای عهد)

به او آموخت:

...اللَّهُمَّ رَبِّ أَسْلَمَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا...

یعنی سه مرتبه با «و عَجَّلْ فَرَجَهُمْ» صلوات بفرست و بخواه خداوند تو را از شرِّ عقرب به سلامت دارد. اسحاق می‌گوید: روزی این دعا را فراموش کردم و همان روز عقرب نیشم زد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۷۰، ح ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۲، ۴۳۹، ح ۶).

۶. سبب رفع فراموشی و تقویت حافظه

حضرت امام حسن علیه السلام در پاسخ کسی که از علت فراموشی و به یاد آوردن مطلبی پرسیده بود، فرمود:

بدان! قلب انسان در ظرفی قرار گرفته و به روی آن ظرف پرده‌ای است که اگر بر محمد و آل او صلوات تام و تمامی بفرستد [و بگوید]: «اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ»، پرده برداشته می‌شود و قلبش روشن می‌گردد و آن چه را که فراموش کرده بود به یادش می‌آید. و اگر صلوات نفرستد یا صلوات ناقص بفرستد، آن پرده برداشته نمی‌شود، بلکه محکم‌تر می‌گردد و قلبش ظلمت می‌گیرد و آن چه را که به خاطر داشته محو می‌شود و فراموش می‌کند. (صدوق، ۱۳۶۶: ۲۱۰ - ۲۱۲، باب ۸۵، ح ۶)

براساس این روایت می‌توان گفت چون اشتغال به امور دنیوی موجب دوری از خداوند می‌شود، پس گویی پرده‌ای روی قلب کشیده می‌شود که فرستادن صلوات، سبب کشف حقیقت شده و قلب نورانی می‌گردد و مطلب از خاطر رفته به یاد انسان می‌آید. بنابراین تأثیر صلوات فرستادن برای یافتن مطلب فراموش شده، به دلیل آن است که چون «محمد و آل محمد» سبب نزدیکی مردم به خداوند هستند و واسطه فیض از مبدأ فیاض الهی هستند، نفوس مردم را برای افاضه علوم و کسب فضایل آماده می‌کنند (همو: پاورقی ۱).

۷. مایه فخر و مباهات

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ الْأَيَّامَ فِي صُورٍ يَعْرِفُهَا الْخَلْقُ أَنَّهَا الْأَيَّامُ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ الْجُمُعَةَ... تَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۶، ۳۵۳، ح ۳۲ و ج ۸۷، ۹۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۶، ۹۴، ح ۶۵۱۲)

زمانی که قیامت برپا شود خداوند متعال روزها را برمی‌انگیزد، که روز جمعه در پیشاپیش آن‌ها مانند عروسی با کمال و جمال به هر صاحب دین و مالی اهدا می‌شود. روز جمعه

ورودی در بهشت می ایستد و روزهای دیگر پشت سرش قرار می گیرند، و روز جمعه بر هر کس که بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستاده باشد شفاعت می کند... فرمود: صد مرتبه بعد از عصر... می گویی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

(ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۴۴۹ - ۴۵۰)

بر اساس این روایت روز جمعه به سبب کثرت صلوات و دعا برای فرج در ظرف زمانی اش بر سایر روزها فخر می فروشد و مباحثات می کند.

۸. مایه اقتدا و تأسی به ائمه علیهم السلام

ابن طاووس در فلاح السائل می نویسد:

یکی از امور مهمی که در تعقیبات نماز ظهر وارد شده این است که باید به امام صادق علیه السلام اقتدا نماییم و برای حضرت مهدی علیه السلام دعا کنیم... امام صادق علیه السلام بعد از نماز ظهر دست به آسمان بلند کرده و این دعا را می خواندند: «أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ... وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

(همو، ۱۴۰۶: ۱۷۰ - ۱۷۱)

۹. عاملی برای جلب رضایت حضرت مهدی علیه السلام و عمل به سفارش آن بزرگوار

حضرت مهدی علیه السلام در یکی از توقیعات خود به اسحاق بن یعقوب می فرماید:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۳ - ۴۸۵، ح ۴)

برای نزدیک تر شدن ظهور من بسیار دعا کنید؛ چرا که گشایش و فرج کارهای شما در آن است.

بر اساس این توقیع، حضرت درمان همه دردها و گشایش همه گرفتاری های جامعه و مؤمنان را ظهور سراسر نور خود می داند. بنابراین منتظر واقعی باید امر مولای خود را امتثال نماید و با گفتار و کردار خود بکوشد تا خداوند ظهور ایشان را نزدیک تر گرداند و چه بهتر که همراه با صلوات - که دعایی مقبول و ارزشمند در درگاه الهی است - برای فرج آن حضرت نیز دعا کند.

۱۰. باعث انس بیشتر با روح نماز و تعقیبات آن

در موارد متعددی از سیره ائمه علیهم السلام آمده است که آن بزرگواران پس از اتمام نماز نسبت به ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و دعا برای فرج اهتمام خاصی داشته اند. به خصوص اگر جایگاه رفیع نماز در دین و حالات معنوی ائمه علیهم السلام را در نظر بگیریم، اهمیت دعا برای فرج در

تعقیبات نماز روشن تر خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام در دعایی که به صورت مطلق برای تعقیبات پس از هر نماز واجب ذکر شده است، می فرماید:

... يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ... اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَ
النَّصْرَ. (كفعمی، ۱۴۰۵: ۲۰ - ۲۴)

در این دعا امیرمؤمنان دوبار فرج آل محمد علیهم السلام را مسئلت می نماید و برای آخرین ذخیره الهی از خداوند متعال عافیت و نصرت طلب می کند.

در دعایی که برای تعقیب نماز صبح وارد شده است می فرماید:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ. (همو: فصل ۴، ۶۴)

در تعقیبی دیگر نیز درخواست های خود را به صورت عددی و صد مرتبه ذکر می کند، از جمله صلوات و دعا برای فرج را:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ مِائَةً... وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ مِائَةً... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَجِّلْ فَرَجَهُمْ مِائَةً... (همو: ۶۴ - ۶۶)

۱۱. پیوند دهنده مکتب سرخ حسینی و مکتب سبز انتظار

حضرت مهدی علیه السلام در روایات مختلف به عنوان منتقم اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است. در این میان ارتباط ویژه ای که بین حضرت سیدالشهدا علیه السلام و امام زمان علیه السلام وجود دارد سبب شده است تا شیعه همواره انتظار را امتداد خط سرخ مکتب عاشورا بدانند. ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام پرسید: چرا به مهدی آل محمد، «قائم» گفته می شود؟ حضرت فرمود:

لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ علیه السلام صَجَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَ
قَالُوا: اِهْتِنَا وَسَيِّدَنَا! أَتَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ؟
فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوْعَزَّتِي وَجَلَالِي لِأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ
جِينٍ. ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَنِ الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِلْمَلَائِكَةِ، فَسَرَّتْ
الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَأَيَّ أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ -: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ
مِنْهُمْ؛ (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۶۰)

هنگامی که جدم امام حسین علیه السلام کشته شد فرشتگان گریستند و ضجه زده و به درگاه الهی نالیده و گفتند: ای خدا و ای سرور ما، آیا از کسی که برگزیده و فرزند برگزیده و بهترین خلق تو را کشته غافل هستی؟ خدای عز و جل به آنان وحی کرد: ای ملائکه من، آرام باشید! قسم به عزت و جلال خودم از قاتلان او انتقام خواهم گرفت، اگرچه در زمان بعد باشد. سپس امامانی که از فرزندان حسین علیه السلام هستند را به آنان نشان داد. آن‌ها خوشحال شدند. در بین فرزندان حضرت، یکی از آنان ایستاده و نماز می خواند. حق تعالی فرمود: با این قائم از قاتلان انتقام خواهم گرفت.

در دعای ندبه - که منتظران در فراق حضرت مهدی علیه السلام با سوز و گداز می خوانند - حضرت به عنوان خون خواه همه پیامبران و فرزندانشان و خون خواه شهید کربلا معرفی شده است:

أَيُّنَ الظَّالِمِ يَدْخُولُ الْأَنْبِيَاءَ وَأَبْنَاءَ الْأَنْبِيَاءِ، أَيُّنَ الظَّالِمِ يَدِمُ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ.
(ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۷۹؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۱، ج ۱، ۵۰۹)

عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم که بسیار محزون بود. حضرت پس از اشاره به مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام زیارتنامه ای به من آموختند که در جملاتی از آن آمده است:

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ... وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸، ۳۰۳ - ۳۰۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲، ج ۲، ۷۸۲ - ۷۸۴)

ابن طاووس در ادامه این روایت می نویسد:

حضرت فرمود: بعد از دعا قنوت بگیر و بخوان: اللَّهُمَّ إِنَّ الْأُمَّةَ خَالَفَتِ الْأُمَّةَ... وَ قَتَلُوا أَوْلَادَ نَبِيِّكَ صلی الله علیه و آله... اللَّهُمَّ أَعْلِ الْحَقَّ وَاسْتَنْقِذِ الْخَلْقَ وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِالتَّجَاةِ وَاهْدِنَا لِلْإِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ علیه السلام وَاجْعَلْهُ لَنَا رِذَاءً وَاجْعَلْنَا لَهُ رِذَاءً. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲، ۵۶۸ - ۵۷۰)

در این بخش حضرت آشکارا و به طور خاص نام حضرت مهدی علیه السلام را برده و از خداوند خواسته است با ظهور دولت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بر شیعیان منهدت نهد و آن‌ها را به ایمان حقیقی رهنمون شود.

۱۲. ایجاد فضای انتظار و زمینه سازی برای ظهور

«انتظار» در لغت به معنای چشم داشت و چشم به راه بودن و توقع داشتن است (نک: دهخدا، ۱۳۷۷: کلمه انتظار؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۱، ج ۱، ۶۷). همچنین به معنای درنگ در امور با

امید به آینده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ۱۲۲). اما در اصطلاح، به معنای ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام و امید به ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و مساوات در سراسر گیتی است (تونه‌ای، ۱۳۸۹: ۱۲۷ - ۱۲۸، کلمه انتظار).

به بیان دیگر، انتظار کیفیتی روحی است که سبب به وجود آمدن حالت آمادگی [انسان‌ها] برای آن چه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر و شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی آن و در نتیجه، آمادگی نیز بیشتر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۲۳۵ - ۲۳۶). «فَرَج» نیز به معنای «گشایش» است و انتظار فرج، برخاسته از فطرت کمال جوی بشری است و به معنای چشم‌داشت گشایش گره‌های زندگی از جانب خداوند است (تونه‌ای، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهدآور، همان انتظار راستینی است که در روایات، آن را با فضیلت‌ترین عبادت و برترین جهاد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند.^۱ مرحوم مظفر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این گونه معنا کرده است:

معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی و نجات بخش الهی حضرت مهدی علیه السلام این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و در آن چه بر آن‌ها واجب است، مانند یاری حق، زنده کردن قوانین و دستورهای دینی، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، فروگذاری کنند و به این امید که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیاید و کارها را درست کند از آنان دست بردارند. هر مسلمان، موظف است خود را به انجام دستورهای اسلام مکلف بداند و برای شناسایی دین از راه صحیح، از هیچ کوششی فروگذاری نکند و به اندازه توانایی خود، از امر به معروف و نهی از منکر دست نکشد؛ همچنان که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ همه شما رهبر یکدیگر و در راه اصلاح همدیگر مسؤول هستید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۳۸؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۱، ش ۲۱۶۳). برای اساس، یک مسلمان نمی‌تواند به دلیل انتظار ظهور مهدی مصلح، از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا کوتاه بیاید؛ چرا که انتظار ظهور، نه اسقاط تکلیف می‌کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می‌دهد. بنابراین سستی در انجام وظایف دینی و بی‌تفاوتی به آن، هرگز جایز نیست.^۲

۱. «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷)؛ «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۵۶۵).

۲. «فَإِنَّ هَذَا لَا يَسْقُطُ تَكْلِيفًا وَلَا يُؤْجَلُ عَمَلًا وَلَا يُجْعَلُ النَّاسُ هَمَلًا كَالسَّوْآتِمِ» (مظفر، ۱۳۸۷: ۷۹ - ۸۰).

کوتاه سخن این‌که فرهنگ راستین انتظار با سه رکن اساسی استوار است:
الف) نارضایتی یا قانع نبودن از وضع موجود؛
ب) امید داشتن به آینده‌ای بهتر؛
ج) حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب (سلیمیان، ۸۹-
۱۳۸۸: ج ۲، درس ۱۲، ۲۱۰).

پس با توجه به این‌که صلوات، به شعار همیشگی و فراگیر مسلمانان تبدیل شده است، دعا برای فرج پس از صلوات، از جمله عوامل طراوت بخش به جامعه منتظر به شمار می‌رود که بیانگر ارتباط ناگسستنی منتظران با امام موعود خویش و بیعتی دوباره با ایشان و ایجاد روحیه انتظار در جامعه است تا منتظران با انتظاری پویا برای رسیدن به عصر ظهور بیش از پیش زمینه‌سازی کنند.

ج) ضرورت گفتن صلوات با «عجل فرجهم»

دعا کردن برای فرج، از جمله مهم‌ترین وظایف شیعیان در دوران غیبت است و هر یک از افراد جامعه باید نسبت بدان همت گمارند.^۱ گفتن «عجل فرجهم» پس از صلوات، در عین سادگی آن، یکی از بلندترین گام‌ها در راستای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت به شمار می‌رود که سبب ایجاد یکپارچگی در وفای به عهد با امام عصر علیه السلام و صف آرایی شیعیان به عنوان لشکر حق در برابر شیاطین انس و جن می‌شود.

صلوات، پرداختِ اجر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اظهار محبت به آخرین یادگار اهل بیت علیهم السلام - یعنی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم - است. این اظهار محبت شیعیان، موجب اظهار محبت متقابل آن حضرت خواهد شد، هر چند آن بزرگوار در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شد، فرمود:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَأْسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ
الْأَعْدَاءُ؛ (نوری، ۱۴۰۸: ج ۳، ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۵)

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، [زیرا] اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می‌آورد و دشمنان شما را از میان می‌بردند.

بی‌گمان رایج شدن صلوات با «عجل فرجهم» در مجامع عمومی، برآوردن خواسته امام

۱. درباره «اهمیت فرستادن صلوات با «عجل فرجهم» مقاله‌ای پرمایه از علی محمد صیادی در «اسلام پدیا» منتشر شده که در این بخش به صورت پراکنده و متعدد، از آن استفاده شده است.

عصر علیه السلام و لیبیک به دعوت آن حضرت است که فرمود: «برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید که همانا آن، فرج و گشایش خود شماست» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۳ - ۴۸۵، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۸۳). صلوات مذکور نیز در حقیقت دعا کردن برای فرج آن حضرت است.

نسل حاضر به ویژه شیعیان، به سبب فراموش کردن امام زمان علیه السلام به بلای عظیم محرومیت از آن حضرت مبتلا شده‌اند؛ مانند سرزمینی که از بی آبی خشک شده و به شوره‌زار تبدیل گردیده است که اگر برای آبیاری دل‌های خشکیده و تشنه - که از دوری آب حیات، یعنی امام زمان علیه السلام شکاف برداشته - اقدامی نکنند، همچنان در عطش «ماء معین» خواهند بود. کمتر کاری که می‌توان کرد این است که همواره به یاد امام زمان علیه السلام با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام و گفتن جمله «عجل فرجهم»، تعجیل فرج آخرین ذخیره الهی را از درگاه ایزد مَنان بخواهیم.

با مراجعه به سیره معصومین علیهم السلام شاهد دعا کردن آن‌ها برای ظهور حضرت هستیم. آنان از پیروان خود نیز می‌خواستند از این امر غفلت نوزند. امام صادق علیه السلام در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان - که احتمال شب قدر بودن آن بسیار است - اعمالی را به یاران خود آموخت؛ آن‌گاه پس از یک شب عبادت و اتمام آن‌ها در حال سجده - که معنوی‌ترین و نزدیک‌ترین حالت بنده به معبود است - در پایان دعاهاى خود و در زمان نتیجه‌گیری، برای فرج قائم آل محمد علیهم السلام دعا کرد:

يَا مَوْلَايَ اَسْأَلُكَ ... اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّ اَهْلِ بَيْتِهِ وَّ اَنْ تَأْتِنِي لَفَرَجٍ مِّنْ بَفَرَجِهِ فَرَجٌ
اَوْلِيَانِكَ وَّ اَصْفِيَانِكَ مِّنْ خَلْقِكَ وَّ بِهٖ تُبِيدُ الظَّالِمِيْنَ وَّ تُهْلِكُهُمْ عَجَلًا ذَلِكِ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ؛
(ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۰۰ - ۲۰۱)

خدایا، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و به کسی که ظهور او فرج و گشایش اولیا و برگزیدگان توست اجازه ظهور دهی و به دست او دشمنان و ظالمان را نابود سازی. بارالها، در این امر (اذن ظهور) تعجیل فرما!

بر اساس آیه ۶۲ سوره نمل، «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ»^۱، خداوند دعای کسی را که در اضطرار است اجابت می‌کند و برای ظهور چاره‌ای جز رسیدن به اضطرار نیست و

۱. «[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آن‌که وقتی درمانده‌ای او را بخواند اجابت می‌کند و آسیب و گرفتاری‌اش را دفع می‌نماید؟»

آن هم باید ایجاد شود. معرفی امام زمان علیه السلام و بیان فلسفه غیبت و آثار وجود نازنین آن حضرت و محرومیت‌هایی که به سبب غیبت به مسلمانان می‌رسد، ایجاد کننده حالت اضطراب است. بر اساس روایات، اول مضطرّ عالم، مهدی علیه السلام است و در روایات مختلف، این آیه تأویل به ایشان شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا قسم «مضطر» اوست که [در هنگام ظهور] دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه خود گرداند.^۱

عاشقان مهدی علیه السلام دعا برای فرج و انتظار حقیقی را زمانی به اوج می‌رسانند که می‌بینند اول مظلوم عالم، امیرمؤمنان علیه السلام در اواخر نامه‌ای که به معاویه نوشته، پس از ذکر برخی از علایم ظهور - مانند خسف بیداء - می‌فرماید:

وَاللّٰهُ اِنِّيْ لَاعْرِفُ اَسْمَاءَهُمْ، وَاسْمَ اَمِيْرِهِمْ، وَمُنَاخَ رِكَابِهِمْ فَيَدْخُلُ الْمَهْدِيُّ الْكَعْبَةَ، وَيَبْكِي وَيَبْتَضِعُ، قَالَ - جَلَّ وَعَزَّ - : «اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ»، هَذَا لَنَا خَاصَّةً اَهْلَ الْبَيْتِ؛ (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ج ۱، ۳۰۷ - ۳۱۴)

مهدی پیش از ظهور با یارانش - که به خدا قسم من آن‌ها را به اسم می‌شناسم - وارد کعبه می‌شود و به درگاه الهی ناله و ضجه می‌کند، [آن‌گاه] تحقق آیه «اَمَّنْ يُجِيبُ» ویژه ما اهل بیت است.

در دعای شریف ندبه نیز حضرت با عنوان «مضطرّ» خوانده شده است:

اَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ اِذَا دَعَى؛ (قمی، ۱۳۷۸: دعای ندبه)
کجاست آن مضطری که هرگاه او را می‌خوانند، اجابت می‌کند؟

در شرایطی که نوید نزدیکی ظهور وجود دارد، یکی از مهم‌ترین عوامل امیدبخش، دعا برای تعجیل در فرج است که از دو جهت در فرج و ظهور نقش ایفا می‌نماید؛ یکی نقش و تأثیرات خود دعا و دیگری فضاسازی اجتماعی و فردی و آماده کردن جامعه برای ظهور. دعا اثرات بسیار شگرفی بر زندگی انسان و روح و روان او دارد. دعا انسان را به خدا نزدیک

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ علیه السلام إِذَا حَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ وَيَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ ثُمَّ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ... ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَدْعُو وَيَبْتَضِعُ حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ اِلَّاهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيْلًا مَا تَذَكَّرُوْنَ». (يزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ۸۰ و ۴۳۴؛ دوانی، ۱۳۷۸: ۲۵۲ - ۲۵۳، باب ۵، ح ۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۸ و ۵۹)

کرده و او را بنده خدا می‌کند و به او امید و تحرک می‌دهد. در جامعه‌ای که راز و نیاز و درخواست در آن متبلور است، معنویت موج خواهد زد و این برای ساخت فضای ظهور بسیار مناسب خواهد بود. امید به آمدن موعود، مقدمه درخواست آمدن اوست و دعای فرج نیز بیانگر آرزوی قلبی بشر، برای دیدن آن منجی است. پس این خواست قلبی، برای زمینه‌سازی فرد، در زندگی شخصی و اجتماعی خویش، مقدمه‌ای می‌شود. فردی که آمدن امام را قلباً آرزومند است، برای خود محدودیت‌هایی قائل شده و دست به هر عملی نخواهد زد.

درباره موضوع تعجیل ظهور امام زمان عجل الله فرجه روایاتی وارد شده است که نشان می‌دهد دعا اثر کاملی در امر فرج دارد. در بعضی روایات تصریح شده است که دعای مؤمنان و طلب فرج آن حضرت عجل الله فرجه سبب تعجیل در فرج و ترک آن موجب تأخیر در فرج می‌شود. در *نجم الثائب* آمده است که امام صادق عجل الله فرجه فرمود:

خداوند به حضرت ابراهیم عجل الله فرجه وحی فرمود که به زودی برای تو از ساره پسری متولد می‌شود ... ساره گفت: من پیرزن و عجوزه‌ام. خداوند فرمود: به زودی پسری به دنیا می‌آورد و به سبب آن که در پذیرش کلام من تردید کرد فرزندان آن پسر تا چهارصد سال در دست دشمن من معذب خواهند بود... وقتی بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند، تا چهل روز به درگاه خداوند ناله و گریه کردند. خداوند به حضرت موسی و هارون عجل الله فرجه وحی فرمود تا ایشان را از دست فرعون خلاص گردانند، [در حالی که] صد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود، ولی آن را از ایشان برداشت. امام صادق عجل الله فرجه فرمود: اگر شما نیز چنین تضرع و زاری می‌کردید، خداوند فرج ما را مقدر می‌کرد و چون چنین نکنید، به درستی که این امر به نهایت خود خواهد رسید. (نوری طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۹۷۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۵۴-۱۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ۴۹۴)

نویسنده کتاب *مکیال المکارم* با استناد به این روایت می‌گوید:

وقت ظهور امام زمان عجل الله فرجه از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادنش هست؛ یعنی می‌توان با دعا کردن، فرج و ظهور امام عصر عجل الله فرجه را جلو انداخت. و تشویق ائمه اطهار عجل الله فرجه به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیانگر آن است که حصول فرج دارای یک زمان غیرقابل تغییر نیست و اگر مردم به مسئله غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی‌توجهی نکرده و همگی دعا نمایند، امید است که خداوند هرچه زودتر طومار غیبت را در هم پیچیده و آن بزرگوار را ظاهر نماید. همچنان که در زمان حضرت ادریس عجل الله فرجه وقتی آن حضرت مورد حمله حکومت طغیانگر زمان خویش قرار گرفت از میان مردم غایب شد؛ در دوران غیبتش مردم تصمیم به توبه گرفتند و این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت او را پایان بخشد. حضرت ادریس عجل الله فرجه ظاهر شد و حاکم ستمگر در

برابراو به ذلت و خواری افتاد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۵۷ - ۲۵۸)

امام جواد علیه السلام می فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱)
برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

یعنی فرد منتظر باید در دوران غیبت برای سپری شدن آن اقدام عملی نماید. از این رو که در تعریف انتظار گفته شده است:

انتظار، کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی [انسان‌ها] برای آن چه انتظار دارند می‌شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هر چه شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود. (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۳۵ - ۲۳۶)

این سخن که از واژه انتظار، مترصد (ناظر) بودن منفی حوادث را بفهمیم، بی آن که خود نقش منفی یا مثبتی در این حوادث داشته باشیم خطاست. بنابراین تفسیر صحیح واژه انتظار آن است که انتظار، حرکت، کار، تلاش و عمل است (آصفی، ۱۳۸۴: ۲۴). تأکید روایات با لفظ «تهیاً» به زمینه‌سازی و آمادگی، مؤید این است که فرد منتظر شب و روز باید ناله و ندبه کند و ظهور مولای خود را بطلبد.^۱

تسریع امر ظهور امام عصر علیه السلام تنها یکی از آثار دعا برای تعجیل فرج است؛ زیرا این دعا آثار و برکات فراوانی همچون ازدیاد نور امام در قلب، آمرزش گناهان، رنجش و وحشت شیطان، نزول نعمت، دفع بلاها، زایل شدن غم‌ها، طول عمر و برکت در آن، وسعت رزق، ورود به بهشت، ایمنی از عذاب جهنم، نایل شدن به شفاعت اهل بیت علیهم السلام محشور شدن در زمره امامان، آمان از تشنگی روز قیامت، ایمنی از سختی حساب، ثواب هزار سال خدمت به پروردگار، ثواب نه هزار سال نماز و روزه و... دارد، که در کتاب *مکیال المکارم* به نود فایده از آن اشاره شده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۴۱۴ - ۴۱۸).

کسی که برای ظهور دعا می‌کند در حقیقت از اوضاع و احوال عالم و غیبت امام زمان علیه السلام ناراضی است و این خود نوعی براءت جُستن از همه کسانی است که با سوء استفاده از نبود

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطُونَ لِمَهْدِي يَغْنَى سُلْطَانَهُ.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۷)

قدرت و حکومت ظاهری عالم در دست ولی خدا، به ظلم و ستم مشغولند. آری، انتظار یعنی نفی وضع موجود و به دنبال تحقق وضع مطلوب بودن (شریعی، بی تا: ۲۸-۳۰).

اگر برای فرج امام عصر علیه السلام دعا کردیم و توفیق درک ظهور را نیافتیم، هرگز چیزی را از دست نداده ایم؛ زیرا بر اساس روایات، برای کسی که جهت تعجیل در امر فرج بسیار دعا می کند، فرج حاصل می شود و او همانند کسی است که در راه خدا در خون خویش غلتیده است و با ظهور آن حضرت از اهل رجعت خواهد بود (نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۰۴، قمی، ۱۳۷۸: دعای عهد).

البته باید توجه داشت که دعا برای امام عصر علیه السلام به معنای احتیاج مولایمان به دعای ما نیست، بلکه توفیقی است که امام، خود به دعا کننده می دهد. در آیه ۷۷ سوره مبارکه فرقان بیان شده است که اگر دعایتان نباشد خداوند هیچ اعتنایی به شما نمی کند.^۱ غفلت مردم از امام عصر و جدی نگرفتن دعا برای ظهور را می توان در فعالیت بی وقفه ابلیس و لشکریان او ریشه یابی کرد. هم اینک عمده تلاش و برنامه ریزی شیطان برای دور کردن مردم از اهل بیت، به ویژه وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. از سویی مسئله ظهور برای شیطان حکم مرگ و زندگی را دارد؛ زیرا شیطان از خداوند تا روز قیامت وقت خواست، ولی فقط تا وقت معلوم به او فرصت داده شده و طبق روایات، زمان این وقت معلوم، قیام قائم آل محمد علیهم السلام است.^۲ بنابراین، از آن جا که وجود مقدس امام عصر علیه السلام ناقوس مرگ ابلیس و انهدام سپاه او را به همراه خواهد داشت، طبیعی است شیطان و لشکریانش تمام توان و تلاش خویش را برای به تعویق انداختن وقت ظهور و باز داشتن مردم از دعا برای امام عصر علیه السلام به کار گیرند.

امام محمد باقر علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خویش فرمود: «آیا تو را راهنمایی نکنم به چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن استثنایی ندهد؟» عرض کرد: «چرا!» فرمود: «دعا، که قضای پیچیده و سخت را برمی گرداند.» آن گاه حضرت انگشتانش را به هم فشرد و باز تأکید کرد: «به خدا سوگند هیچ بنده ای دعا و پافشاری به درگاه خداوند نکند، مگر این که حاجتش را برآورد.»

۱. «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان: ۷۷)

۲. حضرت صادق علیه السلام فرمود: این که خداوند به شیطان فرمود، منتظر «وقت معلوم» باشد - «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» - این وقت معلوم روز قیام قائم ماست. وقتی خداوند او را برانگیخته می کند [و آماده قیام] در مسجد کوفه است، در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را گرفته و گردنش را می زند. آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد. (دوانی، ۱۳۷۸: ۱۱۴۶)

میشربن عبدالعزیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا مُبِيرُ! ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِعَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مَنْزِلَةً لَا تُتَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَلَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئاً فَسَلْ تُعْطَ يَا مُبِيرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُفْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ؛ (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۶۷ - ۴۶۶، ح ۳)

امام صادق علیه السلام به من فرمود: دعا کن و مگو سرنوشت ما مقدر است. همانا در پیشگاه خدای عز و جل مقام و منزلتی وجود دارد که جز با نیایش و دعا به دست نمی آید. اگر کسی دهانش را ببندد و دعا نکند عطایی دریافت نمی کند. بنابراین دعا کن تا بدهند. هر دری که بکوبند، بالآخره باز می شود.

علامه مجلسی رحمته الله در شرح روایت فوق می گوید:

باید به بداء ایمان داشت و به این که خداوند سبحان، هر روز در کاری است و هر چه خواهد محو کند و هر چه بخواهد ثبت کند و قضا و قدر، مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است. گذشته از این که خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر [است] و امر به دعا نیز از همان هاست. اصولاً اگر دعا از چنین اثری برخوردار نبود، این همه سفارش و تأکید بر آن لغو و بی معنا می شد.^۱

در برخی روایات، دعا برای فرج از حقوق اهل بیت علیهم السلام بر شیعیان شمرده شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند: از حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از هر نماز واجب، دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلِ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِنَّتَقِمَ لَابْنَةِ مُحَمَّدٍ؛ (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۱۸۵)

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله دین را در غیبت محمد صلی الله علیه و آله محافظت کن؛ ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله را بگیر.

محبت و علاقه به امام نیز اقتضا دارد که ما ظهور را دیر نپنداریم؛ زیرا غیبت، دوران تنهایی، دل شکستگی و غصب حق امام است. نباید دعا برای فرج را هم ردیف بقیه دعاها دانست و آن

۱. اعلم أن لوجود الكائنات و عدمها اسباباً و شروطاً و أبى الله ان يجرى الأشياء إلا بالأسباب و من جملة الأسباب لبعض الأمور الدعاء فما لم يدع لم يعط ذلك الشيء و اما علمه - سبحانه - تابعاً للمعلوم لا يصير سبباً لحصول الأشياء؛ و قضاؤه تعالى و قدره ليساً قضاء لازماً و قدراً حتماً و ألا لبطل الثواب و العقاب و الأمر و النهى كما مر عن أمير المؤمنين عليه السلام. (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۱۲)

را به امری تشریفاتی تبدیل کرد. نباید دعا برای فرج را به انتهای مجلس دعا و ذکر، آن هم پس از دعا برای بانی مجلس، مریض مدّ نظر، ملتمسان دعا و اموات حاضران موکول کرد. دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام باید در صدر همه حاجت‌ها، باشد. در همین یک دعا، فرج عالم و آدم نهفته است (نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۳ - ۴۸۵، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۸۳). ماهیت این دعا با دیگر دعاها تفاوت دارد؛ «همه مشکلات» و «مشکلات همه» را دربر می‌گیرد. افزون بر این که این دعا، دعا برای امام زمان علیه السلام و حجت دهر و خلیفه خدا و بهترین انسان روی زمین است همه گرفتاران، بیماران، گرسنگان، بی‌پناهان، مظلومان و محرومان جهان را شامل می‌شود.

از حضرت آیت‌الله العظمی بهجت علیه السلام نقل شده است که بهترین کار برای به هلاکت نیفتادن در آخرالزمان، دعای فرج امام زمان علیه السلام است؛ البته دعایی که در همه اعمال ما اثر بگذارد. باید دعا را با شرایط آن خواند و «توبه از گناهان» از جمله شرایط اجابت دعاهاست. گناه همان عامل جدایی از آن انیس قلب‌ها و امام خوبی‌هاست که حضرت نیز در توقیع شریفشان به شیخ مفید علیه السلام فرمود:

هیچ چیز ما را از شیعیانمان محبوس نمی‌دارد، جز اخباری که از ایشان به ما می‌رسد و ما را محزون و ناراحت می‌سازد؛ [اعمالی که] از ایشان انتظار نداریم. (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۶۵۵)

از مهم‌ترین دعاها، دعای فرج امام زمان علیه السلام است. مخصوصاً دعای شریف «الهی عظم البلاء»، «عهد» و «ندبه» که باید مضطرانه زمزمه کرد:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحْضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ؛ (قمی، ۱۳۷۸: دعای عهد)

خدایا، این غم و اندوه را [که بر اثر غیبت او به ما رسیده] با حضور حضرت حجت علیه السلام برطرف نما و در ظهور او شتاب کن.

بی‌گمان منظور روایات از دعای فعال برای فرج، دعایی است که پشتوانه عملی داشته باشد و در جامعه مسلمانان اثر خود را نشان دهد، نه دعایی که لقلقه زبان باشد یا توجیه‌کننده نشستن و بی‌عملی شیعیان گردد، بلکه دعایی که از درون آن انقلاب و قیام بجوشد. بنابراین، یکی از بهترین دعاها برای فرج حضرت ولی عصر علیه السلام دعا با «عجل فرجه» پس از ذکر شریف صلوات است. دعا برای فرج، بعد از صلوات، بهترین نماد تویی است و ما را به نزدیکی ظهور و درک حضور و توفیق یاری در رکاب او امیدوارتر می‌گرداند.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی، *الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- _____، *جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع*، قم، دار الرضی، چاپ اول، ۱۳۳۰ق.
- _____، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- _____، *مهج الدعوات ومنهج العبادات*، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف، دارالمرتضویة، چاپ اول، ۱۳۵۶ش.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- امینی محمد حسین، *الغدیر*، ترجمه: جمعی از نویسندگان، تهران، بنیاد بعثت، بی تا.
- آصفی، محمد مهدی، *انتظار یویا (ترجمه الانتظار الموجه)*، ترجمه: تقی متقی، تهران، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، ترجمه: رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم)*، تهران، بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
- ترمذی، ابو عیسی محمد، *سنن الترمذی*، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- تونه ای، مجتبی، *موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۹ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، تهران، نوید، چاپ اول،

۱۳۶۲ ش.

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، قم، نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.
- دوانی، علی، مهدی موعود، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- راشدی، لطیف، توضیح المسائل چهار مرجع، تهران، پیام محراب، ۱۳۸۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- سلیمان، خدامراد، درسنامه مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۸۹-۱۳۸۸ ش.
- شریعتی، علی، انتظار مذهب اعتراض، تهران، نشر ستاره انقلاب، بی تا.
- شعیری، محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة الحیدریه، چاپ اول، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالرضی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، ترجمه: مسترحمی، تهران، کتاب فروشی مصطفوی، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: کمره‌ای، تهران، اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامی، چاپ

- دوم، ۱۳۹۵ق. _____، من لا يحضره الفقيه، قم، انتشارات اسلامی، چاپ
- دوم، ۱۴۱۳ق. _____،
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق. _____، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه: جعفری، تهران، اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیة للحجة، قم، دارالمعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق. _____، تهذیب الأحکام، تحقیق: خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- _____، مصباح المتهدجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، المزار فی کیفیة زیارات النبی والأئمة علیهم السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۷۸ش.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمين والدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- _____، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة وجنة الإیمان الباقیة)، قم، دارالرضی (زاهدی)، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم،

- ۱۴۰۷ق. - مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، ترجمه: محمدحسین رحیمیان، قم، دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- _____، زاد المعاد، مفتاح الجنان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- _____، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- مظفر، محمدرضا، عقائد الإمامية، تحقیق: دکتر حامد حنفی، قم، انصاریان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- منسوب به امام علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفة السجادية، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- نوری طبرسی، حسین، نجم الثاقب، قم، جمکران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۴

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

برداشت های تربیتی دعای سلامتی امام زمان علیه السلام

سید محمدرضا موسوی نسب*

مهدی مطهری**

چکیده

نیایش و دعا زیباترین شکل ارتباط با خالق هستی به شمار می رود. در فرهنگ شیعه دعا های بسیاری با مفاهیمی گوناگون وارد شده است. دعای سلامتی امام زمان (اللهم کن لولیک) از رایج ترین دعاهاست و به ولایت و امامت امام زمان علیه السلام مربوط می شود. محتوای این دعا اراده الهی در عنایت به ولی خود و تحقق حکومت جهانی او را یاد آور می شود و همه نسل ها را برای سهیم شدن در این سنت الهی و زمینه سازی برای ظهور دعوت می کند. نوشتار حاضر همگام با بررسی تک تک عبارات این دعا، به برداشت های تربیتی در حوزه شناختی، گرایشی و رفتاری پرداخته است. تربیت اعتقادی یعنی شناخت خداوند متعال و مقام ولایی امام عصر علیه السلام به عنوان حجت الهی و انسان کامل، نخستین آموزه های این دعا به شمار می روند. تربیت روح سپاس و ستایش از ولی نعمت و ایجاد محبت و دوستی، بُعد عاطفی منتظر را پرورش می دهند. رشد معرفتی و محبتی، وظیفه منتظر را در تربیت خود و دیگران مشخص می کند و او را برای حمایت کردن، فدا شدن و یاری امام زمان علیه السلام و زمینه سازی جامعه برای ظهور ایشان آماده می سازد و از این

* استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام (نویسنده مسئول)

(smrnm1364@gmail.com)

** کارشناس ارشد اخلاق اسلامی.

راه، به تربیت اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. بر این اساس، فلسفه تربیت مهدوی از نظر مبانی الهیاتی، با پذیرش امامت و ولایت امام عصر^{علیه السلام} و تشخیص و عمل به وظیفه همراه است. بنابراین در راستای تربیت انسان‌های منتظر و زمینه‌ساز برای ظهور، تربیت باید الهی و ولایی، و بر پایه دلیل و حجت و نیز شناخت محور و محبت محور همگام با مسئولیت‌پذیری باشد.

واژگان کلیدی

دعا، دعای سلامتی، امام زمان^{علیه السلام}، تربیت.

مقدمه

دعا افزون بر ایجاد ارتباط، مناجات و خضوع محض در برابر خداوند، به منزله یک دانشگاه تربیتی بزرگ و عمومی، نقشی ارزشمند در نشر پیام‌های سازنده و عمیق، آموختن و بصیرت و تعلیم و تزکیه انسان‌ها دارد. از این رو، به دعا باید به عنوان مکتبی تربیتی نگاه شود که مقصد و غایتی بلند دارد و یکی از بزرگ‌ترین سیاست‌های تربیتی دین مقدس اسلام به شمار می‌آید. در منابع اسلامی و شیعی دعاهای بسیاری درباره امام زمان^{علیه السلام} با مضامین و شرایط خاص وارد شده و در این بین، دعای سلامتی امام زمان^{علیه السلام} (اللهم کن لولیک) شهرت و عمومیت بیشتری دارد. بیشتر افراد جامعه شیعی از کودکی این دعا را حفظ هستند و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون آن را قرائت می‌کنند. فهم محتوا و برداشت‌های تربیتی این دعا - به ویژه در راستای زمینه‌سازی برای ظهور - موضوعاتی هستند که نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع دینی به بررسی آن می‌پردازد.

تعریف دعا

دعا به معنای خواندن، درخواست انجام کار و حاجت خواستن است (حسینی واسطی ۱۴۱۴: ج ۱۹، ۴۰۵-۴۰۹). همچنین در اصطلاح، ارتباطی آگاهانه و خاضعانه با خداوند است که با نوعی از تمجید، سپاس یا درخواست همراه است (موسوی نسب، ۱۳۹۱: ۵ - ۲۶). حقیقت دعا، ارتباط با منشأ هستی و پیوند انسان با خدای یکتاست که موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می‌شود. از این رو پیامبر گرامی اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} دعا را مغز عبادت دانسته و می‌فرمایند: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ» (حر عاملی،

۱۳۷۲: ج ۷، ۲۷).

دعای سلامتی امام زمان علیه السلام

دعا برای آخرین حجت الهی به ویژه برای سلامتی ایشان، به سیره و سنت پیشوایان دینی برمی گردد که در همه حال و در بهترین حالات - یعنی به هنگام نماز و راز و نیاز - برای ایشان دعا می کردند (فؤادیان، ۱۳۸۷: ۲۳). امام جواد علیه السلام در قنوت نمازش این گونه می فرمود:

خدایا، آن ها را که ایمان آورده اند، بردشمنان خودت و دشمنان اولیای خودت، پیروز کن؛ به گونه ای که بر آن ها غلبه یابند و به حق دعوت کنند و تابع امام منتظر و برپادارنده قسط و عدل باشند. (طالعی، ۱۴۱۹: ۹۵ و ۱۲۰)

سید بن طاووس پس از بیان ثواب دعا برای برادران دینی می نویسد:

در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر ارزش و ثواب داشته باشد، پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت ماست و اعتقاد داریم اگر او نبود، خداوند نیز وجود ما را نمی آفرید، بسیار بالاتر و به مراتب باارزش تر است. (مجتهدی سیستانی، ۱۴۲۱: ۴۷-۴۸)

از این رو، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

باید توجه داشت که دعا به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام هدیه شخص فقیر به فرد کریم و بزرگوار است که برکات و فواید آن برای خود فرد خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۴۸). خود آن حضرت نیز به این معنا اشاره کرده و می فرماید:

أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۴۱-۴۶۳)

برای تعجیل فرج و ظهور من بسیار دعا کنید؛ زیرا آن، گشایش و فرج شماست.

دعای «اللهم کن لولیک» به چند طریق و با تفاوتی اندک در محتوا روایت شده است. شیخ کلینی (م ۳۲۹ق) در کتاب کافی قرائت این دعا را به طور خاص، در باره شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان نقل کرده و گفته است که در تمام ماه مبارک رمضان و همچنین در همه لحظات عمر، خواندن این دعا خوب است. شیخ طوسی از فقیهان قرن پنجم (م ۴۶۰ق) در کتاب مصباح المتعجل (ص ۴۳۹)، سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) در الإقبال بالأعمال الحسنة (ص ۹۹)، ابن مشهدی (م ۶۱۰ق) در المزار الکبیر (ص ۶۱۱-۶۱۲)، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی (م ۹۰۵ق) در المصباح (ص ۷۷۹) این دعا را از محمد بن عیسی و او با سند خود از امامان

معصوم (در برخی از اسناد صالحین یا صادقین علیهم‌السلام) نقل کرده‌اند. به گواهی حدیث‌شناسان و علمای علم رجال، روایتی که در سند این دعا واقع شده‌اند، افراد ثقه هستند و از غیر معصوم روایت نمی‌کنند.

برداشت‌های تربیتی

دعاهای وارد شده از معصومین علیهم‌السلام تنها جنبه مناجات و تضرع ندارند، بلکه در متن دعا آموزه‌هایی وجود دارد که تربیت در حوزه‌های شناختی، گرایشی و رفتاری را جهت می‌دهند. دعای سلامتی امام زمان علیه‌السلام نیز به اجمال، فلسفه و عمل تربیت مهدوی را صریحاً و تلویحاً ارائه کرده است. در ادامه ضمن توجه به تک‌واژه‌ها و فرازهای این دعا به بخشی از برداشت‌های تربیتی اشاره می‌شود.

۱. تربیت شناختی

از جمله مهم‌ترین ابعاد تربیت - که تأثیری مهم در سایر ساحت‌های تربیتی دارد - تربیت شناختی است. محتوای دعای سلامتی بر پایه شناخت از خداوند و حجت‌های الهی است. از این رو تربیت حاصل از این اندیشه نیز خدامحور و ولایت‌محور است.

الف) شناخت خداوند

دعاهایی که از ائمه علیهم‌السلام رسیده‌اند، معمولاً با کلمه «الله» یا «اللهم» آغاز و در متن تکرار شده است؛ چنان که دعای سلامتی امام زمان علیه‌السلام نیز با «اللهم» آغاز شده است. این واژه در اصل «یا الله» بوده است و در ابتدای دعا، به این دلیل ذکر شده است که باید در هر کاری از خداوند متعال مدد بگیریم. «الله» اسم خاص خداوند است و همه صفات کمالی او را در بر می‌گیرد. این واژه دعا کننده را به ارتباط و پیش از آن به شناخت خداوند، توحید و مراحل آن و همچنین به فقر و نیاز هستی و بنده بودن همگان حتی انسان کامل نسبت به خداوند متعال و مدبر هستی متوجه می‌سازد؛ اعتقاد به این که آفریننده و مالک هستی خداوند است، تنها اوست که ربّ العالمین است، عملاً در عالم خلقت تصرف و آن را اداره می‌کند و هیچ موجودی بدون اذن و مشیت او در اداره جهان دخالت ندارد.

خواننده باور دارد که محتوای این دعا حقیقتی است که اراده خداوند متعال و سنت الهی بر تحقق آن تعلق گرفته است. او باور دارد که خداوند حمایت و سرپرستی امام را بر عهده دارد، او را حفظ می‌کند و یاری می‌نماید و وعده الهی تخلف‌ناپذیر است؛ اما برای آن که خود را در این

واقعه میمون و مبارک شریک و سهیم نماید در این دعا از خداوند می‌خواهد که با اراده و ربوبیت تکوینی و تشریحی خود و براساس سنن حاکم برهستی، عنایات خاص خود را شامل امام زمان علیه السلام ساخته و زمین را برای حکومت و سکونت او همراه با اطاعت مردم به مدت‌های طولانی، رام و فرمان‌بردار سازد تا انسان‌های زیادی در سایه این حکومت، به سرانجام نیک نایل شوند. همه این‌ها از واژه «کن» که فعل امر از باب «کان یکون» است، به دست می‌آید.

ب) جایگاه حجت و ولی الهی

«لام» در «لَوْلَيْكَ»، لام اختصاص است، و حرف «ک» در این کلمه، به خداوند متعال اشاره دارد. بنابراین منظور «وَلِيُّ اللَّهِ» انسان کامل، خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است.^۱ واژه «حجت» در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنما و چیزی که به وسیله آن، پیروزی در مقابل خصم حاصل می‌شود آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). بنابراین حجت الهی به آن چه خداوند به وسیله آن، انسان‌ها را به خود دعوت کرده تا هدایت شوند و به صراط مستقیم راه یابند گفته می‌شود که شامل آیات الهی کتاب‌های آسمانی، رسولان، پیامبران الهی و اوصیا و جانشینان آن‌ها می‌شود.^۲ در قرآن کریم این واژه به معنای اتمام حجت بر مردم و سد کردن بهانه‌جویی به کار برده شده است (نساء: ۱۶۵). پیامبران و اوصیای آن‌ها از این جهت «حجت» نامیده شده‌اند که خداوند به وجود آنان، بر بندگان خود احتجاج کرده و آنان را دلیل بر وجود خود قرار داده است (سلیمان، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

با توجه به روایات، هرگز زمین خالی از حجت نیست؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در

۱. لقب «ولیک» و یا «وَلِيَ اللَّهِ» از القابی است که درباره امام عصر علیه السلام وارد شده است. خداوند در شب معراج به پیامبر فرمود: «او به راستی ولی من است.» در کتاب *کفایة الاثر* خزّاز، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که به امام علی علیه السلام فرمود: «یا علی! اِنَّ قَائِمَنَا اِذَا خَرَجَ يَجْتَمِعُ اِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا عَدَدَ رِجَالِ بَدْرِ فَاِذَا كَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ يَكُونُ لَهُ سَيْفٌ مَّغْمُودٌ نَادَاهُ السَّيْفُ فَمَّا يَا وَلي اللَّهِ فَاَقْتُلْ اَعْدَاءَ اللَّهِ؛ این علی، هنگامی که قائم ما قیام کند، ۳۱۳ نفر به عدد اصحاب بدر در کنار او جمع می‌شوند؛ چون وقت خروج او برسد، شمشیری غلاف کرده دارد؛ پس شمشیر، او را ندا کند که: ای ولی الله، برخیز و دشمنان خدا را بکش!»

۲. همچنین در دعای سلامت، به امام زمان علیه السلام حجت اطلاق شده است و در بسیاری از دعاها و روایات، به آن حضرت «حجة الله» گفته شده است، هرچند تمام ائمه علیهم السلام حجت خدایند؛ ولی اگر در روایات، هرچا واژه حجت بدون قرینه ذکر شود، مراد امام زمان علیه السلام خواهد بود. برخی گفته‌اند که «حجة الله» لقب آن حضرت و به معنای غلبه یا سلطنت خداوند بر مخلوقات است؛ زیرا غلبه، سلطنت و حاکمیت خداوند بر زمین، به واسطه امام زمان علیه السلام به ظهور خواهد رسید و نقش خاتم آن حضرت «أنا حجة الله» و طبق روایتی «أنا حجة الله و خالصه» است و با همین مُهر، بر زمین حکومت می‌کند. (نوری طبرسی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۰۰-۱۰۱)

روایتی می‌فرماید:

به خدا سوگند از روزی که آدم قبض روح شد، خداوند هیچ سرزمینی را از پیشوایی که مردم به وسیله او به سوی خداوند هدایت می‌شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا همان حجت خدا بر بندگان است. (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۵۲)

این معنا از مفاد دعای ندبه نیز به دست می‌آید. از این فراز «الحجة» می‌توان استفاده کرد که پیروی و رهروی برخاسته از تعصب کورو بدون دلیل و حجت، از نظر عقل و نقل امری ناپسند است. از این رو به عنوان یک اصل، تربیت زمینه‌ساز باید بر اساس دلیل و حجت و پیروی از راهبرانی راه یافته صورت پذیرد، وگرنه زندگی جز مرگ در جاهلیت و انحراف از مسیر حق نیست.

ج) شناخت مقام و جایگاه امام

خداوند بر اساس ربوبیت خود، موجودات مختار مانند انسان را افزون بر هدایت تکوینی، به صورت تشریحی در مسیر رسیدن به هدف خلقت هدایت می‌کند. به طور کلی پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام - که از سوی خداوند منصوب شده‌اند - علم خدادادی دارند و از خطا و گناه معصومند و به موجب ولایت الهی شان بر همه مسلمانان، اطاعت آنان همچون اطاعت خدا و رسول او بر همگان واجب و برترین الگوی قابل پیروی برای انسان‌ها هستند. ائمه علیهم‌السلام تحت فشار حاکمان ستمگر در حد ممکن عموماً به تبیین و ترویج دین اسلام پرداختند؛ اما ثبوت مقام ولایت و امامت برای آنان حجت را بر مردم تمام کرده است، به گونه‌ای که وظیفه مردم تلاش برای برقراری جامعه اسلامی به امامت و زعامت ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است. در این زمان نیز مسلمانان موظفند در راه فراهم کردن زمینه‌های فردی و اجتماعی برپایی حکومت اسلامی به رهبری امام معصوم علیهم‌السلام تمام توان خود را به کار گیرند.

انسان از راه تعالیم دعاهایی مانند «زیارت جامعه کبیره» و «ندبه» - که درباره مقام اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام آمده‌اند - و تأمل در مضامین آن‌ها می‌تواند به جایگاه آنان پی ببرد، از روحانیت و باطنشان مدد جوید و ایشان را نزد خداوند واسطه فیض و اجابت دعای خویش قرار دهد (حکیمی، ۱۳۸۲: ۷۵).

نشناختن امام زمان علیه‌السلام به معنای ارتباط نداشتن با ایشان است و عدم ارتباط با امام، یعنی قطع پیوند هدایت با خداوند و این همان مرگ جاهلیت (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۰۹؛ مجلسی، ۱۴۲۳: ج ۳۲، ۳۳۱) و خروج از دین و گمراهی (شجاعی، ۱۳۸۶: ۱۹ - ۲۱) است. تأکید ادعیه

فراوان بر طلب معرفت حجت حق، نشان می‌دهد که شناخت امام معصوم علیه السلام مهم‌ترین معیار و ملاک برای شناخت حق و باطل است و تنها راه وصول به سعادت مادی و معنوی به شمار می‌رود (موسوی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۷۴). در احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام بر شناخت امام زمان علیه السلام تأکید بسیاری شده است (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۳۲). منظور از شناخت، تنها شناخت ظاهری و شناسنامه‌ای حسب و نسب آن حضرت نیست؛ بلکه مهم، حقیقت معرفت به امام عصر علیه السلام است (جوادی آملی، بی تا: ۴۱، ۶۶، ۶۷). حداقل نصاب چنین شناختی، این است که امام زمان علیه السلام را جز در مسئله نبوت، هم‌سنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدانیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أدنى معرفة الإمام أنه عدل النبي إلا درجة النبوة، ووارثه، وأن طاعته طاعة الله و طاعة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و التسليم له في كل أمر، و التذ إليه و الأخذ بقوله. و يعلم أن الإمام بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علي بن أبي طالب، و بعده الحسن، ثم الحسين، ... و الحجّة من ولد الحسن؛ (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۵۸۲)

کمترین چیزی که در شناختن امام لازم است، این است که او به‌جز در مقام نبوت هم‌سنگ پیغمبر و وارث اوست؛ و این که اطاعت از او اطاعت خداوند و رسول اوست، و در هر امری تسلیم او باشد و [در آن چه نداند] به او واگذارد و به او امر او عمل کند، و بداند که امام پس از رسول خدا علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از او حسن، سپس حسین ... و حجت از فرزندان حسن است.

بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام، پایین‌ترین درجه شناخت امام زمان علیه السلام این است که اولاً او در شئون تکوینی و تشریحی جز در بعد نبوت، هم‌شأن پیامبر است؛ ثانیاً شناخت امام عصر علیه السلام بدون توجه به جایگاه تکوینی امام در عالم هستی و اضطرار و ناچاری انسان به امام به دست نمی‌آید؛ زیرا تا انسان جایگاه محوری امام عصر علیه السلام در نظام هستی را درک نکند، خود را نیازمند و مضطر به امام نمی‌بیند؛ تا وقتی که ضرورت وجود امام را در حد اضطرار احساس ننماید، شئون تشریحی امام را درک نمی‌کند. وقتی انسان به این باور قلبی رسید که امام عصر علیه السلام پیش از آن که رهبری دینی - سیاسی باشد، دارای مقام ولایی در نظام تکوین است، ایشان نه تنها ولی نعمت و واسطه فیوضات الهی و برکات زمینی و آسمانی به شمار می‌آید، بلکه مایه تداوم حیات و بقای عالم است؛ چنان که در بخشی از دعای «عدیلة الکبیر» درباره وابستگی حیات جهان هستی به حیات او می‌خوانیم:

... الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ الْمُهْدِيِّ الْمُرْجَى الَّذِي يَبْقَائِهِ يَقِيَتِ الدُّنْيَا وَيَمْنِيهِ رُزْقَ الْوَرَى وَيُجُودُهُ
تَبَيَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَيَهْ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...؛
(مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۲۳)

آن امام قائمی که چشم‌ها در انتظار اوست و امیدها به آمدن او دوخته شده، کسی است که جهان هستی به برکت وجود او باقی و برقرار مانده است...

در پرتو چنین شناختی، همواره رشته ارتباط انسان با خدا و پیامبر و امام عصر علیه السلام پابرجا می ماند و پیوسته با دعا از خدا می خواهد که معرفت و شناخت او را نسبت به آن بزرگوار افزون کند و او را از گمراهی نجات بخشد. انسان در صورتی که عارف به امام و معتقد به او باشد و به انتظار امر او و عامل به تکلیف خود - یعنی انتظار و اصلاح اخلاق - بنشیند، گویی مثل سرباز همراه اوست (قیانچی، ۱۳۸۸: ۳۶۹ - ۳۷۰). دعا چنین شناخت و معرفتی را برای شخص ایجاد می کند. در نتیجه، یکی از آثار دعای «اللهم کن لولیک» آشنایی هرچه بیشتر ما با امام زمان علیه السلام است. افزایش شناخت نسبت به امام عصر علیه السلام به شوق و محبت نسبت به امام می انجامد و زمینه را برای شناخت بیشتر و انجام وظیفه از سوی محب به وجود می آورد.

د) قدردانی و سپاس

پس از شناخت امام و جایگاه او در هستی و فهم این نکته که او مهم ترین نعمتی است که خداوند عنایت کرده و به سبب وجود او بر همه منت گذاشته است، دعا کننده در پی شناخت وظیفه خود و عمل به آن نسبت و متناسب با جایگاه این ولی نعمت برمی آید. خواننده دعا چون خود را در به جا آوردن حق امام ناتوان می بیند از خداوند می خواهد که صلوات خود را بر او و پدرانش نازل فرماید.

واژه «صلوات» در اصل به معنای مطلق توجه به خداوند است و به معنای دعا، درود و رحمت به کار برده می شود. هرگاه صلوات به خدا نسبت داده شود، رحمت، نعمت، کرامت و افاضه برکات از ناحیه پروردگار خواهد بود (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۵۰۷-۵۰۸)، اما صلوات توسط مؤمنان بر پیامبر به معنای دعا و طلب رحمت بر ایشان است (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۱۶، ۳۳۸). فرستادن صلوات، درود و رحمت بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام در حقیقت تشکر و سپاس‌گزاری از حق رسالت و امامت و تحمل ادای تکلیف سنگین نبوت و امامت است که از مشکل ترین کارها به شمار می آید. تقدیم صلوات بر پیامبر و اهل بیت او، یادواره‌ای است که همواره ذکر و یاد آن معلمان بشر را در خاطر همه مردم زنده نگاه می دارد و

توجه انسان‌ها را به شخصیت والای الهی و معنوی و نظام تربیتی آنان جلب می‌کند. آن‌ها وسیله پیوند خلق با خالق و هدایت‌گر مردم به سوی خداوند هستند (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۴: ج ۴، ۱۰۰ - ۱۰۶). معنای صلوات بر امام علیه السلام به مانند صلوات بر پیامبر، این است که: خدایا، او را در دنیا به وسیله بلند کردن نامش و آشکار کردن دعوت و نگهداری و برپایی شریعت، و در آخرت به پذیرفتن شفاعت او درباره امتش و دوچندان کردن اجر و پاداشش بزرگواری کن. شناخت مقام ولی خدا و جایگاه او در هستی و فهم بی‌توفیقی‌های حاصل از محرومیت حضور و ظهور، از سویی به حزن از دوری منجر می‌شود و از سوی دیگر، درک فیض از امام غایب را در توجه و احساس نیاز به او می‌یابد. از این رو یاد او را در دل زنده می‌سازد و سبب می‌شود محب در همه لحظات و ساعات زندگی به یاد او باشد و بر او درود فرستد: «فی هذه الساعة و فی کل ساعة».

۲. تربیت عاطفی

یکی از ساحت‌های مهم تربیتی تربیت عاطفی و گرایشی است که در ایجاد انگیزه برای رفتار نقش مهمی دارد. خواندن دعای سلامتی و مداومت بر آن باید به انگیزه ایجاد محبت و تربیت گرایش‌های عاطفی به سوی امام عصر علیه السلام و در نتیجه تربیت انسان‌های زمینه‌ساز برای ظهور صورت پذیرد.

الف) نقش شناخت در محبت به امام

مقوله «محبت» در اعماق وجود انسان ریشه دارد و راه دسترسی به آن «تذکر» و «تنبّه» و مراجعه به درون خود شخص است. محبت تابع معرفت و شناخت است و با ذکر دائم و توجه به ویژگی‌ها و صفات، می‌توان به معرفت رسید (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ج ۸، ۴۷). هرچه شناخت بیشتر شود، محبت شدیدتر خواهد بود. از این رو باید در شناخت امام عصر علیه السلام کوشید. درباره شناخت امام عصر علیه السلام روایات بسیاری آمده است که به روایتی از امام رضا علیه السلام در توصیف امام بسنده می‌کنیم که می‌فرماید:

الإمامُ السَّحَابُ الْمَطِيرُ وَالْعَيْتُ الْهَاطِلُ وَالشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَالسَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَالْأَرْضُ
الْبَسِيطَةُ وَالْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَالْعَدِيرُ وَالرَّوَضَةُ الإِمَامُ الْأَيْسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ
الشَّفِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ؛ (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۰۰)

امام ابری است بارنده، بارانی است سیل‌آسا، آفتابی است فروزان و آسمانی است سایه‌بخش و زمینی است گسترده و چشمه جوشان است برکه و گلستان است. امام انیس

جان و رفیق مؤمنان است؛ پدری است مهربان و دل‌سوز و برادر تنی است؛ همچون مادری مهربان به فرزند کوچک خود و پناه بندگان خدا در موقع ترس و پیش‌آمدهای بد است.

واژه «شفیق» در لغت به معنای عَطوف، پرمحبت، مهربان، دل‌سوز، نصیحت‌گرو و حریص بر نصیحت دیگران همراه با دلواپسی و نگرانی آمده است (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۳۹۵). امام رضا علیه السلام محبت امام را به محبت مادر نیک‌رفتار نسبت به فرزند کوچک خود تشبیه می‌کند. باید باور داشت که محبت امام عصر علیه السلام به ما، افزون از محبتی است که پدری دل‌سوز و مادری مهربان نسبت به فرزند خود دارند. این حقیقت، جز در وجود مقدس آن حضرت یافت نمی‌شود. بنابراین وقتی که امام زمان علیه السلام نسبت به ما از پدر و مادرمان دل‌سوزتر و مهربان‌تر باشد، عقل و منطق حکم می‌کند که ما نیز به آن حضرت محبت بورزیم و با دعا کردن برای سلامتی و ظهور امام و پیروی از خواسته‌های ایشان احترام و محبت خویش را نشان دهیم (کبیر مدنی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۴۱).

واژه «ولیتاً» دربردارنده معانی وسیعی مانند سرپرستی، محبت، نصرت و یاری است. در این دعا از خداوند می‌خواهیم امام زمان علیه السلام را یاری کرده، او را محبوب خود قرار دهد و امور او را سرپرستی نماید؛ اما در حقیقت از خداوند می‌خواهیم دل‌های انسان‌ها را از محبت به امام پر سازد و از این طریق، زمینه نصرت و فدا شدن در راه او را فراهم کند. بنابراین از آثار دعای سلامت، ایجاد حس محبت است.

ب) ابراز محبت به امام زمان علیه السلام از طریق دعا

بدون تردید، «محبت» از بهترین راه‌های پیوند میان افراد است. منتظران واقعی، کسانی هستند که عالی‌ترین پیوند عاطفی را با امام منتظر دارند و محبت به آن عزیز را بر همه محبت‌ها مقدم می‌دارند. این محبت چنان عمیق است که در رفتار و کردار آنان نشان داده می‌شود. از جلوه‌های ابراز محبت به امام زمان علیه السلام این است که نام و یاد آن حضرت همیشه و هر جا بردل و دیده و زبان منتظران جاری است و برای سلامتی و تعجیل در فرجش دعا می‌کنند (حائری پور، ۱۳۸۸: ج ۳، ۲۱-۲۲). خداوند در قرآن کریم محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصوم علیهم السلام آن حضرت را بر همگان واجب کرده و آن را به عنوان مزد رسالت پیامبر مطرح فرموده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)

[ای پیامبر! به مردم] بگو: من از شما بر این [رسالت خود] هیچ مزدی جز مودت نزدیکانم را نمی خواهم.

دوستی و علاقه به اهل بیت علیهم السلام به عنوان اجر رسالت، برای پیامبر و اهل بیت منفعتی ندارد؛ بلکه تنها مؤمنان در دنیا و آخرت از آن بهره مند خواهند شد:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾
(سبأ: ۴۷)

بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است.

در حقیقت همین محبت ها و ارتباط های روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می سازد، و سلوک انسان را در راستای اراده خداوند متعال شکل می دهد. با محبت امام زمان علیه السلام است که زمینه های اطاعت از او فراهم می شود، و با همین اطاعت، راه کمال انسان به سوی خداوند هموار می گردد. شاید به همین سبب باشد که امام زمان علیه السلام می فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مِمَّا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۸)

پس هریک از شما باید به آن چه او را به مقام محبت ما نزدیک می کند، عمل نماید.

بنابراین، انجام هرگونه عملی که بتواند، مقدمه ای برای ایجاد محبت بیشتر نسبت به امام زمان علیه السلام باشد، وظیفه ای بر عهده شیعیان خواهد بود.

ج) داشتن ارتباط معنوی با محبوب

افزایش معرفت و شناخت انسان نسبت به مقام امام، سبب بیشتر شدن ارتباط او با آن حضرت می شود. مقصود از ارتباط معنوی، پیوند عمیق روحی و عاطفی با امام مهدی علیه السلام است. از آثار این ارتباط آراسته شدن به اخلاق و آداب مهدوی است. هدف از داشتن ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام هدایت یافتن و تربیت شدن خود انسان است. یکی از راه های برقراری ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام دعا برای آن حضرت است. اگر انسان در دعا اعتقاد و ایمان قلبی داشته باشد به این که امام زمان علیه السلام نزدیک اوست، او را می بیند و صدایش را می شنود، زمان و مکان نمی تواند میان او و امامش فاصله اندازد و همواره تحت اشراف آن حضرت قرار دارد. در این صورت، قطعاً مراقبت می کند و به اصلاح و تربیت خود می پردازد؛ چنان که آن حضرت در توقیع به شیخ مفید فرموده که همواره در جریان احوال شیعیان خود است و از یاد آنان غافل نمی شود:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ؛ (همو: ۴۹۷)
 ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم؛ زیرا در غیر این صورت،
 سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه کن کرده و از بین می‌برند.

۳. تربیت رفتاری

عملکرد انسان تحت تأثیر بینش‌ها و به‌ویژه گرایش‌های فرد شکل می‌گیرد. هنگامی که شناخت و محبت انسان نسبت به امام افزایش یافت، عمل و رفتار او بر اساس هدف و وظیفه شکل می‌گیرد.

الف) وظیفه منتظر در عصر غیبت

وقتی در دعای سلامتی امام زمان علیه السلام از خداوند می‌خواهیم که ولی و حافظ و ناصر امام عصر علیه السلام باشد، این پرسش مطرح می‌شود که وظیفه ما نسبت به آن حضرت چیست؟ آیا ما وظیفه محبت، حفاظت و یاری کردن آن حضرت را نداریم؟ چگونه به او محبت ورزیم و او را یاری کنیم؟ وقتی شناخت و محبت انسان منتظر به امام زمان علیه السلام کامل شد او را آماده انجام وظیفه در مسیر ظهور می‌سازد. به طور کلی وظیفه یک شیعه و یک عاشق دل‌سوخته پیش از هرچیز، یاد امام زمان علیه السلام در هر زمان و هر مکان و در همه حالات است. پاک‌سازی درون از صفات پلید و آراستن آن به وسیله اخلاق پسندیده، از جمله وظایفی است که در هر زمان واجب است؛ اما پرداختن به آن، در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام به ما کمک می‌کند تا در شمار اصحاب آن حضرت قرارگیریم. انسان منتظر، با توجه و اقبال قلبی، ارتباط میان خود و ولی و حجت حق را محکم می‌کند و تا جایی پیش می‌رود که نه تنها از او توقعی ندارد، بلکه متعهد می‌شود تمام دارایی‌ها، خانواده و آنچه را خداوند به او عطا کرده، در راه محبوب به مصرف رساند. البته این محبت یک‌سویه نبوده، بلکه نقشی سازنده و تربیت‌کننده به‌ویژه در کمال انسان و تقرب به خداوند متعال دارد و عنایات خاص امام را شامل محب می‌سازد.

ب) فدا شدن برای محبوب

وقتی که به حکم صریح قرآن محبت اهل بیت پیامبر علیهم السلام و به‌ویژه محبت امام زمان علیه السلام بر مسلمانان واجب شده و محبت آنان در دل‌های مردم به عنوان مزد رسالت پیامبر معرفی گردیده است، فدا شدن برای محبوب، امری ضروری خواهد بود؛ زیرا محبت واقعی، هنگامی تحقق پیدا می‌کند که محب جانش را برای محبوب و در راه او فدا کند و به خاطر او از جان و تن خویش بگذرد. محبت باید در عمل باشد و ابراز آن در زبان، حقیقت را به صورت کامل

منعکس نمی‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دَلِيلُ الْحُبِّ إِتْبَارُ الْمُحِبُّوبِ عَلَى مَا سِوَاهُ؛ (مجلسی ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۲۲)
نشانهٔ محبت، ایثار در محبوب و از غیر او گذشتن است.

در این دعا به خداوند عرض می‌کنیم: خدایا، تو امام زمان علیه السلام را از گزند حوادث و کیدها حفظ کن و نقشه‌های دشمنان و شیاطین علیه او را نقش بر آب نما. خدایا، او را از بلاها و بیماری‌ها محافظت کن تا بتواند به خوبی ولایت خود را اعمال کند.
هم‌چنین، در فرازی از زیارت آل یاسین از خداوند می‌خواهیم که امام عصر علیه السلام را از جمیع بدی‌ها حفظ کند:

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ اخْرُسْهُ وَ أَمْتَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَّلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ؛ (ابن طباوس، ۱۳۷۱: ۴۹۳)

خدایا، او (حضرت مهدی) را از شر هر ظالم و طاغی و از شر همهٔ آفریدگان خود، در پناهت نگهدار و او را از پیش رو و از پشت سر و راست و چپ و رخدادهای مختلف محفوظ دار، و از رسیدن هر بدی و آسیبی نگهدار و حفظ فرما.

پس ما نیز وظیفه داریم که برای حفظ و نگهداری امام زمان علیه السلام و یاری او آماده باشیم و برای اصلاح جامعه و زمینه‌سازی ظهور آن حضرت، جان ناقابل خویش را فدای راه محبوب سازیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردن در راه محبت اهل بیت خویش را شهادت در راه خدا معرفی کرده و می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً؛ (شعبی، بی تا: ۱۶۶؛ طبری آملی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۹۷)
کسی که بر محبت خاندان محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

از این رو جامعه شیعی باید به گونه‌ای تربیت شود که با شناخت کافی، آمادگی برای فدا شدن در راه حفظ دین و حفظ قرآن و امام زمان علیه السلام را پیدا کند.

ج) یاری امام

کلمه «ناصر» به معنای یاری کننده است. انسان باید بداند، تنها کسی که می‌تواند مشکلات وی را برطرف نموده و او را یاری کند، خداوند متعال است؛ چنان‌که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم: ۴۷)

یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما.

در فرازی از زیارت آل یاسین از خداوند می خواهیم که امام زمان علیه السلام را یاری کند؛ زیرا یاری او به منزله پیروزی دین حق است:

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ؛ (مجتهدی سیستانی، ۱۴۲۱: ۵۶۹)

پروردگارا، او را یاری کن و به وجود او دین خودت را پیروز فرما و دوستان خود و دوستان و شیعیان و یارانش را پیروزی عطا کن و ما را هم از یاران و شیعیان او قرار ده.

همچنین در زیارت آل یاسین یکی از نام های امام عصر علیه السلام «ناصر» - به معنای یار و یاور دین و یاری کننده حق خدا - معرفی شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۱۷۱)

سلام بر تو ای جانشین خدا در زمین، و ای یاری دهنده دین و حق خدا.

واژه «ناصر» در دعای سلامتی امام زمان علیه السلام به این معناست که از خداوند می خواهیم که یاور و مددکار امام زمان علیه السلام باشد؛ زیرا او قدرت مطلق است و در تحقق برنامه ها، بهترین یاور مؤمنان به شمار می رود. وظیفه منتظر آن است که همواره فریاد «هل من ناصر» امام زمان علیه السلام را در گوش جان خود زمزمه کند و با انجام درست وظیفه در هر مقام و پستی که قرار دارد و با خدمت به دین و دین داران و حرکت در مسیر اهداف امام عصر علیه السلام زمینه های ظهور را فراهم سازد. بنابراین برنامه ریزی عملی در زندگی در مسیر کسب تقوا و جدیت در درستکاری و پرهیز از رفتارهای زشت، تحصیل علوم و معارف اصیل دینی، راهنمایی و هدایت بندگان خدا به ویژه در قالب درست امر به معروف و نهی از منکر و دعوت از دیگران برای بهره مند شدن از برکات امام زمان علیه السلام تجلیل از آن حضرت در جامعه و رابطه سازنده و مددگرا نه نسبت به شیعیان و مستضعفان، تقیه کردن، دعا در تعجیل فرج و تمنا و آرزوی یاری حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ظهور و فرج آن حضرت، نمونه رفتارهایی هستند که نشان از دوستی و یاری امام عصر علیه السلام دارد.

د) خود را در محضر امام دیدن

«عیناً»؛ لغت شناسان برای واژه «عین» معانی بسیاری همچون چشمه و آب جاری، چشم و

عضوی که با آن اشیا را می بیند، نور خورشید، ذات و خود یک شیء، طلا، نقد در مقابل نسیه، اشراف مردم، جاسوس و... ذکر کرده اند (طریحی، ۱۴۰۳: ج ۶، ۲۸۶). از دیگر معانی واژه «عین» در لغت، مراقبت و نگهبانی از یک چیز است؛ برای مثال، وقتی گفته می شود که «فلان بعینی» مراد این است که او را حفظ و مراقبت می کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۳۵۷). کلمه عین، به معنای چشم، اصلی ترین عضو شناخت است؛ زیرا آدمی با چشم خود، کران تا کران جهان را می بیند و محیط خود را درک می کند. ما از خدا می خواهیم که خودش برای امام زمان علیه السلام «عین» باشد و امام از طریق او جهان و حرکت خود را ببیند؛ زیرا دید خدایی خطا ندارد و بدون نقص و انحراف است.

در روایات و دعاها بر همه امامان معصوم - به خصوص بر امام مهدی علیه السلام - «عین الله» اطلاق شده است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ؛
(کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۴۵)

ما حجت خدا، باب الهی، زبان خدا، وجه الهی و چشم خدا در بین آفریدگان اویسیم.

همچنین در زیارت روز جمعه می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

امام مهدی علیه السلام چشم خدا در بین مخلوقات و چشمه حیات و زندگی موجودات است. انسان منتظر با اعتقاد به این امر که در محضر امام علیه السلام است و ایشان ناظر بر اعمال و کردار اوست، بر رفتار خود مراقبت می کند و از این طریق به خودسازی می پردازد.

هـ، آثار اخلاقی

در تعالیم اسلامی بر تربیت نفس تأکید شده است. مشکل نفس، توجه به خود، و علاج اصلی و درمان بنیادین این مشکل، تغییر توجه به مبدأ هستی و کمال مطلق است. دعا برای سلامتی مهدی موعود علیه السلام و مصلحتی که در همین کره خاکی زندگی می کند و در انتظار زمانی است که شرایط ظهورش فرا رسد نیز در رشد و تعالی روانی و اصلاح رفتار ما بسیار مؤثر است. باید توجه داشت که رعایت تقوا - به عنوان مهم ترین وظیفه در عصر غیبت - و آمادگی برای فدا کردن مال و جان و هستی در راه خدا و سعادت و کمال و عدالت خواستن برای همه اهل زمین، روح خودخواهی و برتری طلبی و در یک کلام، دوری از هوای نفس را در انسان پرورش می دهد

و بدین ترتیب مهم‌ترین عامل تربیت اخلاقی شکل می‌گیرد.

و) دعوت به سوی امام

عبارت «قائداً و دليلاً» در این دعا به این معناست که از خداوند تقاضا می‌کنیم برای امام زمان علیه السلام دلیل و راهنما باشد تا زمینه‌های ظهور او فراهم شود و با قیام زیبای او عدالت را در جهان حاکم گرداند. در دعای روز جمعه درباره او چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلِيِّكَ... الدَّلِيلِ عَلَيْكَ؛ (همو: ۵۹)

خدایا، بروئی خودت - که خلق را به راه تو دلالت و راهنمایی می‌کند - درود فرست.

در زیارت آل یاسین - که زیارت مخصوص امام زمان علیه السلام است - به آن حضرت، دلیل، نشانه و راهنما به سوی مقاصد الهی اطلاق شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۳)

اکنون این پرسش مطرح است که وظیفه تربیتی منتظران چیست؟ منتظران امام زمان علیه السلام پس از شناخت و پذیرش امام چگونه می‌توانند راهنما و هدایت‌گر مردم باشند؟ به نظر می‌رسد انجام فعالیت‌های تبلیغی و دعوت علمی و عملی مردم و آشنا کردن جوامع بشری و جهانی نسبت به شخص امام زمان علیه السلام و اهداف قیام حضرت در ایجاد حکومتی الهی، وظیفه‌ای است که شیعیان باید خود را براساس آن تربیت و آماده نمایند. با رشد اطلاعات و دانش خود و شناخت شبهات موجود، بصیرت خود را افزایش داده و از قشری‌نگری و ساده‌پنداری دوری گزینند و با چشمی باز، نور چشم امام شوند.

۴. تربیت سیاسی و اجتماعی

عبارت «حَتَّىٰ تَسْكُنَ أَرْضَكَ طَوْعاً» در دعای سلامتی امام زمان علیه السلام تقریباً لَبَّ و مغز دعا را تشکیل می‌دهد. در ترجمه این عبارت احتمالات متعددی وجود دارد؛ اما با توجه به بیان عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً» (همه آن‌ها که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسلیم او خواهند شد؛ چه با میل چه با اکراه - آل عمران: ۸۳) فرمود:

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، سرزمینی باقی نمی‌ماند، مگر این‌که در آن، ندای شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بلند است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳)

می‌توان گفت در این فراز، از خداوند می‌خواهیم که زمین و اهل آن را مطاع و فرمان بردار امام عصر^{علیه السلام} قرار دهد و حکومت او را برای ابد بر زمین مستقر و پایجا بدارد. «و تمتعه فیها طویلاً»؛ این عبارت، بیان‌گر آرزوی طول بقا برای حکومت آن موعود جهانی است. دعاکننده در این فراز از خداوند می‌خواهد که امام مهدی^{علیه السلام} را به صورت طولانی در روی زمین متمکن و قدرتمند سازد. در طریق سید بن طاووس در *اقبال الأعمال* عبارت «طولاً و عرضاً» آمده است که به جهانی بودن حکومت آن حضرت در طول و عرض کره زمین اشاره دارد. به نظر برخی جمله «تمتعه فیها طویلاً» بر طول عمر امام مهدی^{علیه السلام} و بهره‌مندی در زمین به مدت طولانی دلالت دارد و مدت حکومت او در زمین طولانی‌تر از زمانی که در غیبت سپری شده خواهد بود (حلی، ۱۴۲۱: ۴۶۰-۴۶۱).

برخی از دعاها، از جمله دعای سلامت، عامل تلقین اعتقاد به نبوت، امامت و لزوم رهبری معصومان^{علیهم السلام} و انسان‌های عادل در جامعه‌اند. این نوع دعاها، مؤثره مؤلّد امید و آرزوی صلح و صفا در جوامع بشری، مژده پیاده شدن قوانین حیات‌آفرین و سعادت‌بخش اسلام در میان همه ملت‌ها و تشکیل مدینه فاضله در جهان هستند (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۳۸). یکی از آثار تربیتی دعای «اللهم کن لولیک»، تربیت سیاسی و اجتماعی است؛ زیرا در خود این دعا، واژه‌ها و جملاتی به کار رفته که بر امور سیاسی و اجتماعی دلالت می‌کنند؛ برای مثال، واژه «ولی» و دو جمله «حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً» بیان‌گر پیام‌های سیاسی و اجتماعی هستند.

یکی از معانی واژه «ولی» ولایت، رهبری، تصرف و سرپرستی امور جامعه است. با خواندن جمله‌های مذکور، از پیشگاه خداوند برقراری حکومت ولایی و الهی امام عصر^{علیه السلام} را در زمین خواسته‌ایم و اعتقاد به ولایت سیاسی امام زمان^{علیه السلام} بر جامعه، مستلزم این است که برای پذیرش استقرار حکومت او، جامعه‌ای ولایی را تربیت و آماده کنیم. جامعه ولایی، جامعه‌ای است که سرپرستی و رهبری خداوند و دین را پذیرفته و با رفتن زیر چتر ولایت در صدد مصونیت‌بخشی خود از انحرافات و حوادث است. چنین جامعه‌ای در همه امور به دنبال اطاعت از فرمان‌های امام خویش است و او را حتی در زمان غیبت، حاکم بر جان، مال و ناموس خود می‌داند. از این رو هرگونه رابطه سیاسی که با خواسته‌های امام عصر^{علیه السلام} منافات داشته باشد، از نظر افراد این جامعه مردود است. در چنین جامعه‌ای سکوت در برابر ظالمان یا همکاری با آنها پذیرفتنی نیست و حتی اگر در آن،

طاغوت‌ها به ظاهر حاکم باشند، ولی ولایت آن‌ها پذیرفته نمی‌شود (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۳۸).

اصلاح خود و دیگران

از جمله آثار و پیام‌های دعای سلامت امام عصر علیه السلام اصلاح فرد و جامعه است؛ زیرا منتظر واقعی کسی است که زمینه ظهور آن حضرت را فراهم می‌کند و این امر هنگامی محقق می‌شود که او به اصلاح خود و دیگران بپردازد؛ اما کسی که باور دارد در زمان غیبت ولی خدا هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمربخش نیست، هرگز برای مبارزه با طاغوتیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها، انگیزه‌ای نخواهد داشت؛ ولی کسانی که می‌دانند دیر یا زود صالحان حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش بازمی‌گردد و با محو ستم و بیداد، امر جامعه اصلاح و سامان می‌یابد، برای رسیدن به مقصود، خویشتن را اصلاح خواهند کرد و در اصلاح جامعه نیز می‌کوشند تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورند. بر همین اساس، آن‌که منتظر راستین مصلح جهانی است، هم صالح است و هم مصلح (جوادی آملی، بی‌تا: ۱۸۳-۱۸۴). جامعه ظهور باید مستعد پذیرش گردد (حتی تسکنة ارضك طوعاً) تا فرمان بردار احکام الهی شود و اعمال خود را متناسب با اراده و وعده الهی شکل دهد و برنامه‌ریزی کند. این طوع و رغبت و استعداد، باید مستحکم و بنیادی باشد تا حکومت عدل مهدوی پایدار بماند و تداوم یابد (و تمتعه فیها طویلاً). منتظران در دعای خود، آمادگی اجتماعی را مبنایی برای شکل‌گیری مشیت الهی در ظهور حضرت می‌دانند. این اشتیاق برای رسیدن به جامعه‌ای صالح، متخلق، عادل، عالم، آزاد، ظلم‌ستیز و مهرورز تدارک دیده شده است (فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۶۴-۶۷). بنابراین، یکی از راه‌های زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام همان دعا برای سلامتی و ظهور ایشان است.

جمله «و تمتعه فیها طویلاً» به دوران حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام بعد از ظهور اشاره دارد و رسیدن به حکومتی آرمانی - که مورد پذیرش همه انسان‌ها باشد - آرزوی هر انسان مؤمن و متعهد است. هر فرد منتظر هیچ‌گاه در رفتار سیاسی و اجتماعی خویش روحیه شکست و ناامیدی به خود راه نمی‌دهد و به خود، جامعه، جهان و سیاست، نگرشی مثبت و سازنده دارد. انتظار به انسان امید می‌بخشد و آینده را برایش روشن و زیبا ترسیم می‌کند و او را از عزلت‌نشینی و افسردگی بیرون می‌آورد. انتظار فرج، روح امید و نشاط را در جامعه می‌دمد و انسان را به تلاش و حضور سازنده و فعال در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی وامی‌دارد

(موسوی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۷۶-۲۷۷).

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. منتظران واقعی افزون بر این که در اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند دیگران را نیز اصلاح کنند (طاهری، ۱۳۸۶: ۲۱۲-۲۱۳). منتظر مصلح جهانی، خود باید صالح و مصلح باشد. در اسلام بر لزوم مبارزه با هرگونه فساد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تأکید فراوانی شده است. امر به معروف و نهی از منکر از منظر اسلام، وظیفه همگانی است. نتیجه مستقیم انجام این فریضه، اصلاح است و مجری آن، مصلح نامیده می‌شود. رضایت و خشنودی امام عصر علیه السلام نیز در این است که «معروف» در جامعه عملی گردد و منکرات ترک شوند. انسان منتظر نباید درباره امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و محیط پیرامونش بی‌اعتنا باشد. افراد جامعه منتظر قطعاً خشنودی امام زمان علیه السلام را می‌خواهند و به او اقتدا می‌کنند و برای اقامه احکام خدایی، تنبلی و بی‌تفاوتی را از خویشتن دور می‌سازند (دانش، ۱۳۸۶: ج ۴، ۱۳۶-۱۳۷). انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام شور و نشاط، شوق یاری و همراهی، تحرک و پویایی، ظلم‌ستیزی و حرکت به سوی کمال و سعادت انسانی و ایجاد امنیت فردی و اجتماعی را در پی دارد؛ چرا که ابعاد مختلف انتظار آن حضرت، منتظران را در ابعاد گوناگون هدایت می‌کند.

انسان منتظر از نظر اجتماعی مراقب حال دیگران بوده و افزون بر اصلاح خود، در اصلاح دیگران نیز کوشاست (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۱۵-۳۱۶). تربیت و سامان‌دهی اجتماعی و سیاسی، دو رکن بنیادین آموزه‌های اسلامی به شمار می‌آیند. این دو اصل، خلاصه و عصاره معارف ناب قرآنی و روایی هستند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام همگی در تلاش بوده‌اند که این دو مهم را در روح و روان انسان‌ها و در جامعه انسانی سریان دهند و روان‌ها را با آن بیارایند و با آن‌ها زنگار بی‌تربیتی، ناهنجاری و آشفتگی را از ساحت جامعه بزدایند. جان‌مایه و روح این دو اصل را می‌توان در قالب دو واژه «اصلاح» و «صلاح» نشان داد. این دو واژه در فرهنگ دینی، دربردارنده پیام خودسازی و جامعه‌پذیری‌اند. بنابراین، از کسی که می‌کوشد زمینه پیرایش، پرورش، فلاح، صلاح خود و اصلاح و آرایش جامعه را فراهم سازد، به عنوان صالح مصلح یاد می‌شود. در برابر، آن که خود و جامعه را به سمت و سوی فساد و فرومایگی می‌کشاند و آلودگی روحی و اجتماعی را گسترش می‌دهد، فاسد مفسد است (ده‌شیحی، ۱۳۸۹: ۷۶).

نتیجه

در بین دعاهایی که درباره امام زمان علیه السلام وارد شده است، دعای «اللهم کن لولیک» جایگاه ویژه‌ای دارد. این دعا در بسیاری از کتاب‌های روایی، ادعیه و زیارات از جمله کافی و مصباح *المتجهد* آمده است. هرچند عبارات این دعا از سی کلمه تجاوز نمی‌کند، اما از محتوای ارزشمندی برخوردار است. دعای سلامتی از این حقیقت پرده برمی‌دارد که سنت الهی در جریان زندگی بشر به تحقق حاکمیت الهی توسط ولی، حجت و خلیفه الهی می‌انجامد و انسان‌ها به ویژه منتظران با توجه به میزان شناخت و معرفت، محبت و رفتارشان در تحقق این وعده الهی سهیمند.

در این پژوهش با اعتقاد به این نکته که دعا افزون بر ایجاد ارتباط آگاهانه بین بنده و خداوند متعال، در تربیت شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری دعاکننده اثرگذار است، به بررسی و برداشت بخشی از آثار این دعا در حوزه‌های مختلف تربیتی پرداخته شد و از بررسی‌های انجام شده نتیجه می‌گیریم: مفاد این دعای شریف، ما را به اموری و اصولی رهنمون می‌شود که در تحقق تربیت زمینه‌ساز باید مورد توجه قرار گیرند. بنابراین تربیت زمینه‌ساز باید الهی و ولایی محور، مبتنی بر دلیل و حجت، شناخت محور و محبت محور، بر اساس مسئولیت‌پذیری و انجام وظیفه باشد.

منابع

- ابن طاوس، علی بن موسی، *جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، بی جا، مؤسسه الآفاق، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- _____، *فلاح السائل*، ترجمه: محمد روحی (با نام ادب حضور)، قم، دفتر انتشارات انصاری، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- أم مهدی، السيدة، *المنتظر والمنتظرون*، تقدیم: العلامة آية الله جعفر سبحانی، بی جا، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی* علیه السلام موجود موعود، تحقیق و تنظیم: سید محمد حسن مخبر، ویرایش: سعید بند علی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، بی تا.
- حائری پور، محمد مهدی، «شاخصه های جامعه منتظر ظهور»، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
- حسینی واسطی زبیدی حنفی، محب الدین ابی فیض السید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- حکیمی، محمدرضا، *مقدمه ای بر شناخت دعا*، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
- حلّی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، تصحیح: مشتاق مظفر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- دانش، اسماعیل، «نقش آموزه انتظار در پایداری جنبش های اسلامی»، *مجموعه مقالات سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- درتاج، فتانه، «جامعه منتظر ظهور منجی»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت (با رویکرد حقوقی و سیاسی)*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

- ده شیخی، بتول، مهدویت و جهانی شدن، تهران، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، قم، منشورات ذوی القربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
- سعیدی، احمد، اوصاف المهدی علیه السلام، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- سلیمیان، خدامراد، درسینامه مهدویت (۱)؛ حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا امامت، قم، مرکز تخصصی مهدویت - تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۸۹ ش.
- شجاعی، محمد، آشتی با امام زمان علیه السلام، قم، نشر محیی، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- طالعی، عبدالحسین، ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام، تهران، شرکت نشر میقات، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر (آستانه مقدسه)، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ ش.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، مصباح المتعجد، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح (جنة الأمان الواقیة)، قم، دارالرضی، چاپ دوم،

۱۴۰۵ق.

- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.

- فؤادیان، محمدرضا، «بررسی ادله نفی قیام‌های پیش از ظهور»، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ش.

- _____، *شرح دعای اللهم کن لولیک*، قم، انتشارات سبط النبی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.

- فیروزآبادی، سید حسین، «راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی»، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ش.

- فیض کاشانی، ملا محسن، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.

- قیانچی، سید صدرالدین، *هدف اصلاحی نهضت امام حسین (ع) و قیام امام مهدی (ع)*، ترجمه: دکتر نورعلی احمد فالحی، تهران، مؤسسه فرهنگی مهر تابان، ۱۳۸۸ش.

- کبیر مدنی، سید علی خان بن احمد، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، تصحیح: محمدحسین امینی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ش.

- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ترجمه و شرح: محمدباقر کمره‌ای، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ج ۲ و ۶، ۱۳۷۲ش - چاپ سوم، ج ۱، ۱۳۷۵ش.

- گروه نویسندگان، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه آموشی و پژوهشی امام خمینی، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰ش.

- گودرزی، مجتبی، «فلسفه امنیت و آموزه انتظار»، *گفتمان مهدویت (سخنرانی‌ها و مقاله‌های گفتمان نهم)*، تهیه و تدوین: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.

- مجتهدی سیستانی، سیدمرتضی، *المختار من الصحیفه المبارکه المهدیه*، بی‌جا، دارالثقلین، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

- مجلسی، محمدباقر، زاد المعاد - مفتاح الجنان، تصحیح: علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- مشکینی اردبیلی، علی، «دعا از دیدگاه قرآن و روایات»، نیایش از نگاه اندیشمندان، تهران، مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشری، ۱۳۸۷ش.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن، شهود و شناخت (ترجمه و شرح صحیفه سجادیه)، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ج ۱ و ۴، ۱۳۸۵ش - ج ۲، ۱۳۸۴ش.
- موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
- موسوی، سید مهدی، «تربیت سیاسی در پرتو انتظار»، مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ش.
- موسوی نسب، سید محمدرضا، «مراحل تحول فهم و انگیزه دعا در کودکان و نوجوانان»، مجله دین و روان‌شناسی، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ش ۱۴، ۱۳۹۱ش.
- نوری طبرسی، حسین، نجم الثاقب فی احوال الإمام الغائب، تحقیق و ویرایش: صادق برزگر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ یازدهم، ج ۱، ۱۳۸۶ش - چاپ ششم، ج ۱، ۱۳۸۳ش.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۸

فصل نامه علمی- تخصصی پژوهش‌های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

تجلی امام عصر^{علیه السلام} در آینه شعر معاصر عربی

محسن سیفی*

اسما سلطانی فرد**

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، امری فطری، عقلی و دینی است که از آرمان‌های مشترک بیشتر ادیان و مذاهب دنیا به شمار می‌رود. اندیشه اعتقاد به منجی موعود مسلمانان، مهدی منتظر^{علیه السلام} - همو که قیام و دعوتی جهانی دارد و برای نجات بشر می‌آید - در آینه شعر نیز نمایان شده و بر این اساس، مهدویات - که یکی از موضوعات شعری شیعی به شمار می‌آید - گستره وسیعی از ادبیات شیعی را در دوره‌های گوناگون فراگرفته است. شاعران معاصر عربی نیز در شعر خود ارادت خالصانه خویش را به محضر امام عصر^{علیه السلام} اظهار داشته‌اند و در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون درباره آن حضرت به سرایش پرداخته‌اند.

این نوشتار بر آن است تا به بررسی اشعار برخی از شاعران معاصر عربی در زمینه مهدویت بپردازد و بازتاب مفاهیمی همچون غیبت، بهره‌مندی مردم از امام غایب، انتظار، دادخواهی، دعوت به قیام و برپایی حکومت عدل را در اشعار آنان تبیین و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

امام عصر^{علیه السلام}، غیبت، انتظار، شعر معاصر عربی، قیام.

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (motaseifi2002@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی.

مقدمه

اعتقاد به ظهور نجات بخش جهانی در میان همه انسان‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. همه در درون خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظار این که از وضع موجود به در آیند و به وضعی ایده‌آل دست یابند. این اعتقاد کهن در فطرت انسان و در دعوت تمامی پیامبران ریشه داشته و در ادیان مختلف به شکل‌های گوناگون معرفی شده است؛ زرتشتیان در انتظار سوشیانت، یهودیان در انتظار ماشیح، مسیحیان در انتظار مسیح و مسلمانان چشم به راه مهدی عجله الله تعالی فرجه هستند.

بشارت موعود، امری فطری، دینی و عقلی در تاریخ بشر به شمار می‌آید و همه در انتظار موعودی به سر می‌برند تا به پا خیزد و جهان را از قسط و عدالت فراگیرد، سرشار سازد. منجی موعود مسلمانان، مهدی عجله الله تعالی فرجه است؛ همو که برای نجات بشر از ظلم و تجاوز ستمکاران و متجاوزان می‌آید تا به پیکار با ظالمان برخیزد و یاور مظلومان باشد. اندیشه اعتقاد به منجی در شعر نیز نمایان شده است و بر این اساس یکی از موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. در این نوشتار برآنیم تا به بررسی اشعار شاعران معاصر که درباره مهدویت سروده شده بپردازیم و آن را از جوانب گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

جشن میلاد امام عصر عجله الله تعالی فرجه - که از اعیاد بزرگ و خجسته اسلامی است - همواره مورد توجه شاعران بوده و در این موضوع به سرایش اشعار پرداخته‌اند. مسئله غیبت و انواع آن و فواید آن نیز از جمله مواردی است که شاعران در خلال اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند. شاعران همواره از سرگردانی و رنجوری خویش در عصر غیبت سخن به میان می‌آورند و در فراق مولایشان ندبه سر می‌دهند.

در خلال اشعار شاعران، مسئله چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر عجله الله تعالی فرجه - که در روایات به آن اشاره شده است - نیز به چشم می‌خورد.

شاعران بی‌آن که امید از کف دهند از اشتیاقشان برای دیدار امام عصر عجله الله تعالی فرجه سخن می‌گویند و در انتظار روزی به سر می‌برند که در آن هیچ ستم و تبعیض و تعدی نیست. آنان بی‌صبرانه چشم به راه تحقق حق و عدل هستند.

شاعران معاصر شیعی - که هنوز داغ بزرگ ماجرای عاشورا را بر سینه دارند - در اشعارشان ظهور حضرت عجله الله تعالی فرجه و خون‌خواهی خون‌جدهش امام حسین عجله الله تعالی فرجه را خواستارند. از دیگر موضوعاتی که در اشعار شاعران این عصر به چشم می‌خورد، شکایت از وضع موجود

و اشاره به حقوق مسلوبه شیعیان است. از این رو شاعران ملتسمانه از خداوند مثنان، تعجیل در فرج مولایشان را طلب می‌کنند تا به پا خیزد و ظلم و جور را از بین ببرد، عدالت آسمانی را برپا کند، حکومت خدایی را بنیان نهد و دولت قرآن را زنده نماید.

اعتقاد به منجی

پیروان همه ادیان عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان - که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه جا را فراگرفته است - نجات‌دهنده‌ای بزرگ ظهور می‌کند و با نیروی فوق‌العاده غیبی خود اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد (امینی، ۱۳۷۹: ۶۶).

عقیده مذکور از مصدر وحی سرچشمه گرفته است؛ زیرا از نویدهای پیامبران الهی در طول تاریخ بشر به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است. اعتقاد به منجی، امری فطری و درونی است؛ یعنی هر انسانی به طور طبیعی خواهان برقراری حکومت حق و عدل و برقراری صلح و آرامش است.

مردم با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن - که در طول تاریخ، پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده است - به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می‌یابد (صدر، ۱۳۹۸: ۱۳). حتی این امر را در بین مردم غیرمذهبی و جوامع ماتریالیستی - با این که تنها تکیه‌گاهشان واقعیت است و به غیر آن چه در جهان خارج وجود داشته و قابل لمس علمی است نمی‌اندیشند - نیز می‌بینیم. همه و همه در دل خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظاری که از وضع موجود به درآیند و به وضعی ایده‌آل و موردنظر دست یابند (قائمی، بی‌تا: ۱۵).

اعتقاد به مهدی موعود در آینه شعر عربی تا پیش از دوره معاصر

اندیشه اعتقاد به منجی موعود در شعر - که آینه تمام‌نمای افکار و اندیشه‌های ملل است - نیز نمودار شده است. بر این اساس، از جمله موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. مهدویات به مجموعه قصاید و قطعات شعری اطلاق می‌شود که به موضوع اعتقاد به مهدی علیه السلام و استنهای آن حضرت می‌پردازد (سیاحی، ۱۳۸۵: ۶۵). سخن از امام عصر علیه السلام و ظهور ایشان در خلال اشعار شاعران به سال‌ها پیش از ولادت آن حضرت بازمی‌گردد.

کمیت بن زید اسدی در ضمن اشعاری - که در محضر امام محمد باقر علیه السلام و در رثای شهیدان کربلا سروده است - به صراحت از ظهور مهدی علیه السلام و برپایی دولت حق ایشان خبر می دهد:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكُم مَتَى يَقُومُ مَهْدِيُّكُمْ الثَّانِي

(اسدی، ۲۰۰۰: ۵۵۷)

ترجمه: «چه موقع حق در میان شما حکم فرما می شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟»

دعبل خزاعی نیز در تائیه مشهور خویش - که آن را در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سروده است - از خروج امامی خبر می دهد که بر اساس عدالت حکم خواهد کرد:

خُرُوجُ إِمَامٍ لِمَحَالَةٍ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ

(خزاعی، ۱۹۷۲: ۶۵)

ترجمه: «امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می کند و به نام خدا همراه با انواع برکت ها قیام می کند.

حق و باطل را از هم جدا نموده و خوبی ها و بدی ها را پاداش و کیفر می دهد.»

محبی الدین بن عربی - از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه - ابیاتی درباره مهدی موعود علیه السلام سروده است:

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ هُوَ الصَّارِمُ هِنْدِي حِينَ يُبِيدُ
هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَمٍّ وَظُلْمَةٍ هُوَ الْوَابِلُ الْوَسِيمِي حِينَ يَجُودُ

(ابن عربی، ۱۹۹۹: ج ۱، ۲۹۶)

ترجمه: «او، مهدی آل احمد است، و به هنگام نابودی [دشمنان] همچون شمشیر هندی است.

او آفتابی است که هر غم و اندوه و ظلمتی را برطرف می کند و هنگامی که جود و بخشش می کند؛ همانند اولین باران بهاری است که زمین های تشنه را سیراب می کند.»

بهاء الدین اربلی - که یکی از نوابغ و دانشمندان کم نظیر جهان اسلام است - نیز در کتاب ارزشمندش کشف النعمه اشعار بسیاری در مدح امام عصر علیه السلام ذکر کرده است. او در یکی از قصاید خود در مدح امام عصر علیه السلام چنین می سراید:

امام حَقِّي نوره ظاهِرُ كالشَّمْسِ فِي غَوْرٍ فِي نَجْدِ
القائِمُ المَوْجُودُ والمنتَمَى الى العَلَى بِالْأَبِ وَالجَدِّ
و ناشِرُ العَدْلِ وَقَدْ جازَتْ الايَّامُ و النَّاسُ عن القَصْدِ
و المُنْصِفُ المظلومِ من ظالمٍ و المَلْجَأُ المَرْجُو و المهدى

(عبداللهی، ۱۴۱۹: ۱۳۴ - ۱۴۶)

ترجمه: «او امام برحقى است که نور وجود او، همچون آفتاب در پستی و بلندی ظاهر و آشکار است.

او قائم است که هم اکنون موجود است و نسب او به پدر و جدی والا منتهی می شود. او گسترش دهنده عدالت است؛ درحالی که روزگار و انسان ها عمداً ستم می کنند. او داد مظلومان را از ظالم می ستاند و پناه امیدواران و ناامیدان است.»

بنابراین حضور امام عصر علیه السلام در اشعار شاعران از سال ها پیش آغاز شده و از دیرباز در میان شاعران رواج داشته و شعرا در دوره های گوناگون و حتی پیش از ولادت امام عصر علیه السلام به این موضوع پرداخته اند تا بدین وسیله ارادت خویش به ساحت این امام بزرگوار را ابراز دارند و به دفاع از عقاید خویش بپردازند. آن چه برای ما اهمیت دارد این است که این حضور با گذشت زمان نه تنها کم رنگ نشده، بلکه روز به روز پررنگ تر گردیده است؛ بالأخص با شروع دوران معاصر رواج بیشتری داشته و شاعران گاهی در خلال اشعارشان و گاهی در سروده ای جداگانه به موضوع این منجی موعود پرداخته اند.

دامنه اشعاری که در چند قرن اخیر در این موضوع سروده شده بسیار گسترده و پر شمار است. از این رو پرداختن به این امر و بررسی آن، نیازمند تلاش و تحقیقی گسترده است. در این نوشتار کوشیده ایم با بررسی اشعاری چند از برخی شاعران، گامی - هرچند کوچک - در این مسیر طولانی و بزرگ برداریم.

امام مهدی علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی

۱۴۵

موضوع امام مهدی علیه السلام گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته و شاعران معاصر نیز در این زمینه اشعار بسیاری سروده اند و به این قضیه از جوانب گوناگون پرداخته اند. شعر مهدوی در این عصر سرشار از امید و آرزوی لقای آن حضرت و فرارسیدن روز ظهور است. شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام با سرودن اشعاری درباره موضوعاتی همچون ولادت امام مهدی علیه السلام غیبت

ایشان، انتظار و... ارادت خود را به ساحت مقدّس ولیّ عصر علیه السلام اظهار می‌دارند. آنان از فراگیر شدن ظلم و فساد و سلب حقوق شیعیان شکوه می‌کنند و بی‌صبرانه چشم به راه برپایی حکومت دادگستر جهانی هستند؛ برای تعجیل در فرج مولایشان دعا می‌کنند و از او خون خواهی خون به ناحق ریخته شده مولایشان امام حسین علیه السلام را خواستارند. در این نوشتار کوشیده‌ایم اشعار برخی از شاعران معاصر را در هفت بخش بررسی کنیم.

۱. ولادت

در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری، چشم جهان به کودکی روشن شد که امروز بزرگ‌ترین امید و آرزوی بشر - به‌ویژه مستضعفان و رنج‌دیدگان جهان - است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۱، ۲). جشن میلاد امام عصر علیه السلام بزرگ‌ترین شادی شیعیان، جشن زنده شدن آرزوها و امیدها و جشن آمادگی برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است. این روز - که از جمله خجسته‌ترین اعیاد اسلامی است - همواره گرمی داشته می‌شود و مردم در این روز ضمن به برپایی جشن‌های گوناگون با امام عصرشان تجدید میثاق می‌کنند. شاعران دوست‌دار امام عصر علیه السلام نیز از این عید بزرگ غافل نمانده و اشعاری درباره این موضوع سروده‌اند. سید رضا هندی - شاعر معاصر - میلاد آن حضرت را به نوری هدایتگر تشبیه نموده و از آن به نهری برای تشنگان عدالت تعبیر می‌کند:

و مَوْلِدُهُ نَوْزٌ بِهٖ يَشْرُقُ الْهَدْيُ وَ قَيْلٌ لِّظَامِي الْعَدْلِ مَوْلِدُهُ نَهْرٌ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۷)

ترجمه: «میلادش همچون نوری است که با آن هدایت و راهنمایی طلوع می‌کند و به تشنه عدالت گویند که میلادش همچون نهری سیراب‌کننده تشنگان است.»

گفتنی است بیت مذکور به تاریخ میلاد امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. درباره میلاد آن حضرت دو قول وجود دارد: یکی این که ایشان در سال ۲۵۶ قمری متولد شده‌اند و کلمه «نور» در صدر بیت به این سال اشاره دارد؛ چرا که مجموع حروف این کلمه با حساب تاریخ ابجدی ۲۵۶ می‌شود. قول دیگر این که ایشان در سال ۲۵۵ چشم به جهان گشودند و کلمه «نهر» در پایان بیت به این تاریخ اشاره می‌کند؛ زیرا مجموع حروف آن ۲۵۵ است.

سید حیدر حلّی نیز در سال روز میلاد آن حضرت در قصیده‌ای به مدح ایشان پرداخته و این میلاد خجسته را تبریک می‌گوید:

بُشْرَى فَمَوْلِدُ صَاحِبِ الْأَمْرِ أَهْدِي الْيَكَّ طَرَائِفَ الْبَشْرِ
وَبِطَّلَعَةٍ مِنْهُ مُبَارَكَةٍ حَيَّ بِوَجْهِكَ طَلَعَةُ الْبَدْرِ

(حلی، ۱۹۸۴: ۴۴)

ترجمه: «مژده که میلاد صاحب الزمان حضرت مهدی علیه السلام است، تازه ترین و شگفت ترین نویدها را به تو هدیه می کنم.»

۲. غیبت

غیبت و انتظار یکی از سنن تکاملی است که تاریخ برای بسیاری از امت های گذشته نشان می دهد. همواره در بین انسان ها، نهضت هایی به منظور آزادی از قید اسارت طاغوت ها صورت می گرفته و این نهضت ها توسط فرستادگان الهی، رهبری می شده است. اما توده مردم، به شایستگی از رهبر نهضت قدردانی و طرفداری نمی کردند و قابلیت دریافت این نعمت بزرگ را نداشتند. در نتیجه رهبر برای مدتی از میان مردم غایب می شد. در طول مدت غیبت، مردم در اثر لمس کردن آثار شوم اسارت و طاغوت پرستی بیدار می شدند و وقتی به خود می آمدند و از روش عصیان و گناه و نافرمانی رهبر، توبه می کردند، رهبر به فرمان الهی در میان آنان آشکار شده، حق جویان را در طول مراحل نهضت، رهبری می کرد. این حقیقت را در تاریخ ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی علیهم السلام و... مشاهده می کنیم (اختری، ۱۳۶۰: ۳۰).

بنابراین اصل مسئله غیبت، مسئله ای جدید و انکارشدنی نیست؛ بلکه هرگاه جامعه ای صلاحیت و قابلیت پذیرش رهبری را نداشت، به امر و حکمت خداوند متعال مدتی رهبر از جامعه غایب می شد.

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دوران امامت امام عصر علیه السلام آغاز شد. عده ای معتقدند دوران غیبت صغرا نیز در همین زمان - یعنی سال ۲۶۰ قمری - آغاز گردید. اما برخی برآنند که آغاز غیبت صغرا همان زمان تولد حضرت - یعنی سال ۲۵۵ - بوده است. دوران غیبت صغرا تا سال ۳۲۹ ادامه داشت و سپس دوران دیگری از حیات امام عصر علیه السلام آغاز شد که از آن به غیبت کبرا تعبیر می کنیم.

حسین الاکرف، در قصیده ای به مسئله غیبت صغرا اشاره کرده و بیان می دارد که ارتباط با امام علیه السلام در این دوران از طریق نَوَاب اربعه (خاص) صورت می گرفته است:

وَ غَبَّتِ الْغَيْبَةَ الصُّغْرَى وَ كَانَ الْهَجْرُ قَتْلًا

وَقَدْ نَصَّبَتْ نُؤَابًا أَصَابُوا مِنْكَ مِنْوَالًا

(www.Alerfan.com)

ترجمه: «در دوران غیبت صغرا از نظرها غایب گشتی و هجران و فراق کشته بود. افرادی را به نیابت از خود برگزیدی تا راه و روش را از تو بگیرند.»
مقدرات الهی به گونه ای رقم خورده که خداوند - از آن جا که زمین نباید هرگز از حجت او خالی بماند و قوام هستی به حضور و قیام حجت حق است - برای حفظ جان حجت خویش آغاز امر واقعی غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام را پیش از تولد آن حضرت در رحم مادر بزرگوارش نرجس خاتون مقدر نماید (حامدی، ۱۳۸۶: ۱۱).

سید رضا هندی در قصیده ای با عنوان «الامام المهدی» به این مسئله اشاره می کند و در پاسخ به کسانی که پنهان شدن از ترس کشته شدن را جایز نمی دانند می گوید: چرا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در لیلۃ المبیت، پس از گریختن از خانه و در مسیر هجرت به مدینه، در غار پنهان شد؟ چرا مادر موسی مأمور شد موسی را به خاطر ترس از کشته شدن، در آب نیل بیندازد؟ این موارد به این معنا نیست که خداوند دریاری دینش ناتوان است، بلکه این عقیده همان کفر است و دلیل این غیبت ترس امام نیست؛ بلکه امر غیبت به امر و فرمان خدای تعالی و به خواست و اراده او تحقق یافته است:

وَقَوْلِكَ إِنَّ الْإِخْتِفَاءَ مَخَافَةٌ مِنْ الْقَتْلِ شَيْءٌ لَا يَجُوزُهُ الْحَجَرُ
فَإِنْ قُلْتَ هَذَا كَانَ فِيهِمْ بِأَمْرٍ مِنْ لَهُ الْأَمْرُ فِي الْأَكْوَانِ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۹)

ترجمه: «این سخن تو که: "پنهان شدن از ترس کشته شدن بوده است" جایز نیست. امر غیبت از میان مردم به فرمان کسی است که فرمان و حکم در هستی و حمد و سپاس از آن اوست.»

از دیگر فواید غیبت امام عصر علیه السلام آزمایش مردم است. سید رضا هندی نیز در قصیده اش ابیاتی را به این موضوع اختصاص داده و تأخیر در ظهور را بر اساس حکمت خداوندی می داند و با استلهام از حدیث مذکور، این غیبت را آزمایشی برای بندگان ذکر می کند تا نیکوکاران و بدکاران از هم باز شناخته شوند و برای صابران اجری عظیم برمی شمرد. در ضمن بیان می دارد که این آزمایش برای علم و آگاهی یافتن خداوند به اعمال نیک و بد بندگان نیست؛ زیرا او بر هر آشکار و نهانی داناست، بلکه بندگان را می آزماید تا بدی شان بر خودشان آشکار گردد و عذر

و بهانه‌ای نداشته باشند:

فَإِنْ أَحْرَأَ اللَّهُ الظُّهُورَ لِحِكْمَةٍ بِهِ سَبَقَتْ فِي عِلْمِهِ وَ لَهُ الْأَمْرُ
فَكَمْ مِحْنَةً لِلَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ يُمَيِّزُ فِيهَا فَاجِرَ النَّاسِ وَ الْبَرَّ

(همو: ۳۰)

ترجمه: «خداوند امر ظهور را بنا به حکمتی که خود از قبل بدان آگاه بود، به تأخیر انداخت و حکم و فرمان از آن خداوند است. و چه بسیار آزمایش‌هایی که خداوند بندگان را بدان‌ها آزمود تا بدان‌شان را از نیکان‌شان جدا سازد.»

۳. انتظار

انتظار از دیدگاه لغوی، به معنای چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن است. در اعتقادات شیعه، انتظار آمیدی به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین است که در آن به رهبری امامی بزرگوار، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش گیرد (قائمی، بی تا: ۱۳). در اهمیت انتظار همین بس که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را برترین عبارت برشمرده‌اند. امام علی علیه‌السلام فرمودند:

انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛
(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۱۲۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی آنان را که در زمان غیبت امام، منتظر ظهور اویند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، اولیای خدا می‌داند؛ همان‌ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند:

طُوبَى لِّشِيعَةِ قَائِمًا، الْمُتَنَتِّظِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (همو: ۱۵۰)

چشم به راه بودن، یا انسان را به غربت و انزوا می‌کشاند، یا باعث حرکت و پویایی و اقدام برای آمادگی بیشتر می‌شود. بی تردید منظور از انتظار، همان چشم به راه بودن همراه با حرکت و پویایی است و این نوع انتظار، سازنده است.

شاعران معاصر نیز با ذکر دردها و مشکلات و مصائبشان، از انتظار خود برای رسیدن دستی از غیب سخن به میان می‌آورند و تحقق حکومت حق و عدل را چشم به راهند. در بخش فراگیر شدن ظلم و فساد و انتظار برای برپایی حکومت حق و عدل، به این دسته از اشعار اشاره خواهیم کرد.

هاشم السهلانی، امام مهدی علیه السلام را با عنوان امید و آرزوی مورد انتظار مورد خطاب قرار می‌دهد و ایشان را به خورشیدی تشبیه می‌کند که افول و غروبی ندارد:

فَيَا مَهْدِي يَا أَمَلًا مُرَجِّي وَ يَا شَمْسًا تَجَنَّبَهَا الْأَفْوَلُ
عَلَى عَهْدٍ نَظِلُّ وَ بِإِنْتِظَارٍ يُسَدِّدُ خَطْوَنَا أَمَلٌ جَمِيلُ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای مهدی، ای امید منتظر و ای خورشیدی که افول و غروبی ندارد. مدت زمانی است که با انتظار عمر سپری می‌کنیم و امید و آرزویی زیبا گام‌هایمان را سوق می‌دهد.»

حسین الاکرف نیز از رنج و حزن و اندوه پیوسته‌اش در دوران غیبت سخن می‌گوید و چنین می‌سراید:

عَزِيْزٌ أَنْ نَزَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى
مَتَى تَرَانَا... مَتَى تَرَانَا... مَتَى تَرَاكَ!
حَنِينٌ لَا يَجَافِينَا... وَ حُزْنٌ لَيْسَ يَنْسَانَا

(www.Alerfan.com)

ترجمه: «سخت است که همه را ببینیم و تو را نه. کی به دیدارمان می‌آیی و ما تو را به نظاره می‌نشینیم؟»

اشتیاق و میلی ما را رها نمی‌کند و از ما دور نمی‌شود و اندوهی ما را به فراموشی نمی‌سپارد. سیدرضا هندی نیز در اولین ابیات قصیده «امام مهدی» خویش، از امید و آرزوی خویش در راه وصال سخن می‌گوید؛ امیدی که گذشت روزگاران آن را مأیوس نمی‌کند.

شاعر وجود امام را در همه جا حاضر می‌داند و - چنان که گذشت - از ایشان به خورشید پشت ابر تعبیر می‌کند؛ از طولانی شدن زمان فراق و غیبت سخن به میان می‌آورد و از این که از دیدار روی همچون ماه ایشان محروم مانده است می‌نالند، ولیکن در بیت پنجم چنین بیان می‌دارد که اگر انتظار فرارسیدن روز موعودی نبود، صبر و بردباری برایش غیرممکن بود:

تَمَادَى زَمَانُ الْبُعْدِ وَامْتَدَّ لَيْلُهُ و ما أَبْصَرْتَ عَيْنِي مُحْيَاكَ يَا بَدْرُ
وَلَوْ لَمْ تُعَلِّلْنِي بِوَعْدِكَ لَمْ يَكُنْ لِيَأْلِفَ قَلْبِي فِي تَبَاعُدِكَ الصَّبْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: فراق به درازا کشید و شبش طولانی شد و چشمم از دیدار چهره همچون ماهت محروم ماند.

و اگر وعده ظهورت نبود قلبم در دوری تو تاب و تحمل نمی آورد.»

۴. بهره‌مندی مردم از وجود امام عصر^{علیه السلام} در زمان غیبت

در روایات وجود مقدس امام غایب، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؛ یعنی مردم همان‌گونه که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌گردند، از نور وجود امام زمان^{علیه السلام} در روزگار غیبتش بهره می‌برند. چنین روایت شده که پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در پاسخ به این سؤال که آیا شیعه در زمان غیبت از امام مهدی^{علیه السلام} بهره‌مند می‌شوند، فرمود:

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۹۳)

آری، سوگند به آن که مرا به رسالت مبعوث کرد، همانا شیعه از او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایتش در زمان غیبت ایشان بهره‌مند می‌گردند، همان‌گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره‌می‌برند.

شاعران نیز با الهام‌گیری از این حدیث شریف، از این تشبیه غافل نمانده و در اشعار خود امام عصر^{علیه السلام} را به خورشید تعبیر کرده‌اند. سید رضا هندی، امام را همچون خورشیدی می‌داند که از جایگاهش دور شده، ولی همچنان می‌تابد و همه جا و همه چیز را از تابش خویش بهره‌مند می‌سازد:

و مَا أَنْتَ إِلَّا الشَّمْسُ يَنْأَى مَحَلِّهَا وَ يَشْرِقُ مِنْ أَنْوَارِهَا الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: «تو همچون خورشیدی هستی که از جایگاهش دور شده است، ولی انوار آن در خشکی و دریا می‌تابد.»

هاشم السهلانی نیز امام را با عبارت شمس السحاب (خورشید پشت ابر) خطاب می‌کند و با ایشان به درد دل می‌نشیند و از گرفتاری‌ها و مشکلات عصر غیبت سخن می‌گوید:

فَيَا شَمْسَ السَّحَابِ اجْرِ مَقَالِي وَ هَلْ يُرْجَى لِعَيْرِكَ مَا أَقُولُ
عَدُونًا مِنْ غِيَابِكَ فِي بَلَاءٍ تَحْطَفُنَا الصَّغَائِنُ وَ الذُّخُولُ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای خورشید پشت ابر، سخنم را کوتاه کن و آیا آن چه می‌گویم به جز تو از کسی امید می‌رود؟

از نبودت در سختی و بلا افتادیم و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها ما را به غفلت واداشت.»

۵. خون‌خواهی و انتقام

انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و اجرای عدالت از مهم‌ترین مأموریت‌های حضرت به شمار می‌رود. «منتقم» یکی از القاب آن حضرت است و انتقام خون به ناحق ریخته شده امام حسین علیه‌السلام را می‌گیرد. در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ صَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَتْ: يَا رَبِّ
يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ. قَالَ: فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه‌السلام وَقَالَ يَهَذَا أَنْتَقِمُ
لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵، ۶۸)

در آن ساعتی که دشمنان، حسین علیه‌السلام را به قتل رساندند، فرشتگان در حالی که ناله سر داده بودند، خطاب به پروردگار عرض کردند: پروردگارا، آیا با حسین برگزیده و فرزند پیامبرت چنین می‌کنی؟ آن‌گاه خداوند متعال شبیح قائم را به آنان نشان داد و پس از اشاره به آن فرمود: این قائم از دشمنان حسین علیه‌السلام انتقام خواهد گرفت.

در دو فراز از فرازهای زیارت عاشورا نیز از خداوند، خون‌خواهی حسین علیه‌السلام با یاری امام عصر علیه‌السلام را می‌طلبیم.^۱

حسین الاکرف در شعرش حضرت را با عنوان «ابا الثار» خطاب می‌کند:

عَلَامَاتُنَا حُرْمَةُ الدِّينِ فِي الْأَرْضِ مَعْدُومَةٌ
عَلَامَاتُنَا شِيَعَةُ الْآلِ بِالْقَهْرِ مَطْلُومَةٌ

۱. فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكَ وَمَعْرِفَةَ أَوْلِيَائِكَ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يَثْبُتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.

وَمِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أَبَا الثَّارِ مَحْرُومَةٌ

(www.alerfan.com)

شعار یاران حضرت در هنگام خون خواهی، «یا لثارات الحسین» است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۲۰۸).

سید حیدر حلی در خطاب به امام زمان علیه السلام به ذکر مصائب سید الشهداء علیهم السلام می پردازد. او از واقعه عظیم و فجیع دشت کربلا سخن می گوید و از امام منتظر می خواهد که انتقام خون شهید کربلا را بگیرد:

وَاطْلُبْ بِهِ بَدَمَ الْقَتِيلِ بِكَزْبَلَاءَ فِي خَيْرِ شَيْعَةٍ
مَاذَا يُهَيِّجُكَ إِنْ صَبَرَ تَلَوْعَةَ الطَّفِّ الْفَطِيحَةِ

(حلی، ۱۹۸۴: ۹۰)

ترجمه: «به خون خواهی کشته دشت کربلا به پاخیز! اگر در برابر ماجرای فجیع کربلا صبر کنی، پس کدام امر مهم تو را برمی انگیزد؟»

۶. طلب ظهور امام زمان علیه السلام و دعوت به قیام

برخی شاعران معاصر در عصر غیبت، در لابه لای اشعارشان به شکایت از وضع موجود و بیان ظلم و ستم هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت هایی که به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام شده است می پردازند و از دردها و رنج هایی که امام عصر علیه السلام به سبب نظاره کردن این صحنه ها متحمل می شوند، سخن می رانند. آنان ملتسمانه از امام عصر علیه السلام می خواهد که در ظهور تعجیل فرماید و اساس ظلم و ستم و طغیانگری را از ریشه برکند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید.

حسین الاکرف از مصائب شیعیان و بی حرمتی هایی که نسبت به آنان صورت گرفته سخن به میان می آورد. او از ویران شدن گنبد عسکریین علیهم السلام در سامرا می گوید و مظلومیت شیعه را یادآور می شود؛ چراکه از حقش محروم مانده است:

تَخَيَّلْتُ خَارِطَةَ الدُّنْيَا وَكُلُّ الْحُدُودِ عِلَامَاتُ
عَلَامَاتُنَا قُبَّةَ الْعَسْكَرِيِّينَ مَهْدُومَةَ عَلَامَاتُنَا حُرْمَةَ الدِّينِ فِي الْأَرْضِ مَعْدُومَةَ
عَلَامَاتُنَا شَيْعَةَ الْأَلِّ بِالْقَهْرِ مَظْلُومَةَ وَمِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أَبَا الثَّارِ مَحْرُومَةَ

(www.alerfan.com)

ترجمه: «نقشه دنیا را تصور کردم و تمام مرزها نشانه است. نشانه ما ویرانی گنبد
عسکریین ع است.»

نشانه ما هتک حرمت دین در روی زمین است. نشانه ما مظلومیت شیعه و محرومیت آنان
از حقوقشان است.»

شاعر از عراق می گوید؛ سرزمینی که همه اش سوخته است و زخم کهنه ای بردل دارد؛ چراکه
سال ها پیش شاهد شهادت حسین ع و یارانش بوده است؛ سرزمینی که همه اش درد و رنج
است و دشمنان بر آن حکم می رانند:

أَذْرِكِ الْعِرَاقَ / كُلُّهَا إِحْتِرَاقَ / مَوْطِنُ ذَبِيحٍ وَ شَعْبٌ يَتِيمٌ
دَمَعُهَا مُرَاقٍ / مَاتَتْ إِشْتِيَاقٍ / وَ هِيَ فِيكَ ثَأْرٌ وَ جُرْحٌ قَدِيمٌ

(www.alerfan.Com)

ترجمه: «عراق را دریاب، همه اش سوخته است؛ موطنی است ذبح شده و ملتی یتیم دارد.
اشک هایش جاری است، شوق مرده و در تو خون و زخمی قدیمی دارد.»
الاکرف درجایی دیگر، باز قیام حضرت را خواهان است. این بار از امام خویش می خواهد تا
بباید و مرهمی برای دردهای یتیمان و مادران فرزند از دست داده باشد:

أْمُرُّ عَلَيَّهَا كَفًّا مِنْ حَتَانِ
فَوْقَ الْيَتَامَى يَا قَلْبَ الزَّمَانِ
فَمِ لِلتُّكَالَى فِي الدُّنْيَا تَعَانِي
وَ الْجُرْحُ مِنْهَا فِي كُلِّ مَكَانِ

(www.Alerfan.Com)

ترجمه: «ای قلب روزگار، با دستان مهربانت، سر یتیمان را نوازش کن.
و برای مادران فرزند از دست داده ای که در دنیا رنج می برند و زخم و دردشان در همه جا
هست، به پا خیز.»

عبد الله القرمزی نیز به بیان ظلم و ستمی که در حق شیعیان شده می پردازد و این که دیگر
توان صبر بر این مصائب را ندارد:

فَشِيعَتُكُمْ عَلَى الدُّنْيَا عَلَى طَاخُونَةِ الظُّلْمِ
فَمَنْ سَجِنَ إِلَى سَجِنٍ وَ مِنْ سَيْفٍ عَلَى سُمَّ

وَمِنْ زُرِّهِ إِلَى زُرِّهِ وَ مِنْ هَمِّهِ إِلَى هَمِّهِ
تَعَبْنَا سَيِّدِي صَبْرًا وَأَنْتَ بِنَا عَلَى عَلْمِ

(www.m-mahdi.Com)

ترجمه: «آسیاب ظلم بر سر شیعیان شما در دنیا می‌گردد. از زندانی به زندان دیگر برده می‌شوند و با شمشیر یا زهر کشته می‌شوند. از دست مصیبتی به مصیبتی دیگر، از غمی به غمی دیگر می‌افتند. آقای من، خسته شدیم و صبر از کف دادیم و تو خوب از احوال ما آگاهی.»
سید جعفر حلی از امام عصر علیه السلام طلب قیام می‌کند تا انتقام خون‌های اجدادش را از ظالمان بگیرد:

أَدْرِكُ تَرَاتِكُ أَيُّهَا الْمُؤْتُوْرُ فَلَكُمْ بِكُلِّ يَدٍ دَمٌ مَهْدُوْرُ

(حلی، ۱۹۹۱: ۲۵۵)

ترجمه: «ای که مورد ظلم قرار گرفته‌ای، انتقام خود را بگیر که خون [اجداد] شما به دست افراد مختلفی ریخته شده است.»
شاعر در ادامه، امام عصر علیه السلام را ولی دم تمام کشته‌شدگان مظلوم می‌داند و ایشان را پیروز بر دشمنان معرفی می‌کند:

أَنْتَ الْوَلِيُّ لِمَنْ بَطُلِمَ قُتِلُوْا وَ عَلَى الْعِدَى سُلْطَانُكَ الْمَنْصُوْرُ

(همو)

ترجمه: «تو مولا و سرور کسانی هستی که ظالمانه کشته شدند و بر دشمنان پیروزی.»
سید حیدر حلی نیز در قصیده خود با عنوان «الله یا حامی الشریعة» امام مهدی علیه السلام را زنده کننده شریعت می‌داند و از ایشان می‌خواهد که برای فریادرسی به دل‌های بی‌تاب مسلمانان به پا خیزد:

مَاتَ التَّصَبُّرُ فِي إِنْتِظَا رَكَ أَيُّهَا الْمُحْيِ الشَّرِيعَةَ
فَأَنْهَضُ فَمَا أَبْقَى التَّحْمُلُ غَيْرَ أَحْشَاءٍ جَزَوْعَهُ

(حلی، ۱۹۸۴: ۸۹)

ترجمه: «ای زنده کننده دین، صبر و شکیبایی در انتظارت به سر رسید. به پا خیز که جز دل‌های بی‌قرار و بی‌شکیب برایمان باقی نمانده است.»

ملاحظه کردیم که شاعران این دوران - که از ظلم و جور زمانه به تنگ آمده‌اند - دست به قلم برده و از وضعیت نابسامان جوامع شکوا کرده‌اند و - همان طور که در اشعارشان پیداست - آنان تنها یک راه را برای نجات خویش و دیگر مردم زمانه پیش روی خود می‌بینند و آن هم چیزی نیست جز ظهور امام زمانشان. از این رو ملت‌مسانه و عاجزانه از خدای خویش تعجیل در ظهور مولایشان را می‌طلبند تا به پا خیزد، حق مظلومان را بازستاند، ظالمان را به خاک ذلت نشاند، حکومتی سرشار از عدل و داد را بنیان نهد و آنان را از این وضعیت رنج‌آور و تأسف بار رهایی دهد.

۷. برپایی حکومت عدل

از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر علیه السلام پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت.

آری؛ عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است. همه مردم - به‌ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان - چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه‌کن کند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید. امام رضا علیه السلام از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَإِذَا حَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛
(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۳۲۲)

آن هنگام که [مهدی علیه السلام] ظهور نماید زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و هیچ‌کس به دیگری ستم نمی‌کند.

همچنین از برکات وجود شریف آن حضرت این است که امنیت را در زمین منتشر می‌کند تا این که آرامش کلی را بین همه موجودات متضاد - یعنی انسان و حیوانات و وحوش - برقرار می‌کند؛ نفاق و دشمنی در میان همه از بین می‌رود؛ وحوش، مارها و دیگر جانوران در کنار هم با انسان‌ها زندگی می‌کنند و هیچ‌یک از دیگری آسیبی نمی‌بینند و به دیگری آسیبی نمی‌رسانند (حسینی، ۱۹۸۵: ۲۷۸).

شاعران منتظر نیز - که چشم انتظار برپایی حکومت جهانی مهدی موعود هستند - در این باره اشعاری سروده‌اند.

سید رضا هندی با وجود طولانی شدن زمان غیبت، به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوار است؛ همان قائمی که بساط جور را درهم می پیچد و عدالت را جایگزین آن می کند:

وَإِنَّ زَمَانَ الظُّلْمِ إِنْ طَالَ لَيُلْهُ
وَيَطْوِي بَسَاطَ الجُورِ فِي عَدْلِ سَيِّدٍ
هُوَ الغَائِبُ المَأْمُولُ يَوْمَ ظُهُورِهِ
فَعَنْ كَثَبٍ يَبْدُو بِظِلْمَائِهِ الفَجْرُ
لِأَلْوِيَةِ الدِّينِ الحَنِيفِ بِهِ نَشْرُ
يُلبِّيهِ بَيْتُ اللَّهِ وَالرُّكْنُ وَالحَجْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: «اگر شب تاریک ظلم به درازا کشد، به زودی سپیده دم از پس تاریکی ها آشکار می شود.

و بساط ظلم و جور در برابر عدالت سروری که دین راستین را می گستراند، برچیده می شود. او همان غایبی است که روز ظهورش آرزوی همه است؛ همو که بیت الله و رکن و حجر لیبیک گوی اویند.»

شاعر در ادامه چشم به راه فرارسیدن روزی است که امامش ظهور کند و احسان، نیکی، محبت، لطف و بخشش را در میان مردم گسترش دهد:

وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ يُحْيِينَ ظُهُورَهُ
لِيَنْتَشِرَ المَعْرُوفُ فِي النَّاسِ وَالبِرُّ

(همو: ۳۰)

ترجمه: «و من امید دارم که ظهورش فرا می رسد و نیکی ها را در میان مردم می گستراند.» شاعر از امام می خواهد زمین را از هر بدی و پلیدی پاک و مطهر سازد و انتقام خون های ریخته شده را بستاند:

وَ تَشْقَى بِهِ أَعْنَاقُ قومٍ تَطَوَّلَتْ
فَتَأْخُذُ مِنْهَا حَظَّهَا البَيْضُ وَ السُّمْرُ

(همو)

کاظم الزاملی با به کارگیری فرایزی از دعای ندبه خطاب به امام عصر علیه السلام چنین بیان می دارد:

أَنْتَ المَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ ظَالِمٍ
يَا مَالِي الدُّنْيَا بِنُورِكَ بَعْدَ مَا
يَا هَادِمًا مُدَنَّ الصَّلَاةَ وَالرِّدَى
وَمَلَأَدَ كُلِّ المُتَّقِينَ لِوَآكَا
سَادَ الظَّلَامِ وَ اتَّخَمَتِ أشْوَكََا
وَمَعَزَّ كُلِّ المَذْفَعِينَ عَظَاكَا

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «شما برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران مهیا گردیده‌ای؛ پرچم شما پناه همهٔ پرهیزکاران است.

و پس از آن که تاریکی همه جا را فراگیرد شما دنیا را از نور سرشار خواهی ساخت.
گمراهی و هلاکت را از بین خواهی برد و عطا و بخشش شما ذلیلان را عزیز خواهد گردانید.»

نتیجه

اعتقاد به ظهور منجی در آینده بشر و در پایان تاریخ، از آرمان‌های مشترک تمامی ادیان و اقوام و ملل مختلف جهان است. منجی و موعودی که بساط ظلم را برچیند و حکومتی سرشار از عدل و داد را به ارمغان آورد. موعود مسلمانان نیز مهدی علیه السلام است. این اندیشه و اعتقاد به ظهور منجی، در آینه شعر عربی نیز نمایان گشته و «مهدویات» گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته است.

شاعران معاصر با سرودن اشعاری، ارادت خالصانهٔ خود را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام ابراز می‌دارند. شاعران این دوره از ولادت امام عصر علیه السلام سخن می‌گویند و با اشعارشان این خجسته میلاد را گرامی می‌دارند و به یکدیگر شادباش و تهنیت می‌گویند. حتی برخی آن را نعمتی عظیم برمی‌شمرند که هیچ کس را توان شکرگزاری آن نیست.

غیبت امام، یکی دیگر از موضوعات اشعار این شاعران است. آنان از انواع غیبت و فواید آن سخن به میان می‌آورند؛ از حزن و رنجوری و سرگردانی خویش در دوران غیبت می‌گویند و در فراق، گریه سر می‌دهند و ندبه می‌کنند. اما ایمان به منجی غایب، جرقه امیدی در درونشان است. از این رو ناامید نمی‌شوند و بی‌صبرانه در انتظار مولایشان زمانه را سپری می‌کنند و می‌دانند که همانا بعد از هر سختی، آسانی است.

شاعران در اشعارشان از امام عصر علیه السلام با عنوان و لقب «خورشید» یاد می‌کنند؛ چرا که در احادیث خوانده‌اند که بهره‌مندی از امام علیه السلام در عصر غیبت همچون بهره‌مندی از خورشید پشت ابراست.

شاعران از مصیبت عظیم کربلا می‌گویند و از امام عصر علیه السلام عاجزانه طلب می‌کنند به پا خیزد و تقاص خون به ناحق ریخته شدهٔ مولا و سرورشان امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش را بازستاند؛ زیرا شیعه همچنان عزادار و سیه‌پوش مولایش حسین علیه السلام است و داغی کهنه و بزرگ از آن مصیبت عظیم بر سینه دارد.

شاعران از ظلم و جور زمانه به محضر ولی عصر علیه السلام شکوه می‌کنند؛ از ظلم‌هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت‌هایی که به شیعیان می‌شود سخن می‌رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می‌شوند و امام علیه السلام را دعوت به قیام می‌کنند.

شاعران به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوارند؛ همان موعودی که یکی از مهم‌ترین اقداماتش پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد است. آنان پس از سرایش شعر درباره فراگیری ظلم و ستم و طلب ظهور حضرت، از جامعه و حکومتی سرشار از عدل و داد، راستی و درستی و امنیت و پاکی سخن می‌گویند؛ چرا که می‌دانند پایان و نهایت تاریکی و سیاهی، نور و روشنایی است.

منابع

- ابن عربی، محمد بن علی، *دیوان الاکبر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۹م.
- اختری، عباسعلی، *نقش انتظار در سیر تاریخ*، تهران، انتشارات موسسه الامام المهدی، ۱۳۶۰ش.
- اسدی، کمیت بن زید، *دیوان*، تدوین: محمد نبیل الطریفی، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۰م.
- امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم، انتشارات شفق، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
- حامدی، محمد مهدی، *دشمنان مهدویت، چرا و چگونه*، تهران، نسل کوثر، ۱۳۸۶ش.
- حسینی، سید جواد سید حسین، *الامام المهدی و ظهوره*، کویت، السالمیة، مکتبه دارالارشاد، ۱۹۸۵م.
- حلّی، سید جعفر، *سحر البابل و سجع البابل*، تحقیق: محمد حسین آل کاشف الغطاء، قم، منشورات الرضی، ۱۹۹۱م.
- حلّی، سید حیدر، *دیوان*، تحقیق: علی خاقانی، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۴م.
- خزاعی، دعبل، *دیوان*، تحقیق: عبدالصاحب الدجیلی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۹۷۲م.
- سیاحی، صادق، *الادب الملتزم بحب اهل البيت*، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
- صدر، سید محمد باقر، *امام مهدی (عج) حماسه ای از نور*، ترجمه و تصحیح: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۹۸ق.
- عبداللهی، محمود، *سیمای امام مهدی (عج) در شعر عربی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۹ق.
- قائمی، علی، *نگاهی به مسئله انتظار*، قم، انتشارات هجرت، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۴ق.
- موسوی، سید محمد، *سپیده دم ظهور حکومت جهانی*، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۴ش.
- موسوی هندی، سید رضا، *دیوان*، ترجمه و تعلیق: عبدالصاحب موسوی، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸م.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۴

فصل نامه علمی-تخصصی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

جایگاه فرهنگ مهدوی بین جوانان شیعه و سنی

منصور نیک‌پناه*

چکیده

اعتقاد به منجی موعود و ظهور مصلح جهانی، عقیده‌ای مشترک بیشتر ادیان الهی و همه مسلمانان جهان است. فِرَق اسلامی به‌رغم برخی اختلافات در فروع، در اصل مهدویت اشتراک دارند و از این رو یکی از مبانی تقریب مذاهب اسلامی همین عقیده است. با توجه به برنامه‌ریزی گسترده جهان غرب برای انحراف عقاید اسلامی، ترسیم تصویری ترسناک از منجی آخرالزمان مسلمانان، ارائه الگوهای مورد نظر خود برای پایان دنیا و... وظیفه ماست که به دفع شبهات و بیان مشترکات پردازیم. از این رو در این پژوهش پرسش‌های مرتبط به نزدیکی عقاید شیعه و سنی درباره موضوع مهدویت را بررسی می‌کنیم و پیشینه فرهنگی این اشتراک را به تصویر می‌کشیم.

واژگان کلیدی

شیعه، سنی، ظهور، مهدی علیه السلام.

مقدمه

اعتقاد به اصل مهدویت و ظهور منجی در آینده، از جمله مبانی اصلی ایدئولوژی اسلامی است که انتظار و امید را برای پیروان اسلام به ارمغان آورده است. همه فرق اسلامی این اندیشه را پذیرفته و سرسختانه از آن دفاع می‌کنند و بر این باورند که با ظهور منجی در همه جهان، صلح و صفا و عدالت و امنیت بر اساس حکومت حق و عدل، برقرار خواهد شد.^۱

قرآن کریم، قاطعانه پیروزی نهایی ایمان اسلامی، غلبه صالحان و پرهیزکاران بر مستکبران و زورمداران، کوتاه شدن دست جباران و ستمکاران از دامان محرومان و مستضعفان و آینده درخشان فرزندان انسان را در پرتو حکومت حق و عدل الهی به همه مسلمانان و پیروان ادیان وعده داده است.^۲

این اندیشه، پویایی و تحرک را برای ملل اسلامی در پی دارد تا جایی که مخالفان را به پژوهش درباره علل کمال طلبی و جنبش مسلمانان واداشته است. در دسامبر ۱۹۸۶ در کنفرانسی سه روزه با حضور سیصد شیعه‌شناس در دانشکده تاریخ دانشگاه تل‌آویو، سیصد مقاله مبتنی بر عمده‌ترین متد تحقیقی ارائه شد. به گفته مارتین کرامل - شیعه‌شناس مشهور - هدف اصلی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثنی عشری و انقلاب اسلامی بود. حاضران در پایان کنفرانس یاد شده، امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام را محور پایداری شیعه برشمردند (بلخاری قمی، ۱۳۷۰: ۹۳-۹۴).

این مسئله خاص شیعیان نیست؛ بلکه مسلمانان اهل سنت نیز با این باور عجیب بوده چشم‌به‌راهی در ضمیر آنان موج می‌زند، تا جایی که برخی از آنان به امید ظهور مهدی و این که منجی آخرالزمان فرزندشان باشد، فرزند خود را مهدی می‌نامند.

اهمیت تحقیق

امروزه با توجه به تأثیر شگرف مسئله مهدویت و ظهور و انتظار بر پویایی امت اسلامی، جهان غرب تمام توان خود را برای ابلاغ خواسته‌ها و اهداف خود به کار گرفته است؛

۱. برای اطلاع بیشتر، نک: هاشمی شهیدی، بی تا: بخش چهارم، «اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی علیه السلام».

۲. درباره غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران بر مستکبران و وعده‌های نویدبخش قرآن به مسلمانان، نک: هاشمی شهیدی، بی تا: بخش هشتم، «نویدهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در قرآن کریم».

از جمله این که هالیوود با تولید هفتصد فیلم در سال، سالانه ۱۶ میلیارد دلار سود خالص به دست می آورد و نزدیک به ۷۸٪ سینماها و تلویزیون های جهان را تغذیه می کند (عبدی پور، ۱۳۸۷: ۱۳۰). امروزه ژانر آخرالزمانی به عنوان رکنی ثابت در دنیای غرب و سینمای هالیوود مطرح است و به شدت بر اشاعه افکار جهان استکبار و صهیونیست و کم رنگ و منحرف کردن اندیشه های مسلمانان درباره آینده جهان تلاش می کند.

به طور تقریبی از سال ۲۰۰۶ به بعد بیش از شصت درصد محصولات هالیوود درباره مسئله منجی و آخرالزمان بوده و در این میان نکته جالب توجه این است که در حال حاضر، به طور متوسط هر هفته یک برنامه - اعم از سریال، فیلم، مستند یا کارتون - درباره آخرالزمان در دنیا اکران می شود. هالیوود در این زمینه به طور فعالانه ای عرصه را در اختیار دارد و به نظر می رسد به تدریج از ژانرهای دراماتیک، ملودرام، اکشن و کمدی خارج شده و به تازگی می کوشد هر چه بیشتر بر موضوع آخرالزمان متمرکز شود و این مسئله را نیز به یک ژانر مستقل در فیلم هایش تبدیل کرده است (نیک پناه، ۱۳۹۱: ۵۸۴۶).

از جمله مواردی که غربی ها قصد دارند در برنامه های خود به آن دامن بزنند، پررنگ کردن اختلافات فرق اسلامی درباره منجی است؛ در حالی که مسئله ظهور منجی آخرالزمان از اصول مشترک و وحدت بخش جهان اسلام است؛ به گونه ای که ۵۱ حدیث از امیر مؤمنان، پنج حدیث از امام حسن علیه السلام ۱۵ حدیث از امام حسین علیه السلام ۱۱ حدیث از امام زین العابدین علیه السلام ۶۳ حدیث از امام باقر علیه السلام ۱۲۴ حدیث از امام صادق علیه السلام شش حدیث از امام موسی بن جعفر علیه السلام، ۱۹ حدیث از امام رضا علیه السلام شش حدیث از امام جواد علیه السلام شش حدیث از امام هادی علیه السلام و ۲۳ حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است. در منابع اهل سنت نیز از ۳۳۸ حدیث منقول از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام ۴۶ حدیث صحیح از ۳۳ صحابه ثبت گردیده است. حدود ۱۰۶ تن از علمای اهل سنت به نقل حدیث در این باره پرداخته اند که از بین آن ها ۱۷ نفر به متواتر بودن احادیث اشاره کرده اند و ۳۲ نفر از علمای اهل سنت مستقلاً به نگارش کتاب اقدام نموده اند (میانجی و گودرزی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۴).

جامعه آماری

با توجه به آن چه در قسمت های پیشین آمد، محقق بر آن شد با تدوین پرسش نامه با زاویه دید متنوع از جهات مختلف، دیدگاه جوانان شیعه و سنی را درباره آینده و ظهور و میزان آگاهی از مبانی مرتبط با منجی و اثرات آن را ارزیابی کند. مقصود از این پژوهش میدانی،

اثبات اشتراکی است که مدعی هستیم در بین هر دو فرقه درباره آخرالزمان وجود دارد. از این رو پس از تدوین و تنظیم پرسش نامه، آن را بین جوانان دانشجوی شیعه و سنی و دختر و پسر به طور مساوی توزیع کردیم.

حجم نمونه

حجم نمونه مورد نظر حدود صد و بیست نفر دانشجوی با مذاهب تشیع و تسنن دارای سن ۱۸ تا سی سال که قشر جوان هستند و از دو جنس زن و مرد صورت گرفته است. سؤال شوندگان بین دو قشر (شیعه و سنی - دختر و پسر) کاملاً مساوی انتخاب شدند.

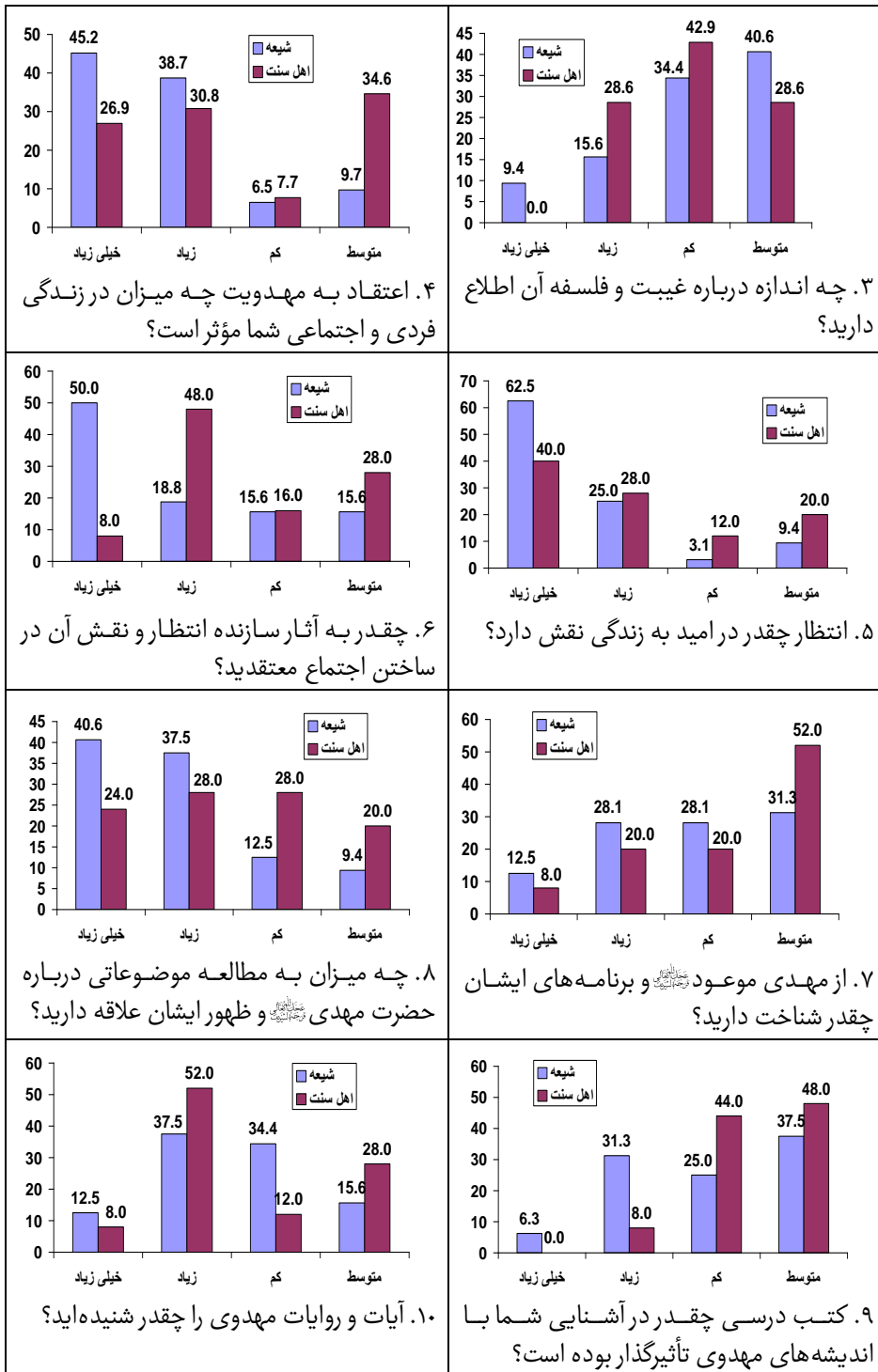
ابزار جمع آوری داده ها

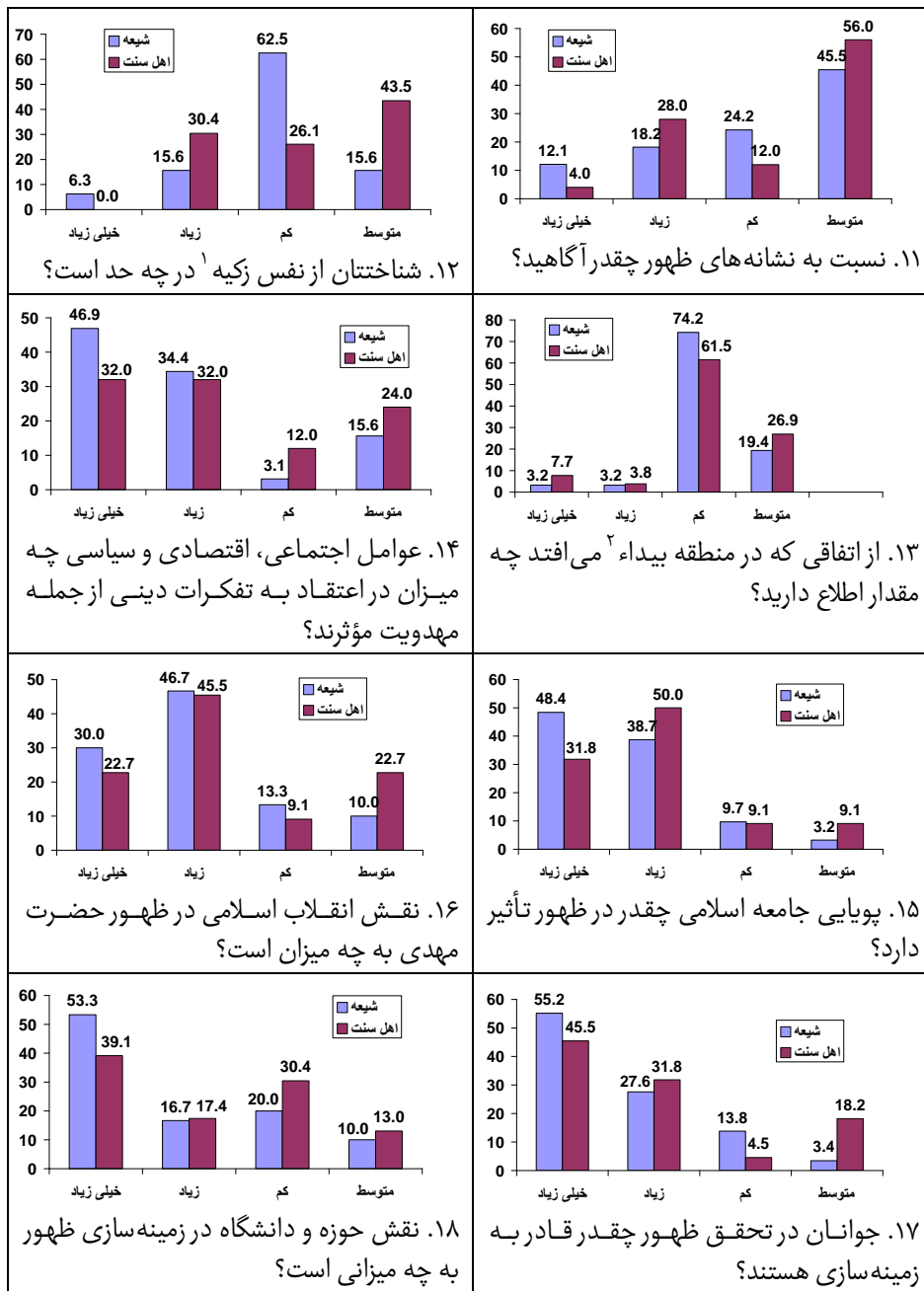
برای جمع آوری داده های مورد نظر پرسشنامه تهیه گردید و سؤالات به گونه ای تهیه شد که جنبه های مختلف را در بر گیرد.

روش کار

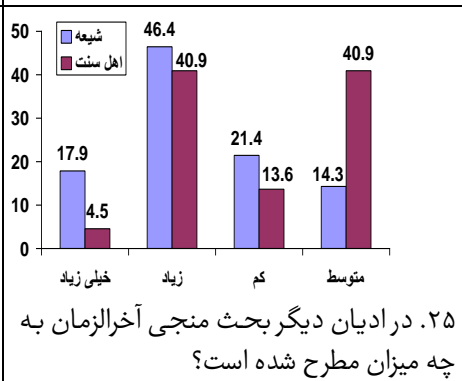
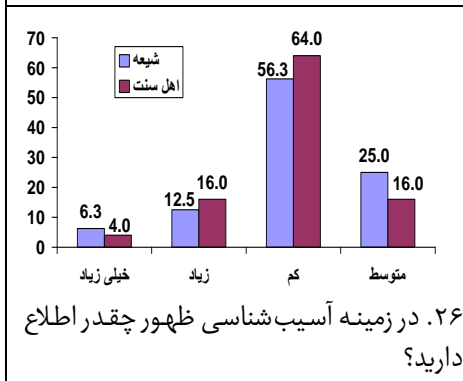
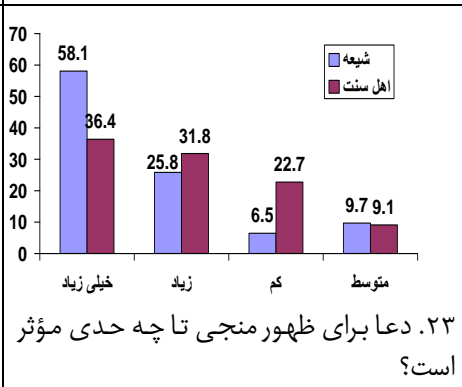
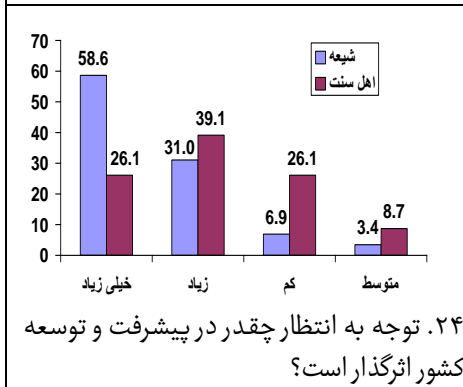
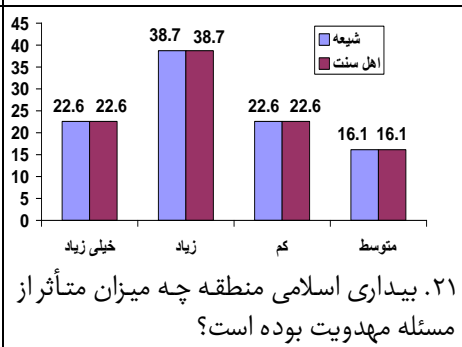
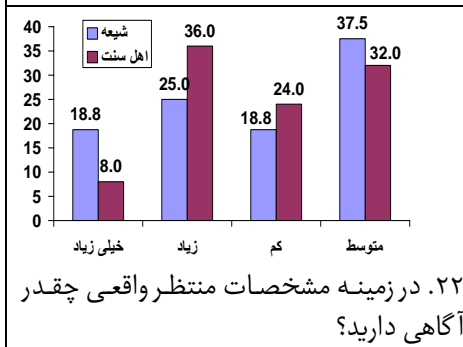
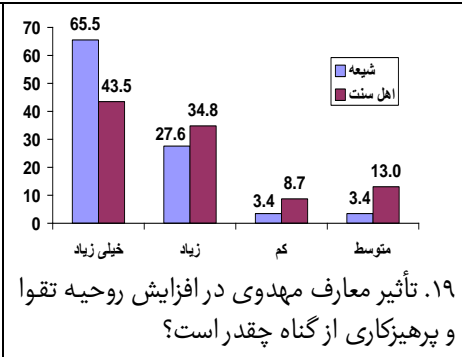
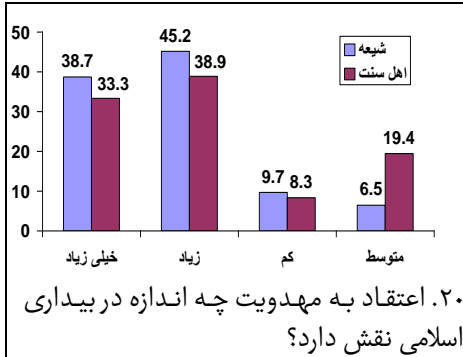
آن چه در تدوین این سؤالات برای محقق اهمیت داشت، توجه به نوع نگرش جوانان شیعه و سنی به مسئله مهدویت و منجی و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی است. برای برآورده شدن هدف تحقیق، لازم بود سؤالات از جنبه های مختلف طرح و مورد بررسی قرار گیرد؛ از این رو مجموعه پرسش ها را در چند دسته طراحی شده، در راستای آن ها سؤالاتی مطرح گردید. هدف، دسترسی به اطلاعاتی بود که بر اساس آن میزان آگاهی قشر مورد نظر را بسنجیم. از این رو پرسش ها با فراگیری و پراکنندگی ویژه ای تنظیم شدند. پس از تهیه و تدوین پرسشنامه، آن را در بین جامعه هدف توزیع و پس از جمع آوری به تدوین پاسخ ها پرداختیم و اقدام به جداسازی آمار و رسم نمودار برای هر سؤال کردیم. در نهایت نتایج مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

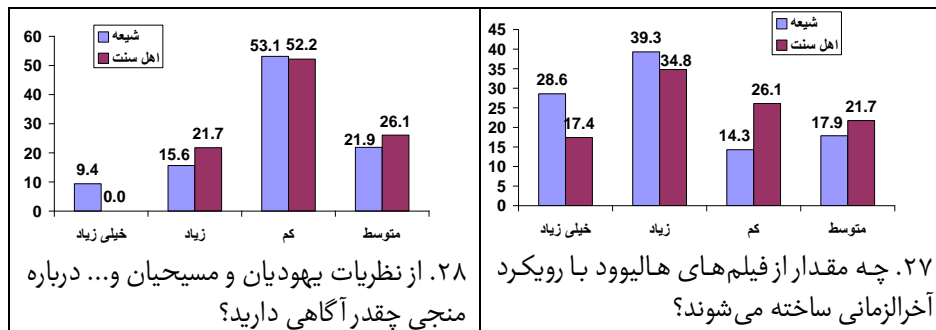






۱. یکی از پنج نشانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام شهادت شخصی صالح مشهور به «نفس زکیه» است (نک: آیتی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).
 ۲. «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. لشکر سفیانی که برای جنگ با امام زمان علیه السلام تجهیز شده در آن فرو می رود. این واقعه خسف بیداء نام دارد (نک: سلیمیان، ۱۳۸۷: ۲۲۱).





تجزیه و تحلیل داده ها

- نتایج نشان می دهد بیش از هشتاد درصد اهل سنت و بیش از نود درصد شیعیان به مسئله ظهور منجی و مهدویت اعتقادی کامل دارند.
- شناخت بیش از ۷۷ درصد شیعیان و بیش از هفتاد درصد اهل تسنن درباره نفس زکیه در حد متوسط و کم است. بنابراین باید به دنبال افزایش شناخت در زمینه نفس زکیه در میان دانشگاهیان بود.
- در زمینه علاقه به مطالعه موضوعات مهدی و ظهور آن حضرت، بیش از ۷۸ درصد شیعیان و ۵۲ درصد اهل تسنن علاقه مند هستند. نتایج نشان می دهد که در این حوزه جا برای فعالیت وجود دارد.
- بیش از ۶۲ درصد شیعیان و ۹۲ درصد اهل سنت در زمینه نقش کتب درسی در آشنایی آنان با اندیشه های مهدوی، گزینه متوسط و کم را انتخاب کرده اند که این نشان می دهد جایگاه فعالیت در حوزه کتب مرتبط با موضوع مهدویت به طور گسترده وجود دارد.
- تلاش برای ایجاد زمینه و بستر ظهور منجی، در بیش از ۸۱ درصد شیعیان و ۶۲ درصد اهل سنت در حد کم و متوسط است که باید در این زمینه تلاش کرد تا این انگیزه در بین دانشگاهیان بیشتر شود.
- حدود ۸۴ درصد شیعیان و ۵۷ درصد اهل سنت به تأثیر اعتقاد به مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی، باوری کامل دارند.
- نتایج نشان می دهد حدود ۸۵ درصد شیعیان و ۷۲ درصد اهل سنت درباره این که اعتقاد به مهدویت چقدر در بیداری اسلامی نقش داشته، به گونه ای معنادار، گزینه زیاد را انتخاب کرده اند.

۸. درباره این که بیداری اسلامی منطقه چقدر متأثر از مسئله مهدویت بوده است، نظر هر دو گروه بر همه گزینه‌ها یکسان بوده است و بیش از ۶۱ درصد آنان گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.
۹. درباره نقش انتظار در امید به زندگی، بیش از ۸۷ درصد شیعیان و ۶۸ درصد اهل سنت نظر مثبت دارند.
۱۰. بیش از ۶۸ درصد شیعیان و حدود ۵۱ درصد اهل سنت به آثار سازنده انتظار و نقش آن در ساختن اجتماع اعتقاد دارند.
۱۱. حدود پنجاه درصد شیعیان و شصت درصد اهل تسنن، درباره حضرت مهدی علیه السلام روایاتی شنیده‌اند.
۱۲. بیش از ۸۱ درصد شیعیان و ۶۴ درصد اهل سنت درباره تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اعتقاد به تفکرات دینی از جمله مهدویت نظری مثبت دارند.
۱۳. حدود هشتاد درصد اهل تسنن و شیعیان درباره آسیب‌شناسی ظهور بی‌اطلاعت.
۱۴. میزان آگاهی نسبت به نشانه‌های ظهور در بین هر دو گروه بسیار کم و در حدود ۶۹ درصد بوده است که باید در این باره اطلاع‌رسانی افزایش یابد.
۱۵. درباره میزان شناخت نسبت به مهدی موعود علیه السلام و برنامه‌های ایشان بیش از ۵۹ درصد شیعیان و ۷۲ درصد اهل سنت شناخت کمی دارند.
۱۶. حدود ۴۴ درصد شیعیان و اهل سنت درباره مشخصات منتظر واقعی آگاهی مقبولی دارند.
۱۷. درباره رخداد منطقه بیداء، بیش از ۹۳ درصد شیعیان و ۸۸ درصد اهل سنت اطلاع چندانی ندارند.
۱۸. درباره نظریات یهودیان و مسیحیان و... در مورد منجی، حدود ۷۵ درصد شیعیان و بیش از ۷۸ درصد اهل سنت آگاهی بسیار کمی دارند که باید در این زمینه در بین دانشگاهیان اطلاع‌رسانی صورت گیرد.
۱۹. نتایج نشان می‌دهد حدود ۶۸ درصد شیعیان و ۵۲ درصد اهل سنت درباره این که چقدر فیلم‌های هالیوود با رویکرد آخرالزمانی ساخته می‌شود، نظر مثبت دارند.
۲۰. نظر حدود ۸۷ درصد شیعیان و بیش از ۸۱ درصد اهل سنت درباره نقش پویایی جامعه اسلامی در ظهور، مثبت است.

۲۱. حدود ۷۵ درصد شیعیان و بیش از ۷۱ درصد اهل سنت درباره غیبت و فلسفه آن اطلاع کمی دارند که باید راهکاری برای اطلاع بیشتر اندیشیده شود.
۲۲. در میان شیعیان حدود ۸۴ درصد و در بین اهل سنت بیش از ۶۸ درصد به تأثیر دعا برای ظهور منجی معتقدند.
۲۴. درباره این که توجه به انتظار چقدر در پیشرفت و توسعه کشور مؤثر است بیش از ۸۹ درصد شیعیان و ۶۵ درصد اهل سنت نظری مثبت دارند.
۲۵. نتایج نشان می دهد، نظر بیش از ۸۲ درصد شیعیان و بیش از ۷۷ درصد اهل سنت درباره این که جوانان در تحقق ظهور تا چه حدی قادر به زمینه سازی هستند، مثبت است.
۲۶. بیش از ۷۶ درصد شیعیان و بیش از ۶۸ درصد اهل سنت به نقش انقلاب اسلامی در ظهور حضرت مهدی علیه السلام اعتقادی کامل دارند.
۲۷. حدود ۷۰ درصد شیعیان و بیش از ۵۶ درصد اهل سنت، درباره نقش حوزه و دانشگاه در زمینه سازی ظهور، مثبت می اندیشند.
۲۸. نتایج نشان می دهد بیش از ۹۳ درصد شیعیان و بیش از ۷۸ درصد اهل سنت تأثیر معارف مهدوی در افزایش روحیه تقوا و پرهیزگاری از گناه را زیاد می دانند.

نتیجه

- نتیجه تجزیه و تحلیل داده ها بیانگر آگاهی اندک قشر دانشگاهی و جوان منطقه درباره آثار و نشانه های ظهور است و طرح چند سؤال مشخص می کند اطلاعات در این باره ناچیز است.
- در بین اهل تسنن و تشیع درباره ظهور منجی موعود، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ مواردی که شایسته توجه است عبارتند از:
- * احتیاط در انتخاب اهل سنت بیشتر است، در حالی که تشیع با جسارت بیشتری گزینه کاملاً مثبت یا منفی را انتخاب می کنند.
 - * مطالعات دینی جوانان شیعه درباره مصلح جهانی کمتر است.
 - * نیاز و تقاضای اهل سنت برای آموزش بیشتر از تشیع است.
 - * تمایلات مؤثر تشیع درباره تأثیر مثبت انقلاب و در عین حال میزان تأثیر اندیشه های ظهور در اجتماع پرننگ تر است.

* شناخت جوانان شیعه درباره ویژگی‌های منتظر واقعی بیشتر به نظر می‌رسد.
- نگاه مثبت جوانان به نقش پررنگ خود درباره ظهور و زمینه‌سازی برای مصلح جهانی قابل رصد است.

- آن‌چه با صداقت در کلام هر دو گروه مشاهده می‌شود، تحرک اندک و پویایی کم برای ظهور مصلح جهانی است.

- بیداری مسلمانان با اشاعه اندیشه‌های مهدوی ارتباطی مستقیم دارد.

- شناخت فرق اسلامی از اعتقادات سایر ادیان درباره منجی اندک است.

- نگاه جوانان شیعیان به دعا و نتایج آن مثبت‌تر است.

پیشنهادها

- برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها و اردوهای مناسب با هدف اطلاع‌رسانی قشر جوان و دانشگاهی - به‌ویژه در مناطق مورد نظر - از الویت‌های امور است.

- نیاز به سرمایه‌گذاری هدفمند، از جمله برگزاری نمایشگاه‌های کتاب مرتبط، تجهیز کتابخانه‌های مدارس و دانشگاه‌ها، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی و... بین جوانان - به‌ویژه برادران اهل سنت - با توجه به تقاضای موجود، احساس می‌شود.

- تعمیق هر چه بیشتر اندیشه‌های مهدوی در اتحاد، تحرک، بیداری، دشمن‌شناسی و هراس مستکبران از مسلمانان تأثیر دارد.

- نیاز به بررسی رویکرد نوین جهان غرب درباره مسلمانان و برگزاری کلاس‌هایی در این باره - به‌ویژه درباره مسئله پایان دنیا و تلاش برای انحراف افکار مسلمانان و دامن زدن به اختلافات کوچک - به شدت احساس می‌شود.

- با توجه به تأثیر معارف مهدوی در بین جوانان درباره توجه به اوامر الهی و پرهیز از منکرات، لازم است در همه مراکز دولتی و غیردولتی و آموزشی نگاهی ویژه به این نکات داشته باشیم.

- برگزاری نشست‌های مشترک، کرسی‌های آزاداندیشی و همایش‌های تقریبی برای فرق اسلامی و از سوی دیگر، انجام پژوهش‌های هدف‌دار در مقابل سیاست‌گذاری غرب با بُعد اطلاع‌رسانی و انتشار نتایج آن از جمله عملیات کاربردی این تحقیق به شمار می‌رود.

منابع

- آیتی، نصرت الله، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- بلخاری قمی، حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، تهران، انتشارات اقراء، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
- سلیمیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
- عبدی پور، حسن، نقش اجتماعی انتظار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
- میانجی، نسرین؛ مجتبی گودرزی، انتظار، تهران، شباب الجنة، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- نیک پناه، منصور، مجموعه مقالات کنگره ملی مهدویت، اصفهان، دانشگاه آزاد خمینی شهر، ۱۳۹۱ش.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، بی تا.

مجلة فصلية علمية

تعنى بحوث ودراسات مهدوية

السنة الثانية، العدد ٦، الخريف ١٣٩٢

هيئة التحرير:

حجة الاسلام والمسلمين الدكتور جواد جعفرى

عضو الهيئة العلمية فى كلية البحوث والدراسات الحج فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين الدكتور محمد صابر جعفرى

عضو الهيئة العلمية فى مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين الدكتور حسين الهى نجاد

مساعد وعضو الهيئة العلمية فى كلية العلوم والثقافة الاسلامية فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين محمد تقى ربانى

عضو الهيئة العلمية فى كلية العلوم والثقافة الاسلامية فى قم المقدسة

الدكتور السيد رضى الموسوى الجيلانى

مساعد وعضو الهيئة العلمية فى جامعة الاديان والمذاهب الاسلامى فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين السيد مسعود بورسيد آقائى

استاذ الحوزة العلمية فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين محمد تقى هادى زاده

استاذ الحوزة العلمية فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين الدكتور فرامرز سهرابى

عضو الهيئة العلمية فى مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) فى قم المقدسة

حجة الاسلام والمسلمين الدكتور نصرت الله آيتى

عضو الهيئة العلمية فى مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) فى قم المقدسة

تعريب خلاصة المقالات:

ضياء الدين خزرجى (بيراسته)

تصحيف:

على قنبرى

مطبوعة:

ناصر احمد بور

تغطية مصمم:

ا. اكبرزاده

المدير المسئول:

السيد مسعود بورسيد آقائى

رئيس قسم التحرير:

نصرت الله آيتى

المدير الداخلى و سكرتير هيئة التحرير:

مجتبى خانى

مقوم النص:

محمد اكبرى

مكتب النشر: قم، شارع الشهداء (صفائية)، زقاق ٢٥، رقم الدار ٢٧

هاتف: ٣٧٨٤٠٠٨٥ - ٢٥ فاكس: ٣٧٨٣٣٣٤٦ - ٢٥

صندوق البريد: ٣٧١٨٥ - ٤٧١ الرمز البريدى: ٣٧١٣٧ - ٤٥٦٥١

مركز التوزيع والنشر: قم، شارع الشهداء (الصفائية)، زقاق ٢٥، رقم الدار ٢٧، هاتف: ٣٧٨٤٠٩٠٢

الكمية: ١٠٠٠ السعر: ٢٩٥٠٠ ريال

البريد الكترونى: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

موقع الانترنتى للمجلة: mashreqmouood.ir

مراتب الانتظار وارتباطه بدرجات حب الذات

السيد محمد النجفي^١
السيدة فاطمة الهاشمي^٢
السيد حسين رجائي راد^٣

نبذة

انتظار المنجي الموعود هو أمر وجودي، ولذا يقبل التشكيك. تقوم هذه الدراسة على تحليل مراتب الانتظار بأسلوب تحليلي - وصفي بالاستفادة من المستندات والوثائق المكتبية المدونة، ويمكن دراسة وتحليل مراتب الانتظار من أبعاد عديدة ومختلفة، لكن هذه الدراسة تستعرض ومن خلال أساس موضوع المحبة والتركيز على هذا المحور كونها وصفاً تعريفاً لمراتب الانتظار، وقد اتضح من خلال الدراسات والأبحاث أن الانتظار في الحقيقة نابع من حب الذات، ويشتمل في أدنى مستوى له للمتطلبات والاحتياجات المادية والعلمية والمعنوية الفردية. وفي أعلى مستوى، فإن الانتظار يظهر بسبب الرغبة والعلاقة بالآخرين وسد الاحتياجات المادية والمعنوية للأسرة، الأقارب والأرحام، ومن هم نظيره في الخلق، وسائر أجزاء عالم الكون والوجود، إلا أن المحبة حينما ترتقي على المستوى الشخصي والطبيعي، ويصبح معيار المحبة هو الحب الإلهي، فإن الإنسان يرتقي على كافة المطالبات المادية والمعنوية والعقلانية والأخروية، و يصير فانياً في الإرادة الإلهية ومظهراً ومجلى للأسماء الإلهية، وفي هذه الأثناء، لا يرى ذاته سوى الذات الإلهية والربانية، فيتسابق ويسارع لتجلي الإرادة الإلهية، وهذا هو الانتظار الذي له أجر الشهادة في ركاب الرسول صلى الله عليه وآله.

المصطلحات الأصلية

الانتظار، حب الذات، مراتب الانتظار.

١. استاذ مساعد في كلية العلوم التربوية في جامعة أصفهان
٢. جامعي ودكتوراه فلسفة التعليم والتربية في جامعة أصفهان (taha313110313@gmail.com)
٣. مهندس ميكانيك

تحليل مدة حكومة إمام العصر عليه السلام

السيد مصطفى ورمزيار^١

نبذة

تعتبر مدة حكومة الإمام المهدي عليه السلام بعد الظهور من جملة المباحث والدراسات المهدوية، ويمكن إبداء وجهات النظر حول تعيين مدة حكومته عليه السلام، بعد التحليل والدراسة السنديّة والدلالية للروايات العديدة و المتعارضة في هذا الباب. ويظهر من خلال أحاديث الفريقين أن فترة حكمه عليه السلام تتراوح بين السبع إلى تسع ٣٠٩ سنوات، وقد أكدت روايات أهل السنة على فترة تقل عن العشرة أعوام، على خلاف المصادر الحديثية لدى الشيعة على أنها تزيد على فترة العشر سنوات، وقد بينت بصورة أوضح، وهناك موارد أخرى من روايات الشيعة بينت أن فترة حكمه هي السبع سنوات، وهي تذكر تفاسير عديدة ومختلفة حول لفظ «السنة» وأن كل سنة تعدل عشرة سنوات عادية أو أكثر.

ومن النقاط المهمة في هذا البحث والدراسة: ما ذكره المؤلف حول الترجيح السندي و الدلالي للروايات، و وجه الجمع المنتخب بين الروايات المتعارضة، وكيفية طول السنة إلى عشرة أضعافها.

بعد تصنيف هذا البحث والدراسة والتحليل السندي والدلالي للروايات وتحليل النظريات المطروحة حول وجه الجمع بين الروايات المتعارضة، يستنتج الباحث منها: أن فترة الحكومة مهما كانت قليلة، فإنها ستكون بمقدار تشكيلها واستقرارها، وبعد ثباتها، ستمضي وتطبق هذه الحكومة الإلهية للصلحاء على المجتمع إلى يوم القيامة، وسيتحقق الوعد الإلهي - وهو تداوم واستمرار للحكومة الإلهية إلى يوم القيامة - .

المصطلحات الأصلية

المهدوية، إمام العصر عليه السلام، مدت حكومة إمام العصر عليه السلام، مراحل حكومة إمام العصر عليه السلام مدة حياة إمام العصر عليه السلام الرجعة.

١. خبير في الأبحاث والدراسات المهدوية (mova277@yahoo.com).

تحليل الآيات و الروايات التفسيرية المهدوية

السيد مهدي حسينيان^١

نبذة

توجد أربعة آراء في تفسير الآية الشريفة الخامسة من سورة القصص وهي قوله تعالى: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...﴾^١ الرأي الأول الذي ذكره المفسرون من أهل السنة هو - أن الآية ناظرة إلى قوم بني إسرائيل. وأما الرأي الثاني - والذي هو آراء العديد من مفسري الشيعة - ظاهر الآية متعلق ببني إسرائيل، لكن تأويلها أو باطنها متعلق بالإمام المهدي عليه السلام. وأما الرأي الثالث: - الذي يعرضه بعض مفسري الشيعة - فالآية تدل على العموم، وتشمل أيضاً بني إسرائيل وكذلك الإمام المهدي. و بناء على نظرية علي بن ابراهيم و بعض آخر من المفسرين - الرأي الرابع - فإنهم يرون أن هذه الآية منحصرة بزمن حكومة الإمام المهدي عليه السلام مع سائر الأئمة المعصومين عليهم السلام.

المصطلحات الأصلية

الإمام المهدي عليه السلام، المهدوية في القرآن، الآيات المهدوية.

١. استاذ الحوزة العلمية في قم المقدسة (mohadas14@mihanmail.ir).

الصلوات و دعاء الفرج

السيد أبو الفضل موسوي آقداش^١

نبذة

الدعاء للفرج هو من جملة وظائف المنتظرين في عصر الغيبة، وبما أن الصلوات قد أصبحت تطرح على أنها شعار للشيعنة، فإن هذا يعد أفضل محمل لحمل الدعاء للفرج، ويؤيده: الأدعية و الزيارات التي ورد فيها بعد ذكر الصلوات الدعاء لفرج آل محمد عليهم السلام و الإمام المهدي عليه السلام. حدد الباحث هذه الدراسة والبحث في ثلاثة عناوين هي: «كيفية الدعاء للفرج»، «آثار و بركات الصلوات و الدعاء للفرج»، و «ضرورة ذكر الصلوات مع لفظة "عجل فرجهم"». و استطاع من خلال ذكر الروايات في هذا المجال أن يجعلها خطوة لشمول ذكر الصلوات مع لفظة «عجل فرجهم»، ليتضح من خلال ظهور ضرورة هذا العمل: أن تتواجد شيئاً فشيئاً نهضة شاملة في هذا المضمار، فنكون قد خطونا خطوة عملية للإعداد و التمهيد للظهور الشامل و المحبوب.

المصطلحات الأصلية

الفرج، الدعاء، الصلوات، الإمام المهدي عليه السلام، آل محمد عليهم السلام.

١. خريج مركز المهديوية التخصصي (sama.1357@chmail.ir).

قياسات تربوية من دعاء السلامة لإمام العصر عليه السلام

السيد محمد رضا موسوي نسب^١

السيد مهدي مطهري^٢

نبذة

الدعاء والتضرع يعدان من أجمل وأروع أشكال الارتباط بخالق الكون والوجود، ففي الثقافة الشيعية وردت أدعية كثيرة بمفاهيم متعددة، ودعاء السلامة لإمام العصر والزمان عليه السلام (اللهم كن لوليك) يعد من أشهر الأدعية وأكثرها شيوعاً وانتشاراً، لكونه يرتبط بولاية وإمامة إمام العصر والزمان عليه السلام، ومحور هذا الدعاء هو التأكيد على الإرادة الإلهية في العناية بوليّه و تحقق حكومته العالمية، ومشاركة كافة الأجيال في إحياء هذه السنة والشعيرة الإلهية والإعداد والتمهيد للظهور.

يستعرض الباحث في هذه الدراسة تحليلاً وافياً حول عبارات هذا الدعاء كلاً على حدة، وما يقتبس منها من معاني تربوية في المجال المعرفي، المنهجي، والسلوكي. أما الفقرة التربوية الأولى في هذا الدعاء: فهي التربية الاعتقادية وتعني معرفة الله المتعال والمقام الرفيع لإمام العصر عليه السلام، على أنه الحجة الإلهية والإنسان الكامل. وأما الثانية: فهي تربية وتنمية روح الشكر والثناء لولي النعمة وإيجاد المحبة والود، وتنمية البعد العاطفي للمنتظر، وأما الرشد المعرفي والمحبي فإنه يحدد وظيفة المنتظر في تربيته والآخريين، وإعداد المجتمع وتجهيزه للظهور، والدفاع، والتضحية، ونصرة إمام العصر والزمان عليه السلام، وتسلب الأضواء هنا على التربية الاجتماعية والسياسية. وعلى ضوءه، ترافق فلسفة التربية المهدوية من حيث المبادئ الإلهية لمفهوم الإمامة و ولاية إمام العصر عليه السلام مع التشخيص والعمل بالوظيفة. أما في إطار تربية المنتظرين، والإعداد والتمهيد للظهور، فينبغي أن تكون التربية إلهية وولائية، وقائمة على أساس الدليل والاستدلال والحجة والبرهان، وعلى محوري المعرفة والمحبة ومواكبة قبول المسؤوليات.

المصطلحات الأصلية

الدعاء، دعاء السلامة، إمام العصر والزمان عليه السلام، التربية.

١. استاذ مساعد و عضو الهيئة العلمية للمؤسسة التعليمية - البحثية للإمام الخميني عليه السلام (smrnm1364@gmail.com).

٢. خريج ماجستير فرع الأخلاق الإسلامية في المؤسسة التعليمية - البحثية للإمام الخميني عليه السلام.

تجليّ إمام العصر عليه السلام في مرآة الشعر العربي المعاصر

السيد محسن سيفي^١

السيدة أسماء سلطاني فرد^٢

نبذة

الاعتقاد بظهور المنجي و المصلح العالمي هو أمر فطري، عقلي، و ديني، وأحد التطلعات المشتركة لكثير من الأديان والمذاهب في العالم، أما فكرة اعتقاد المسلمين بالمنجي الموعود المهدي المنتظر عليه السلام - الذي يمتلك ثورة ودعوة عالمية و يأتي لإنقاذ و تخليص البشر - فقد تجسدت في مرآة الشعر، و على هذا الأساس، شملت المهدييات - وهي أحد الموضوعات الشعرية الشيعية - نطاقاً واسعاً للأدب الشيعي في فترات ومراحل عديدة و متنوعة، وقد أبدى الشعراء المعاصرون العرب في أشعارهم أيضاً و دهم وإرادتهم ورغبتهم الخالصة لإمام العصر عليه السلام ورددوا في أنشوداتهم موضوعات عديدة و مختلفة فيما يختص به عليه السلام.

استعرض الباحث في هذه الدراسة تحليلاً لأشعار بعض الشعراء المعاصرين العرب في مجال المهديوية، وقد تجسد فيها مفاهيم وأطروحات عديدة: كمفهوم الغيبة، انتفاع الناس بالإمام الغائب، الانتظار، العدل، الدعوة إلى الثورة وإقامة وتأسيس حكومة العدل.

المصطلحات الأصلية

إمام العصر عليه السلام، الغيبة، الانتظار، الشعر العربي المعاصر، الثورة.

١. استاذ مساعد في اللغة و الأدب العربي في جامعة كاشان (motaseifi2002@yahoo.com).

٢. ماجستير في اللغة و الأدب العربي.

دور الثقافة المهدوية بين الشباب السنة والشيعة

منصور نيكبناه^١

نبذة

الاعتقاد بالمنجي الموعود والمخلص وظهور المصلح العالمي هي العقيدة المشتركة الغالبة بين الأديان العالمية وجميع المسلمين في العالم، فعلى الرغم من بعض الاختلافات في الفروع لدى الفرق الإسلامية، لكنها متفهمة ومشتركة في أصل المهدوية، وبالتالي، فإن أحد مبادئ التقريب بين المذاهب الإسلامية هي هذه العقيدة، وفيما يتعلق بالتخطيط الواسع والشامل للعالم الغربي لحرف العقائد الإسلامية، فإنها تحاول جاهدة رسم صور مرعبة ومخيفة حول مخلص ومنجي المسلمين في نهاية العالم، وعرض الأنماط المطلوبة لإنموجها لنهاية العالم، و... من مسؤوليتنا هو دفع الشكوك والشبهات وبيان القواسم المشتركة، لذلك، في هذه الدراسة نحن بصدد تحليل الأسئلة المتعلقة بتقارب المعتقدات السنية والشيعة حول مسألة المهدوية، مع إظهار الخلفيات الثقافية لهذا الاشتراك.

المصطلحات الأصلية

الشيعة، السنة، الظهور، المهدي.

١. استاذ مساعد في مجمع التعليم العالي في سراوان (m.nikpanah@yahoo.com).

برگ اشتراک فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های مهدوی

تاریخ:
مشخصات مشترک
نام: نام خانوادگی: میزان تحصیلات:
سال تولد: شغل: تعداد درخواستی از هر شماره:
شروع اشتراک از شماره: نشانی:
.....
کدپستی ده رقمی:
تلفن ثابت با کد: تلفن همراه:
این قسمت توسط امور پخش تکمیل می‌گردد
شماره اشتراک: وضعیت اشتراک: یکسال <input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/>
از شماره: تا شماره: شماره و تاریخ ثبت:
شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی: شیوه ارسال: عادی <input type="checkbox"/> سفارشی <input type="checkbox"/>

یادآوری

- نشریه پژوهش‌های مهدوی به صورت فصلنامه در اختیاران قرار می‌گیرد. لطفاً برای چگونگی اشتراک نشریه به موارد زیر توجه فرمایید:
- بهای اشتراک چهار شماره نشریه با احتساب هزینه پست سفارشی ۲۰/۰۰۰ تومان است.
 - بهای اشتراک به حساب شماره ۳۱۴۳۴۴۸۴۴۸ نزد بانک ملت، حساب جام، به نام مؤسسه آینده روشن واریز شود.
 - اصل فیش بانکی مبلغ واریزی را همراه برگ اشتراک به وسیله پست به نشانی: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، مؤسسه آینده روشن، امور پخش محصولات ارسال نمایید.
 - لطفاً بر روی فیش بانکی نام و نام خانوادگی خود (یا مشترک مورد نظر) را ذکر فرمایید.
 - پس از گذشت یک‌ماه از زمان ارسال برگ اشتراک به مؤسسه در صورت نرسیدن مجله با شماره تلفن ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۹۰۲ تماس حاصل فرمایید.
 - لطفاً در صورت تغییر نشانی خود، به مؤسسه (امور پخش محصولات) اطلاع دهید.
 - استفاده از کپی برگ اشتراک مانعی ندارد.

